اولین روزنامه سهامداری ایران (خبرنگاران و کارکنان)

صمت معدن تجارت

شنبه
• ۱۳ شهریور ۱۴۰۰
• ۲۶ محرم ۱۴۴۳
• ۴ سپتامبر ۲۰۲۱

• سال سی‌ویکم دوره جدید شماره ۱۸۷۴ • پیاپی ۳۱۹۲ • ۱۶ صفحه • قیمت: ۲۰۰۰ تومان

www.smtnews.ir - http://Telegram.me/smtnews



KSC

فولاد خوزستان بر روی ریل توسعه؛

اجرای سه طرح عظیم توسعه‌ای شرکت فولاد خوزستان عملیاتی شد

۶

سرمقاله



ارث فقر از این دولت به آن دولت ۲

یادداشت‌های امروز



جایگاه صنعت خودرو در اقتصاد کشور ۴



بخش خصوصی محور اصلی اقتصاد کشور باشد ۱۱



به تغییرات اساسی نیاز داریم ۱۵

گفت وگو



دولت فقط یک‌چهارم اقتصاد را در دست دارد ۱۲



کرونا حریف تولید خودرو در ایران نشد ۱۳

پرونده

سهم دولت از سفره اقتصاد چقدر است؟



تضمین درآمد همگانی با استفاده از ابزار مالیاتی ۳
سهم و ظرفیت بالای صنعت خودرو در اشتغال ۴
رویکرد نادرست دولتی، معادن را زمین گیر می کند ۵
الزامات کاهش تصدی گری دولت در صنایع معدنی ۶
سهم دولت در تجارت کشور ۷
بازار دستور نمی‌پذیرد ۸
سهم دولتی‌سازی در چالش‌های حاکم بر زنجیره فولاد ۱۱
کفه ترازو به نفع دولت سنگینی می کند؟ ۱۴
ردپای عمیق دولت در بورس ۱۵

عکس: آیدا فریدی

رئیس مجمع نمایندگان استان هرمزگان

موانع توسعه فولاد هرمزگان برطرف شود



در نشستی با حضور مدیرعامل فولادهرمزگان و رئیس مجمع نمایندگان استان هرمزگان مشکلات موجود در راه توسعه و تولید فولاد هرمزگان بررسی و بر رفع موانع تولید و پشتیبانی از طرح‌های توسعه‌ای فولاد هرمزگان تاکید شد.

مرادی در این نشست با ذکر اینکه فصل جدیدی برای توسعه و تولید آغاز شده عنوان کرد: بایستی تلاش کرد هر آنچه به عنوان مانع تولید شناخته می‌شود، مرتفع گردد.

وی توجه به خستگی مردم و بی‌اعتمادی شکل گرفته در جامعه را مهم دانست و ریشه این بی‌اعتمادی‌ها را در عملکرد دولت‌ها دانست و تاکید کرد: ترمیم و بازسازی این اعتماد منوط به این است که حرکتی انجام داده و انقلابی عمل کنیم. مدیران بایستی از حداقل امکانات حداکثر استفاده را ببرند.

وی به موانع توسعه فولاد هرمزگان اشاره کرد و اظهار داشت در بحث توسعه فولاد هرمزگان، موضوع زمین و برق بایستی پیگیری و مشکلات این شرکت حل شود.

نایب‌رئیس کمیسیون انرژی مجلس همچنین از قول وزیر صمت برای حل مشکلات برق صنایع کشور، خبر داد.

در ادامه، عطاالله معروفخانی مدیرعامل فولاد هرمزگان ضمن تقدیر از دکتر مرادی رئیس مجمع نمایندگان استان برای همکاری‌های بی‌دریغ ایشان در حمایت از فولاد هرمزگان، گفت: بر اساس فرامین رهبر معظم انقلاب و تاکید رئیس‌جمهوری محترم بایستی ترمیم اعتماد از دست رفته مردم را در اولویت قرار دهیم.

وی اظهار داشت: دکتر مرادی فعالیت‌های بسیار زیادی را در حمایت از توسعه و تولید دارند. توسعه در صنعت منجر به اشتغال‌زایی خواهد شد و تلاش و حمایت‌های دکتر مرادی در این حوزه قابل تقدیر است.

مدیرعامل فولاد هرمزگان با اعلام آمادگی این شرکت برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای اظهار داشت: فولاد هرمزگان در بحث‌های توسعه‌ای پیش قدم و در صورت رفع موانع موجود این امر به سرعت آغاز خواهد شد.

معروفخانی به تاکید رهبر معظم انقلاب مبنی بر تولید اشاره و گفت: در صورت رفع موانع تولید ازجمله قطعی برق که خسارات سنگینی به حوزه وارد کرده، آماده‌ایم با تلاش گسترده جهشی در تولید رقم بزنیم و در کنار حمایت از صنایع داخلی، با صادرات محصول، ارزآوری را برای کشور داشته باشیم.

رشد ۱۲ درصدی تولید در سایپا



تولید انواع خودرو در مردادماه ماه امسال تنها ۴.۹ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش یافته است؛ از بالغ بر ۶۳ هزار خودرو تولید شده در مرداد ماه امسال بالغ بر ۲۸هزار دستگاه متعلق به تولیدات گروه سایپا است؛ بر این اساس سایپا رشد ۱۲.۲ درصدی تولید را نسبت به مرداد ۱۳۹۹ رقم زده است.

به گزارش ایسنا، بر اساس جدیدترین آمار تولید انواع خودرو در شرکت‌های خودروساز، در مرداد ماه سال‌جاری ۶۳ هزار و ۲۵۱ دستگاه از انواع خودرو تولید شده که نسبت به ۶۰ هزار و ۲۹۳ دستگاه تولید مردادماه ۱۳۹۹، حدود ۴.۵ درصد افزایش تولید دیده می‌شود.

تولید انواع سواری در مردادماه سال‌جاری نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۸.۱ درصد افزایش یافته و از ۵۳ هزار و ۵۳۴ دستگاه در مردادماه سال گذشته به ۵۷ هزار و ۸۷۴ دستگاه رسیده است.

انواع ون نیز با تولید ۲۹ دستگاه در مرداد ماه امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته که ۱۵ دستگاه تولید شده بود، ۹۳.۳ درصد افزایش تولید را تجربه کرده که بیشترین افزایش تولید نوعی از خودروها را در این گزارش به خود اختصاص داده است.

پس از ون‌ها، بیشترین میزان افزایش تولید خودروها مختص کامیون، کامیونت و کشنده است. در مردادماه سال‌جاری ۶۲۵ دستگاه کامیون، کامیونت و کشنده تولید شده که نسبت به ۳۹۵ دستگاه تولید شده در مرداد ۱۳۹۹، افزایش ۵۸.۲ درصدی داشته است.

مینی‌بوس و میدل باس نیز در مرداد ماه امسال رشد ۳۱.۴ درصدی را نسبت به ماه مشابه سال گذشته تجربه کرده و از ۵۱ دستگاه به ۶۷ دستگاه رسیده است.

در مقابل اما بیشترین میزان کاهش تولید خودرو در پنجمین ماه از سال ۱۴۰۰ نسبت به مردادماه سال گذشته، مربوط به وانت‌هاست که ۴۶۰۹ دستگاه در این ماه تولید شده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲۶.۲ درصد کاهش یافته است.

در مردادماه سال گذشته ۶۲۴۵ دستگاه وانت تولید شده بود.

در نهایت نیز طبق آمار تولید اتوبوس هم در مردادماه امسال ۱۱.۳ درصد افت تولید داشته و از ۵۳ دستگاه تولیدی در مردادماه ۱۳۹۹ به ۴۷ دستگاه در مرداد امسال رسیده است.

علاوه بر این آمار تجمیعی تولید خودرو در پنج ماهه سال‌جاری تا پایان مردادماه نیز بدین صورت است که تولید انواع خودرو تنها ۱.۵ درصد معادل ۵۷۲۶ دستگاه بیشتر شده است؛ میزان تولید انواع خودروها از ۳۸۰ هزار و ۵۲۱ دستگاه در پنج ماه اول سال گذشته به ۳۸۶ هزار و ۲۷۷ دستگاه در مجموع پنج ماه امسال رسیده و تنها ۱۰ ماهه امسال رسیده است.

سایپا در مردادماه امسال ۲۷ هزار و ۸۹۱ دستگاه خودرو تولید کرده که معادل ۳۰۳۲ دستگاه بیشتر از تولیدات این خودروسازی در مردادماه ۱۳۹۹ است لذا سایپا افزایش ۱۹.۱ درصدی تولید را رقم زده است.

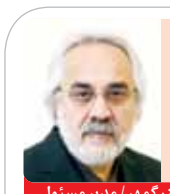


سازمان آگهی ها
۸۸ ۷۲۲ ۷۳۳

(نوبت اول)
شرکت شهرکهای صنعتی خراسان رضوی
فراخوان خدمات مشاوره
شرکت شهرکهای صنعتی خراسان رضوی
شناسه ۱۱۸۴۳۰۳
شرح در صفحه ۵

سر مقاله

ارث فقر از این دولت به آن دولت



ناصر بزرگمهر / مدیر مسئول
management@smtnews.ir
به نام او که هر چه بخواهد همان می‌شود

پدری به‌علت بیماری کرونا در بیمارستان نفس‌های آخرش را می‌کشید و سه پسرش بالای سرش بودند.

پدر رو کرد به پسر اولی و گفت: رستوران‌ها مال تو.

بعد رو کرد به پسر دومی گفت: ۴ تا هتل هم مال تو.

به پسر آخری هم گفت: عزیزم سوپرمارکت‌ها هم مال تو و از دنیا رفت.

سه پسر شروع به گریه و زاری کردند.

دکتر که شاهد ماجرا بود گفت: صبر داشته باشید، فردا پس‌فردا سرتان به املاک‌تان گرم می‌شود و درگیر رستوران و هتل و سوپرمارکت‌ها می‌شوید و داغ‌تان فراموش می‌شود، اما هیچ وقت پدرتان را فراموش نکنید و برایش فاتحه و خیرات کنید.

سه پسر گفتند: کدام ملک؟کدام هتل؟ کدام سوپرمارکت؟ آقای دکتر پدرمان یک نیسان داشت و با آن، آشغال‌های چند هتل و مغازه و رستوران را جمع می‌کرد و می‌فروخت.

حالا هم کارهایش را تقسیم کرد تا ما برویم هر کدام چند ساعتی آشغال‌ها را جمع کنیم.

وقتی سخنرانی‌ها و ادعاها و تعریف و تمجیدهای روزهای آخر هیات دولت از کارهای نکرده‌شان را می‌خواندم و می‌شنیدم، نخستین فکر این بود که نکند گوش ما سنگین شده و چشم‌های‌مان بابا قوری گرفته که این همه خدمات و تلاش را در همه وزارتخانه‌ها نمی‌بینیم و فقط کم‌ارزش شدن پول ملی و از بین رفتن ثروت ناچیز مردم و گرانی ارز و سکه و تورم لحظه به لحظه نان و پنیر و هندوانه و گردو و شیر و ماست ناقابل را می‌بینیم و به مزایای همین کرونا و ششصد تا، هفتصد تا مردن آدم‌ها فکر نمی‌کنیم و از صد تا مزایای آن مثل جلوگیری از خرج‌های بی‌حاصل عزاداری و سوروسات عروسی و قطع رفت‌وآمدهای خانوادگی و برگزار نکردن مهمانی و حذف شام و ناهارها یک جمله نمی‌گوییم.

حالا که هنوز یک هفته از روی کار آمدن دولت جدید نگذشته، صدای رئیس سازمان برنامه و بودجه به‌عنوان مهم‌ترین نهاد برنامه‌ریزی پول و بودجه و حقوق و دستمزد و یارانه بلند شده که وضع بسیار بد است و ارث فقر به ما رسیده است.

فکر می‌کنم واقعا دولت کریمه تدبیر و امید در وارد نکردن واکسن کرونا و گران کردن مسکن و آرد و نان و دلار و یورو و سکه و هزار چیز دیگر، جز خیر و صلاح ملت و مملکت به هیچ چیز دیگر فکر نکرده است.

اما متاسفانه این روزنامه‌نگاران اجنبی‌پرست، به‌جای تشکر و قدردانی از این همه تلاش و خیرخواهی دولتمردان، به چیزهای کوچک و بی‌ارزش مثل پول ملی فکر می‌کنند و هی نق می‌زنند، چون عقل این روزنامه‌نگاران نمی‌رسد که اگر دلار گران شده و هر روز نرخ آن تغییر می‌کند، خود صاحب کافرش باید برای آن فکری بکند، چه دخلی به دولت ما و بانک مرکزی‌مان دارد؟

ما که در ۸ سال همه تلاش خود را برای ارزان کردن ریال انجام دادیم و به نتایج مطلوبی هم رسیدیم و الان ریال ارزان را داریم به دولت بعدی منتقل می‌کنیم که هیچ دل‌نگران ارزانی ریال نباشند.

ما که به‌عنوان دولت علاقه‌مند به مردم فقیر و بی‌خانمان و کم‌درآمد، همه سعی خود را کردیم که حتی آدم فقیر هم در جامعه کم شود و فقر را با واکسینه نکردن و گران کردن هزینه بیمارستان‌ها به‌طور کامل ریشه‌کن کنیم که وقت ما تمام شد.

اما تا الان هم خیلی خوب موفق شده‌ایم و بانمک‌ترین وزیرمان را برای سروسامان دادن فقرا به‌کار گرفته‌ایم و اطمینان داریم که با کمبود واکسن و سرم و دارو و تخت بیمارستانی، به‌زودی فقیری در کشور نداشته باشیم.

ما به‌عنوان دولت، همه تلاش خود را در چاق و چله کردن دولت انجام داده‌ایم. اگر چند فست‌فود هم در خیابان‌ها راه‌اندازی می‌کردیم و مدیریت آن را به برادر معاون اول یا داماد یکی از اعضای دولت می‌سپردیم و معاونت فست‌فودی رئیس‌جمهوری را جا می‌انداختیم و شعب آن را در کنار بانک صادرات یا پست‌بانک در همه جای کشور برقرار می‌کردیم، می‌توانستیم گام مهمی در چاق کردن بخشی از جامعه برداریم.

کارکنان دولت هم حق دارند که چاق شوند. این قصه لاغر کردن دولت‌ها و چابک‌سازی هم پدیده شوم غربی است که توسط اقتصاددانان فرنگ‌رفته مطرح می‌شود و اساسا نباید به این موارد توجه کرد.

شاید نیاز باشد که مدیریت سلمونی‌ها را هم از بخش خصوصی بگیریم و اگر دولتی نمی‌کنیم، حداقل خصولتی کنیم؛ چه عیبی دارد. مگر الان سلمونی مخصوص ریاست‌جمهوری و دولت درست نکردیم؟ مگر خیلی از سازمان‌ها و بانک‌ها در ساختمان خودشان آرایشگاه نزده‌اند؟ حداقل وقتی مدیران بیکار می‌شوند می‌توانند بروند آنجا یک چای قندپهلو بخورند و سر خودشان را اصلاح کنند و سرگرم باشند.

اصلا باید مصوبه تبدیل سلمونی‌ها از خصوصی به دولتی را هم به مجلس بدهیم و تا آنجا که می‌شود، اصلاح سر و صورت مردم را هم در اختیار دولت قرار دهیم که بزک کردن همه دست خودمان باشد. نگران این چهارتا روزنامه‌نگار نق‌نقو هم نباشیم؛ با گرانی کاغذ و چاپ و رشد موبایل، کارشان خود به خود تعطیل می‌شود.

سهم دولت از سفره اقتصاد چقدر است؟

یکی از بخش‌های مهم اقتصاد، در هر کشوری دولت است که علاوه بر فراهم کردن امنیت براساس دیدگاه حداقل مداخله دولت، می‌تواند در زمینه‌های مدیریت اقتصادی و همچنین تولید نقش عمده‌ای ایفا کند و به این ترتیب بر تولید بخش خصوصی و در نهایت تولید کل اقتصاد، اثرات مثبت و منفی داشته باشد. انجام این فعالیت‌ها و ایفای نقش‌های محوله توسط دولت مستلزم هزینه است و از آنجا که یکی از معیارهای اندازه‌گیری دولت نسبت مخارج به تولید ناخالص داخلی است، مداخله هر چه بیشتر دولت در اقتصاد به‌معنای بزرگ‌تر شدن آن است.

شواهدی از عملکرد چند دهه اخیر برخی اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در دست است که نشان می‌دهد فراتر رفتن مخارج دولت از حدود موردنیاز برای ارائه خدمات پایه‌ای، به کاهش رشد اقتصادی منجر می‌شود.

دخالت دولت در اقتصاد، یکی از مواردی است که باوجود اهمیت بالای آن برای اقتصاد ایران، تحقیقات چندانی درباره آن صورت نگرفته است. دولت ایران حجم بسیار بالایی از فعالیت‌های اقتصادی را به خود اختصاص داده و طبق تخمین‌های انجام‌شده، حجم فعالیت‌های زیرمجموعه‌های دولت حدود ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی ایران را به خود اختصاص می‌دهد، این در حالی است که در چند سال گذشته به‌دلیل کاهش نرخ نفت، درآمد دولت نیز با مشکل مواجه شده و کسر بودجه بیش از گذشته اقتصاد را با بحران همراه کرده است.

با این همه اندازه دولت همچنان مورد اختلاف دو نظریه متضاد است.

برخی معتقدند نباید و نمی‌توان خیلی به اندازه دولت دست زد و حتی مشکلات پیش آمده در سیستم درمان برای کنترل کرونا را ناشی از کوچک کردن دولت در سال‌های اخیر دانسته‌اند، اما در مقابل بسیاری همچنان بر کوچک کردن دولت با هدف کارآیی بیشتر و کاهش هزینه‌های دولتی تاکید دارند. اما به‌راستی اندازه بهینه دولت در اقتصاد چقدر است؟

برای درک بهتر این مسئله، باید به رابطه میان رشد اقتصادی و اندازه دخالت دولت توجه جدی شود. به‌طورکلی، نتایج بررسی‌ها نشان داده دولت‌ها به‌طور ناخودآگاه به بزرگ‌تر شدن و دخالت بیشتر تمایل دارند.

از سوی دیگر، یک رابطه منفی میان سهم دولت از فعالیت‌های اقتصادی و رشد کشور وجود دارد. اغلب تحلیلگران اقتصادی نیز بر وجود رابطه قوی میان میزان دخالت دولت‌ها و تولید سرانه تاکید دارند و معتقدند امکان رواج فساد و ناکارآمدی در دولت‌ها از دیگر آفت‌های دولت‌های عریض و طویل است؛ بر همین اساس در پرونده این شماره صمت به این سوال کلیدی پرداخته‌ایم که سهم دولت در اقتصاد ایران چقدر است و چقدر باید باشد؟ با این پرونده صمت همراه باشید.

اقتصاد ایران باید دولتی باشد یا خصوصی؟

ایران از لحاظ تولید ناخالص داخلی برپایه برابری قدرت خرید، بیست‌وسومین اقتصاد بزرگ جهان است و با این وجود همچنان با مشکلات بسیاری دست‌وپنجه نرم می‌کند. از تحریم و کاهش نرخ نفت گرفته تا کسب‌وکارهایی که به‌دنبال شیوع کرونا با مشکلات جدی مواجه شدند. بسیاری از کارشناسان سال ۱۴۰۰ را یک فرصت مهم در اقتصاد ایران می‌دانند که اگر در مسیر درست هدایت نشود ممکن است چنان به بیراهه برود که حتی تصور آینده‌اش غیرقابل باور باشد. با این همه اقتصاد ایران برای ادامه حیات باید دولتی باشد یا خصوصی و سهم دولت در اقتصاد چقدر است. کارشناسان برای پاسخ به این سوال نظرات متفاوتی دارند.

برهه حیاتی پیش‌روی اقتصاد ایران



کیوان کاشفی- عضو هیات‌رئیسه اتاق بازرگانی ایران: در برنامه‌های اقتصادی کشور طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۰یک «کوه یخ» بزرگ وجود داشت که در چشم‌انداز طرح شده باید تا امروز نشانی از آن نباشد؛ این کوه یخ نمایانگر سهم دولت در اقتصاد است.

دهه پیش‌رو برهه حساس و حیاتی پیش‌روی اقتصاد ایران است؛ برهه‌ای که واگذاری اختیارات به بخش‌خصوصی از مرحله نمایش، امتیاز یا لطف خارج می‌شود و ادامه حیات اقتصادی، راه و چاره‌ای جز تکیه بر توانمندی‌های بخش‌خصوصی ندارد.

دهه پیش رو خبر از روزهایی می‌دهد که دیگر چاه‌های نفت تاب و توانی برای به دوش کشیدن بار سنگین اقتصاد ندارند و برای تامین معاش باید بر مزیت‌ها تکیه کرد و زمام امور را به تجربه اهالی اقتصاد سپرد.

چندان تفاوتی نمی‌کند رئیس‌جمهوری امروز ایران اصولگرا باشد یا اصلاح‌طلب. دولت امروز در حوزه اقتصاد یک راه بیشتر پیش رو ندارد و آن گام برداشتن در خارج از دایره اقتصاد بسته دولتی است.

ایران امروز چاره‌ای ندارد جز آنکه حیات و ممات اقتصاد را محور همه امور قرار دهد و سیاست و دیپلماسی را بر محوریت گشایش اقتصادی تعبیر و تفسیر کند.

در نقطه مقابل رویکرد دولت برای بخش‌خصوصی از اهمیت مضاعفی برخوردار است. تحریم‌های سنگین، از دست دادن بازارها به‌واسطه ممنوعیت مراودات مالی در سطح بین‌المللی و البته شیوع کرونا، کسب‌وکار فعالان بخش خصوصی را در شرایطی بحرانی و حاد قرار داده و فرصتی برای تعلل نمانده است. تاب‌آوری بخش خصوصی در برابر تکانه‌های اقتصادی به کمترین میزان خود در ۳ دهه گذشته رسیده و کوچک‌ترین ضربه‌ای می‌تواند برخی کسب‌وکارها را تا نابودی کامل پیش ببرد؛ از همین رو بخش خصوصی بی‌پرده و شفاف خواسته‌های خود را از رئیس‌جمهوری سیزدهم بیان می‌کند. بخش‌خصوصی، نیاز غریب و دور از دسترس و نوخاسته‌ای ندارد. خواسته‌ها همان است که بود: تسهیل فضای کسب‌وکار و البته ثبات قوانین.

حجم بالای قوانین، بخشنامه‌ها و ضوابط خلق‌الساعه و تغییرات پیاپی این قوانین، فعالان اقتصادی را به زانو درآورده و امروز تاب‌آوری بخش‌خصوصی به مو رسیده و با اندک تلنگری همان مو هم پاره می‌شود و اقتصاد ایران در ابعاد کلان به زانو در می‌آید. خواسته بخش خصوصی از دولت آینده به‌صورتی موجز، صریح و شفاف همان است که رهبر معظم انقلاب به‌عنوان شعار سال برگزیدند. حتی اگر دولت بتواند نیمی از هدف و روح این شعار را محقق کند و به‌معنای واقعی مانع‌زدایی از کسب‌وکارها و تولید را انجام دهد، گشایش اقتصادی به‌عنوان گمشده دهه گذشته، در دهه نخست ۱۴۰۰ حاصل خواهد شد.

تاریخ ملل و توسعه به‌خوبی بیانگر این مهم است که هر جای تاریخ و در هر کجای این پهنه پهناور، دولت‌ها خود را محق دخالت در تمام شئون زندگی دانسته و کمترین بهره را از نظر اهالی فن داشته‌اند، آن دولت راه سلامت نپیموده است.

اقتصاد، عیان‌ترین مصداق و گواه این مدعاست و مروری بر روند توسعه اقتصادی کشورها در نیم‌قرن گذشته نشان می‌دهد اقتصادهای دولتی تنها با تکیه بر منابع و خام‌فروشی، دوام آورده و روزبه‌روز مهجورتر و اقتصادهای باز و متکی بر ظرفیت‌ها و مزیت‌ها، شاداب‌تر و مقاوم‌تر شده‌اند. این مسیری است که بدون تردید پیش روی رئیس‌جمهوری فعلی ایران قرار دارد. طی سال‌های گذشته بخش خصوصی تبدیل به ویترین دولت شده و سطح تعامل دولت و این بخش از سطح وعده‌ها فراتر نرفته است؛ چنان‌که معدود وعده‌های تحقق یافته هم در برهه‌هایی بوده که دولت نیازمند کسب وجاهت از بخش خصوصی بوده است.

آنچه این روند را تحکیم بخشیده، تکیه بر منابع ارزی حاصل از فروش نفت و گاز بوده است؛ منبعی که به گواه مناسبات جهانی، دیگر پایداری گذشته را ندارد و دولت باید بخش خصوصی را به بازیگر اول میدان اقتصاد بدل کند.

نکته دیگری که باید حتما هر دولتی که در رأس امور قرار می‌گیرد، به آن توجه کند این است که در هر برنامه و فکر ظاهرا عالی که ازسوی مسئولان و مجریان دولتی ترجیح داده می‌شود، باید به عقل چند صدساله یا چند هزارساله فعالان واقعی در عرصه‌های مختلف کسب‌وکار توجه شود و مسئولان ملاحظات ظریف و دقیق این مردم را در نظر بگیرند. باید یاد بگیرند که به‌جای سخن گفتن یک‌طرفه، حتما با تواضع اول خوب گوش دهند تا به ارزشمندترین راه‌حل‌ها و ارزان‌ترین راهکارها دست یابند.

سهم تعاونی‌ها را در اقتصادافزایش دهیم



رضا وفایی یگانه- کارشناس اقتصاد: اگر می‌خواهیم اقتصاد کشور به سمت بهره‌وری برود و توان مقابله با فشارهای اقتصادی را داشته باشیم، راهی جز کاهش سهم دولت در اقتصاد و افزایش نقش تعاونی‌ها نداریم.

در چند سال گذشته در بحث خصوصی‌سازی آن‌طور که باید، عمل نکرده‌ایم و مردمی شدن اقتصاد را شاهد نبوده‌ایم؛ در حالی که بخش‌های خصوصی و تعاونی در بحث واگذاری تصدی‌گری‌ها و خصوصی‌سازی باید در اولویت قرار گیرند.

بیش از ۹۰ هزار تعاونی فعال در کشور وجود دارد. باوجود آنکه بخش تعاون با مشکلات متعددی روبه‌رو است، خوشبختانه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بر لزوم حمایت از تشکیل و تاسیس تعاونی‌ها از طریق اعطای تسهیلات بانکی و رفع محدودیت از حضور تعاونی‌ها در تمام عرصه‌ها به‌ویژه نظام بانکی و پولی تاکید کرده است.

برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی و مقابله با تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی باید به سمت بهره‌وری برویم و برای تحقق این هدف راهی جز کاهش سهم دولت در اقتصاد و افزایش نقش تعاونی‌ها نداریم.

در عین حال سند بخش تعاون یکی از ظرفیت‌های قانونی برای توسعه تعاونی‌هاست. در این سند در بحث سیاست‌های ناظر بر بازار پولی برای رشد و توسعه تعاونی‌ها، نهادسازی و تقویت نهادهای پولی موردتوجه قرار گرفته و بر اولویت تعاونی‌های متقاضی واجد شرایط برای تاسیس بانک تاکید شده است.

اگر بسترهای لازم برای تحقق این هدف به‌شکل مطلوب و شایسته فراهم شود، ظرفیت ایجاد بانک با ساختار حقوقی بخش تعاون توسط تعاون‌گران وجود دارد.

سرماخوردگی دولت و بالا رفتن تب اقتصاد!



مهدی طغیانی- استاد اقتصاد دانشگاه اصفهان: دولت به‌عنوان گرداننده اصلی اقتصاد ایران، نقش‌آفرینی جدی در این حوزه و سهم بزرگی در آن دارد؛ به‌تعبیری وقتی دولت سرما می‌خورد، اقتصاد ایران تب می‌کند!

دولت باید با تمام قوا برای انتقال نقش خود به مردم تلاش کند تا مردم در عرصه اقتصاد فعال‌تر شوند. مثلا اگر سرمایه‌گذاری دولت در امور اقتصادی کم شد، باید سرمایه‌گذاری مردم زیاد شود. در صورت واگذاری سهم دولت در اقتصاد به مردم، فعالان اقتصادی به سراغ عرصه‌های تولیدی خواهند رفت. با این همه تا زمانی که اقتصاد ایران دچار سوداگری باشد و از این راه کسب درآمد کند، هیچ عقل سالمی در زمینه‌های مولد سرمایه‌گذاری نخواهد کرد؛ بنابراین مهم‌ترین اقدام که منجر به رونق تولید می‌شود، تشویق و حرکت به سمت بخش سرمایه‌گذاری است.

بهره‌وری بخش خصوصی بیشتر است یا دولتی؟



هادی حق‌شناس- اقتصاددان: بهره‌وری یعنی نسبت ستانده به نهاده. در اقتصاد بهره‌وری از دو جنبه کار و نیروی کار و سرمایه، خط تولید و فناوری قابل بررسی و اندازه‌گیری است. در برنامه‌های پنج‌ساله هدف‌گذاری رشد اقتصادی ۸ درصد بوده و تاکید شده ۲.۵ واحد رشد یا حدود ۳۳ درصد آن باید ناشی از عوامل تولید باشد، اما در خوشبینانه‌ترین حالت بهره‌وری نیروی انسانی و سرمایه نزدیک یک درصد بوده است. یعنی بهره‌وری به‌جای آنکه یک‌سوم رشد اقتصادی را بر دوش داشته باشد، حداکثر یک درصد آن را برعهده گرفته و جالب‌تر آنکه با این وجود همواره بهره‌وری نیروی کار، بیش از بهره‌وری سرمایه بوده است.

درباره بهره‌وری سرمایه فقط باید به این نکته اکتفا کرد که در ایران تنها به این مسئله از زاویه سخت‌افزاری توجه شده؛ یعنی ده‌ها فرودگاه ساخته شد، ده‌ها خط تولید خریداری شد، سایت‌های بزرگ ساخته شد و بنگاه‌های بزرگی به بهره‌برداری رسید؛ بدون اینکه از ظرفیت آنها به اندازه کافی استفاده شود. به‌علاوه اینکه به‌طور طبیعی انگیزه کارگران در بخش خصوصی قوی‌تر از بخش دولتی است. علاوه بر این، انگیزه کار در بنگاه خصوصی بیش از دولتی است، سازکار و انعطاف در بخش خصوصی به‌مراتب از بخش دولتی بیشتر است؛ بنابراین اگر می‌خواهیم بهره‌وری در اقتصاد کشور که مهم‌ترین حلقه مفقوده اقتصاد است، تغییر کند باید سهم دولت در اقتصاد کاهش یابد یا به‌عبارت دیگر، کار به بخش خصوصی واگذار شود. هر چند نباید این مهم را به‌معنای کاهش سیاست‌های حمایتی دانست، زیرا کارگری که فقیر است بی‌انگیزه هم خواهد بود.

بخش خصوصی می‌داند چگونه رنج کارگران خود را جبران کند و بخش دولتی فقط می‌تواند حداقل دستمزد را تعیین کند. در عین حال این بخش خصوصی است که می‌تواند انگیزه‌های دیگری را هم برای کارکنان خود فراهم کند. در هر حال آنچه به‌راحتی با یک تحقیق ساده می‌توان فهم کرد، این است که بهره‌وری در یک بانک خصوصی بیش از یک بانک دولتی است که علت آن هم تفاوت انگیزه‌هاست.

علت تمایل بالا به کار در بخش دولتی این است که ثبات و امنیت شغلی در این بخش حاکم است و فرد شاغل می‌داند حقوق خواهد گرفت، اما بخش خصوصی بی‌ثبات است و ممکن است امروز یک بنگاه حقوق مناسبی بدهد، ولی تضمینی وجود ندارد که این بنگاه حتی ۱۰ سال کار کند، زیرا تاریخ خصوصی‌سازی در ایران ثابت کرده دولت‌ها سیاست باثباتی برای این بخش ندارند؛ برای این مسئله می‌توان خودروسازی را در ایران مثال زد. کارگران خودروسازی‌های خصوصی تا پیش از انقلاب اسلامی مزایای بیشتری داشتند، اما همین بخش خصوصی بعد از انقلاب نتوانست جذابیت‌ها را ایجاد کند، زیرا به‌راحتی اموالش مصادره شد و بعد از آن هم هرگز نتوانستند از نیروی کار حمایت‌های لازم را به‌عمل آورند.

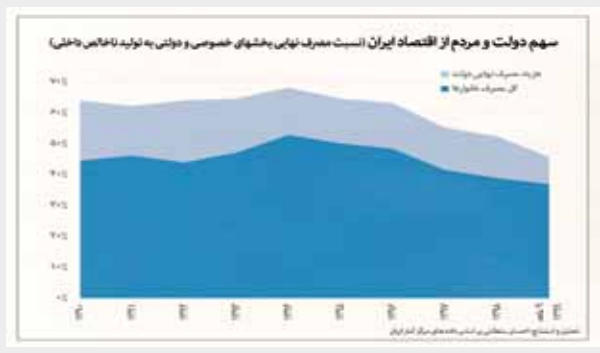
سهم مردم و دولت از اقتصاد ایران چقدر است؟

براساس داده‌های مرکز آمار، سهم مردم و دولت از اقتصاد ایران (نسبت مصرف بخش‌های خصوصی و دولتی به تولید ناخالص داخلی) در ۳ سال گذشته کاهش قابل‌توجهی را تجربه کرد و از ۶۸ درصد در سال ۱۳۹۴ به ۴۶ درصد در ۹ ماه سال ۱۳۹۹ سقوط پیدا کرد.

مصرف بخش‌های خصوصی و دولتی در کل جهان حدود سه‌چهارم درآمد اقتصاد را شامل می‌شود. سهم مردم از اقتصاد در ۹ ماه سال گذشته ۳۷ درصد بود، در حالی که میزان معمول آن در جهان بین ۵۰ تا ۶۰ درصد است.

۵۴ درصد باقیمانده کیک درآمد اقتصادی کشور در ۹ ماه سال ۱۳۹۹، به‌صورت کالا از کشور خارج شده (خروج سرمایه به‌صورت کالا)، انبار شده یا سرمایه‌گذاری شده و در هر صورت عامه مردم از آن سهمی نبرده‌اند.

سهم ۴۶ درصدی مردم و دولت از درآمد اقتصادی چه در ایران و چه در جهان بی‌سابقه است و نشان می‌دهد که چگونه شوک‌های ارزی و قیمتی ۳ سال گذشته، به نفع یک اقلیت در قدرت (بخش شبه‌دولتی) سرمایه‌های مردم را از بین برده است.





سهم و ظرفیت بالای صنعت خودرو در اشتغال



کرونا حریف تولید خودرو در ایران نشد



کفه ترازو به نفع دولت سنگینی می‌کند؟

تحلیل روز

صمت از راهکارهای کم‌هزینه تامین رفاه عمومی گزارش می‌دهد

تضمین درآمد همگانی با استفاده از ابزار مالیاتی



عکس: آیدا فریدی

در صورتی که درآمد پایه همگانی به صورت اعتبار مالیاتی برگشت‌پذیر به همه شهروندان پرداخت شود این طرح به یک پرداخت نقدی گزینشی شباهت پیدا می‌کند و درنهایت فقط اقشار کم‌درآمد آن را به صورت نقدی دریافت می‌کنند

امیرعباس آذرمونـد: از حـدود دو قـرن پیش تـا امـروز دیدگاه اقتصاددانان نسـبت به فقر کاملا دگرگون شده است. در قرن هجدهم جریانی اصلی اقتصادی، کلاسـیک‌ها فقر را اجتناب‌ناپذیر، ضروری و مفید در جهت رشـد اقتصادی تصور می‌کردنـد. یکی از تصورات این بود که اگر فقر به صورت کامل از بین برود کسـی حاضر به کار کردن نخواهد بـود زیرا عامل محـرک تولید کارگران فقیر هسـتند. آرتور یانگ، اقتصاددان قرن هجدهمی می‌نویسـد: «هر کس جز یک انسان احمق می‌داند که گروه‌های پایین جامعه باید فقیر نگه داشته شوند در غیر این صورت آنها دیگر پرتلاش نخواهند بود.» امروزه اقتصاددانان فقر را مانعی در مسیر توسعه قلمداد می‌کنند. فقرزدایی در نوشته‌های علمـی جایگاه مناسـبی پیدا کـرده و در سیاسـت‌گذاری و اجرا نیز موفقیت‌هـای قابل‌توجهی حاصل شـده اسـت. باوجـود ایدئولوژی، پیشـینه تاریخی و فرهنگ‌های متفاوت، سیاسـت‌های فقرزدایی در تمام کشورها چه فقیر و چه ثروتمند با قوت و ضعف پیگیری می‌شود. البته رویکرد همه کشـورها یکسان نیسـت و سازکارهای متنوعی در این زمینه در پیش گرفته شده است.

به گزارش صمت دسـته‌ای از سیاسـت‌های حمایتی نیازهـای افراد را با اسـتفاده از ارائه مسـتقیم کالا و خدمات برطرف می‌سـازند. برای مثال، در برخی کشـورها خدمات رایگان یا ارزان‌قیمت آموزش و مراقبت از کودکان، معلولان یا سامندان توسط دولت ارائه می‌شود. دسته‌ای دیگر از سیاست‌های حمایتـی، کالا یا خدمت خاصی را برای افراد فراهم نمی‌کنند، بلکه کمک‌ها را در قالـب وجوه نقدی می‌پردازند و به افراد قدرت انتخاب می‌دهند تا کالا و خدماتـی را که نیاز دارند از بازار تهیه کنند. این سیاسـت‌ها که با عنوان سیاست‌های حمایتی نقدی یا پرداخت‌های نقدی شناخته می‌شوند، در دیدگاه کلاسـیک، اقتصاددانان پرداخت‌های نقدی را به پرداخت‌های غیرنقدی ترجیح می‌دهند زیرا مطلوبیت دریافت‌کنندگان را بیشـتر افزایش می‌دهد. بنا بر بررسی‌های آماری، اثر پرداخت‌های نقدی بر کاهش نابرابری و فقر بسیار قابل توجه است. پرداخت‌های نقدی شکاف فقر، تعداد فقرا، تعداد کودکان کار و غیبت در کلاس‌های مدرسـه را کاهش و مخارج کل خانواده، مخـارج مربوط به غـذا و میزان مشـارکت در مدرسـه را افزایش می‌دهد. همچنین زمینه فسـاد اقتصادی و هزینه‌های اجرایـی که در پرداخت‌های کالایی دیده می‌شود در پرداخت‌های نقدی وجود ندارد.

چالش‌های نظام رفاه اجتماعی

مداخله‌های مستقیم دولت در کاهش فقر به وسیله پرداخت‌های نقدی در طیفی از سـازکارها قرار می‌گیرد که یک‌سـوی آن درآمد پایه همگانی و در سوی دیگر گزینش و هدفمندی کامل قرار دارد.

پرداخت نقدی گزینشی پرداخت‌هایی هستند که به تمامی افراد کم‌درآمد تعلـق می‌گیرد و مقـدار پرداختی با توجه به میزان درآمـد می‌تواند کم یا زیاد باشـد. در کشورهایی که سنجش درآمد امکان‌پذیر است، مزایا می‌تواند وابسته به درآمد تعیین شده و با افزایش درآمد، میزان پرداختی دولت کاسته شـود. یکی از آرمانی‌ترین معیارها برای تعیین افراد مستحق، توانایی کسب درآمد آنهاست. پرداخت به افرادی که توانایی کسب درآمد دارند اما اقدامی در این جهت نمی‌کنند، ناعادلانه است. از آنجا که معیار توانایی کسب درآمد، قابل کمی‌سازی و اندازه‌گیری نیست بنابراین معمولا درآمد افراد معیار قرار داده می‌شـود. هرچند در بسیاری از کشورها درآمد معیار اصلی است اما در برخی کشـورها به دلیل قدرت حکمرانی و نهادی ضعیف و اشـتغال بخش عمده نیروی کار در بخش غیررسمی، سنجش درآمد دشوار یا ناممکن است و مولفه‌های مشـابه به‌عنوان نماینده درآمد درنظر گرفته می‌شـود. به دلیل ضعف در بانک‌های اطلاعاتی، پرداخت گزینشـی در این کشـورها دقیقا به فقرا اصابت نمی‌کند. گزینش ناقص در این کشـورها منجر به خطای شمول و خطای عدم شمول می‌شود. نحوه پرداخت گزینشی در این کشورها مانند تور ماهی‌گیری سـوراخی است که نه می‌توان با آن همه ماهی‌های کوچک را جمـع‌آوری کرد و نه می‌توان ماهی‌های بـزرگ را خارج کرد. به هر حال پرداخت‌های گزینشـی پرداخت‌هایی هستند که در آن معیاری چون درآمد مبنا قرار داده شده و پرداختی به هر فرد یا خانواده طبق آن معیار محاسبه می‌شود. نوع دیگر پرداخت‌ها، پرداخت‌های هدفمند یا پرداخت به گروه‌های خاص است. مزایای نقدی در این نوع پرداخت‌ها به گروه‌های خاص و فارغ از اینکه وضعیت درآمدی آنها چگونه است، تعلق می‌گیرد. آن‌طور که سید علی روحانی و دوسـتانش، در پژوهش اخیر آورده‌اند، برای مثال تمام کشاورزان یا بازنشستگان بدون توجه به درآمد و ثروت آنها، زیر پوشش حمایت نقدی قرار گیرند. نوع دیگری از پرداخت‌ها به صورت کوپن اسـت که برای خرید کالاها و خدمات از پیش تعیین شده مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آنجا که مبلـغ تعلق گرفته به هر خانواده صرفـا در یک زمینه خاص قابلیت مصرف دارد به آن مزایای شبه‌نقدی هم گفته می‌شود.

نوع دیگری از سیاست‌های حمایتی، پرداخت‌های نقدی مشروط است که هدف آن علاوه‌بر افزایش درآمد، تغییر رفتار خانوارهای فقیر به‌ویژه در زمینه رسـیدگی به وضعیت آموزش و سـلامت فرزندان است. این نوع پرداخت‌ها حمایـت خود را منوط به انجام کاری مانند ادامه تحصیل فرزندان در سـن مدرسه می‌کنند و از این راه سرمایه انسانی را ارتقا می‌دهند.

درآمد پایه همگانی چیست؟

درآمد پایه همگانی یک پرداخت نامشروط و کافی به همه شهروندان است که با وجود سادگی به‌تازگی مورد توجه قرار گرفته اسـت. درآمد پایه همگانی از طرح‌های پیشـنهاد متاخر است که در سال‌های گذشته متخصصان حوزه فقر توجه به آن کرده‌اند.

توجه به ایده درآمد پایه همگانی پس از مشاهده کاستی‌ها و مشکلات نظام رفاهی کنونی رخ داده است. نظام رفاهی رایج در کشورهای جهان بیشتر متکی به بیمه‌های اجتماعی است که تنها کارگران شـاغل در بخش‌های رسمی را پوشـش می‌دهد. مهم‌ترین کاستی‌هایی که نظام تامین اجتماعی و حمایتی موجود از آنها رنج می‌برد خطای شـمول، خطای عدم شـمول، بدنام‌سازی، بروکراسـی زائد و هزینه‌های اجرایی هنگفت اسـت. اگر این مشـکلات حل شود نیازی به نظام جایگزینی چون درآمد پایه همگانی نیست.

درآمد پایه همگانی در برخی طرح‌های پیشـنهادی به‌عنوان جایگزینی برای تمام سازکارهای رفاهی از جمله بیمه بیکاری و بازنشسـتگی مطرح شـده اسـت. با رشـد تکنولوژی‌هایی چون هوش مصنوعی و جایگزینی سـرمایه به جای نیروی کار بیکاری گسترده‌ای به‌وجود خواهد آمد و بیمه‌های بیکاری توان پرداخت مسـتمری به جمعیت بزرگ بیکاران نخواهد داشـت. بیکاری تکنولوژیـک موجب کاهش تعداد پرداخت‌کنندگان حق بیمـه و افزایش تعداد دریافت‌کنندگان مستمری بیکاری خواهد شد و بیمه‌های اجتماعی را با بحران مواجه خواهد کرد.

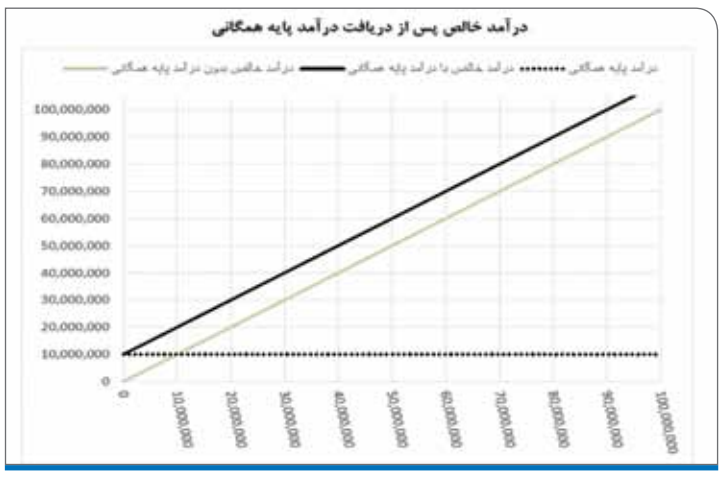
مزایای درآمد پایه

کشـورهای در حال توسـعه ظرفیت اجرایی و اداری پایین‌تری در مقایسه با کشورهای با درآمد سرانه بالا دارند. ظرفیت اجرایی پایین و نهادهای ضعیف به معنای اطلاعات محدود و ناتوانی در شناسـایی خانوارهای آسـیب‌دیده است. در کشورها سیاست‌های همگانی و خودگزینشی بیشتر مورد اقبال واقع می‌شود به‌ویژه در صورتی که بخش غیررسمی بسیار بزرگ باشد.

در بیشـتر کشورهای دارای درآمد سرانه متوسـط بخش عمده فعالیت‌های اقتصادی در بخش غیررسمی انجام می‌شـود. برای مثال، بخش عمده تولید ناخالص داخلی در کشـور ما مربوط به مشاغل خویش‌فرمایی، کارگاه‌های ثبت نشـده، بنگاه‌های غیررسـمی، مزارع کشاورزی و باغ‌های کوچک است. سـهم اقتصاد غیررسمی از کل تولید ناخالص داخلی در یک مطالعه ۲۷درصد و در مطالعه دیگر ۳۴ درصد برآورد شده است.

اگر سنجش درآمد همه آحاد جامعه امکان‌پذیر باشد و اثر ضدانگیزشی، بر نیروی کار وجود نداشته باشد تضمین حداقـل درآمـد منطقی و قابل اجرا به نظر می‌رسـد. اثر ضدانگیزش بر نیروی کار به دو اثر جانشـینی و درآمدی تقسیم می‌شود. اثر جانشینی در شرایطی رخ می‌دهد که پرداخت‌های نقدی به فقرا قابل توجه است.

از سـوی دیگر، در پرداخت‌های گزینشـی مسئله برچسـب‌گذاری وجود دارد که نرخ پوشش را کاهش و خطای عدم شـمول را افزایش می‌دهد. عده‌ای از فقرا از اینکه در میان اطرافیان خود به‌عنوان نیازمند شـناخته شـوند ابا دارند. دو راه‌حل وجود دارد؛ یک راه پرداخت گزینشی به فقرا به گونه‌ای است که دریافت‌کنندگان به عموم معرفی نشوند. راه‌حل دوم پرداخت به همه مردم است.



منابع محدود، پاشنه آشیل درآمد همگانی

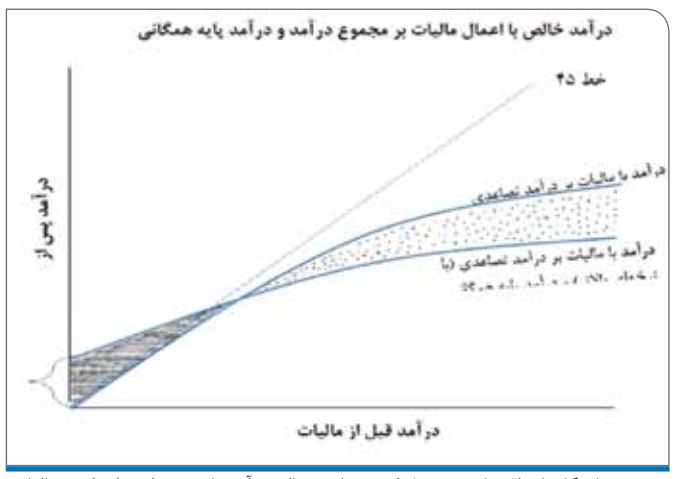
با این حال، نباید فراموش شـود که درآمد پایه همگانی پیشـنهادی غیرواقع‌گرایانه است که با وجود اینکه مزایای زیادی برای آن شـمرده می‌شـود از نظر اجرایی با محدودیت‌های جدی مواجه است. مهم‌ترین ایرادی که به این طرح وارد است، پرهزینه بودن آن است. چنانچه میزان پرداختی کافی باشد هزینه زیادی به بودجه تحمیل خواهد شد و تامین مالی آن بسیار مشکل خواهد بود.

مهم‌ترین نقدی که نسـبت به برنامه درآمد پایه همگانی مطرح شـده این است که این طرح هزینه بسیار زیادی دارد و دولت به‌راحتی از عهده مخارج آن برنمی‌آید. یک برآورد سرانگشتی نشـان می‌دهـد پرداخت درآمد پایـه همگانی یک میلیون تومانی در ایـران بیش از ۹۶۰ هزار میلیارد تومان هزینه دارد که حدود ۷۰ درصد بودجه عمومی کشور در امسال است.

پیشـنهادهایی بـرای تامین درآمد پایه همگانی مطرح شـده اسـت که از مالیـات بر درآمد تصاعدی یا هموار برای این کار اسـتفاده می‌کند. در ایـن صورت درآمد پایه همگانی به برنامه مالیات بر درآمد منفی شـباهت بیشـتری پیدا می‌کند. در صورتی که تمامی هزینه‌های مربوط به تامین اجتماعی را نیز به‌عنوان بخشـی از پرداختی مربوط به درآمد همگانی محسوب کنیم، هزینه این طرح به‌شدت کم می‌شود.

پرداخت هزینه طرح درآمد پایه همگانی از راه مالیات در کشـورهای کم‌درآمد اثر بازتوزیعی زیادی ندارد. در کشـورهای با درآمد سـرانه کم و متوسط، مالیات بر واردات و مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی در مجموع ۴۲ درصد درآمد مالیاتی دولت را تشکیل می‌دهد و بقیه درآمد مالیاتی را مالیات بر مصرف تشـکیل می‌دهد. مالیات بر مصرف نسبت به مصرف تناسبی است؛ یعنی اگر مصرف فرد ۱۰ درصد بالا برود، مالیات بر مصرف هم ۱۰ درصد بیشتر می‌شود. علت تنازلی بودن مالیات بر مصرف این است که فقرا در مقایسه با ثروتمندان سهم بیشتری از درآمد خود را مصرف و سهم کمتری را پس‌انداز می‌کنند. تنازلی بودن مالیات بر مصرف قدرت توزیع نظام مالیاتی را کاهش می‌دهد.

هزینـه بـالای پرداخت درآمد پایه همگانی ایجاد می‌کند نظـام مالیاتی بار مالیاتی زیادی به مـردم یـا بنگاه‌های اقتصادی تحمیل کنـد. تامین مالی درآمد پایه می‌توانـد از طریق مالیات، فروش نفت یا کمک‌های خارجی تامین شـود. پرداخت درآمد پایه همگانی در قالب مالیات بر مجموع درآمد درنهایت صرفا دهک‌های فقیر را مشمول دریافت درآمد پایه همگانی می‌کند. به تعبیـری می‌توان گفت درآمد پایه همگانی را از یک پرداخت همگانی به یک پرداخت هدفمند تبدیل می‌کند.همان‌طور که در نمودار مشـخص اسـت، در صورت وجود نظام مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی اجرای طرح درآمد پایه همگانی از نظر قید بودجه امکان‌پذیر است، اما در غیر این صورت امکان تامین منابع مالی برای پرداخت درآمد پایه از طریق مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی و... با ابهام مواجه است.



راهکاری کم‌هزینه و پراثر

تجربه کشـورهای جهـان بیانگر آثـار مثبت درآمد پایه همگانی بر وضعیت بهداشـتی، آموزشـی، امنیتی و رفاهی اسـت اما پرداخت به مقـدار کافی و به تمام شـهروندان بار مالی زیادی بـرای دولت دارد. با وجود اینکه امکان دارد بتوان از راه درآمدهای نفتی یا مالیات بر مجموع درآمد اشـخاص حقیقی چنین طرح بزرگی را تامین مالـی کرد اما پرداخت درآمـد پایه همگانی به‌عنـوان جایگزین سـایر سـازکارهای رفاهـی مانند بیمه‌های بازنشستگی و درمانی توصیه نمی‌شود.

در ایـران، پایه‌هـای مالیاتـی محـدود و بخـش غیررسـمی بزرگ اجازه هرگونـه افزایش مخارج را به دولـت نمی‌دهد. در صورتی که پایـه مالیاتی جدیدی ایجاد نشـود، افزایـش درآمد مالیاتی بـا هدف تامین مالـی درآمـد پایه همگانـی، می‌تواند بـه افزایش بار مالیاتی بر بنگاه‌های تولید رسـمی و آسـیب به تولید ملـی بیانجامد. بنابراین پرداخـت درآمد پایه همگانی از محـل مالیـات بدون اصلاح نظام مالیاتی و توسـعه پایه‌های مالیاتی، مطلوب نیسـت.در ایران منبع مالی دیگری برای پرداخت درآمد پایه همگانی به شهروندان با حفظ سایر برنامه‌های رفاهی وجود و آن عواید ناشی از فروش نفت و گاز اسـت. درآمدهـای نفتی می‌تواند به صورت مستقیم میان شهروندان نسل کنونی توزیع شـود و می‌تواند به سـرمایه‌های مولد و بادوام تبدیل شـده و سـود این سـرمایه‌گذاری به همه شهروندان نسـل حاضر و نسل‌های آینده پرداخت شود. البته باید توجه داشـت که برای صیانت از درآمدهای نفتی برای نسـل‌های آینده، ضروری است بخشـی از درآمدهای نفتـی سـرمایه‌گذاری شـود و از توزیع نقـدی تمام درآمدها پرهیز شـود. همچنین باید توجه داشـت که منبع اصلی تامین مالی درآمد پایه همگانی درآمدهای مالیاتـی اسـت و نمی‌تـوان روی درآمدهـای نفتی و کمک‌های خارجی تکیه کرد.

نسـخه اصلاح‌شـده درآمد پایه همگانی که با هزینه کمتری حداقل درآمد را برای تمام شهروندان تضمین می‌کند، پیشـنهاد پرداخـت درآمد پایـه همگانی در چارچـوب نظـام مالیات بـر درآمد اسـت. در صورتی کـه درآمد پایـه همگانی به صـورت اعتبـار مالیاتی برگشت‌پذیر به همه شهروندان پرداخت شود این طرح به یک پرداخت نقدی گزینشـی شباهت پیدا می‌کند و درنهایت فقط اقشـار کم‌درآمد آن را به صورت نقدی دریافـت می‌کنند. بیشـتر مزایایی که بـرای پرداخت درآمد پایه همگانی بیان شـده اسـت درباره پرداخت درآمد پایه همگانی به صورت اعتبار مالیاتی نیز صدق می‌کند. علاوه‌بر ایـن، پرداخت درآمد پایه همگانی به صورت اعتبار مالیاتی برگشـت‌پذیر می‌تواند به کاهش کسری بودجه و افزایش تمکین مالیاتی کمک کند.



یادداشت

جایگاه صنعت خودرو در اقتصاد کشور



امیرحسن کاکایی
عضو هیات‌علمی دانشگاه علم و صنعت

از نظر رسمی هم‌اکنون ۲ درصد تولید ناخالص ملی در اختیار صنعت خودرو است. البته این عدد را اگر در کنار ۷ درصد ارزش صنعت خودرو در چین (طبق آمار ۲۰۱۵ میلادی) بگذارید، شاید کمی ناامید شوید. شاید وقتی بدانید اواخر دهه ۷۰ این عدد حدود ۴ درصد بوده (دوبرابر مقدار فعلی) ناامیدتر شوید. اما برای اینکه جایگاه واقعی یک صنعت را در اقتصاد یک کشور بدانیم، لازم است مطالب زیادی را مرور کنیم.

یکی از دلایلی که در ۲۰ سال گذشته به‌تدریج سهم صنعت خودرو از تولید ناخالص داخلی کاهش یافت، رشد سریع پتروشیمی‌ها بود. اگر مسئولان کشور اطلاعات امروز را داشتند شاید ۵۰ سال پیش در صنعت خودرو سرمایه‌گذاری نمی‌کردند و اصل کار را روی صنایع نفت، گاز و پتروشیمی می‌گذاشتند. به عبارتی اگر سهم صنعت خودرو در تولید ناخالص داخلی در دهه ۷۰ رشد سریع داشت، به دو معنی بود: نخست اینکه صنعتی مانند نفت و گاز و پتروشیمی، کند حرکت می‌کرد و دوم اینکه صنعت خودرو به حرکت افتاده بود. در محدود دهه ۷۰، نرخ رشد صنعت خودرو دوبرابر نرخ رشد کل اقتصاد بود. بدین معنا که صنعت خودرو یکی از محرک‌های اصلی در این دهه بود. البته این صنعت در دهه ۷۰ آغازگر حرکت‌های بزرگی در کشور بود که در این آمار و ارقام به‌سادگی دیده نمی‌شود. در آن دهه، توسعه خطوط تولید در جایگاهای مختلف زنجیره ارزش از مواد اولیه گرفته تا قطعات به نسبت پیشرفته در جغرافیای متنوع شروع شد که هم‌اکنون در ابتدای سال ۱۴۰۰ به پشتیبانی آنها، باوجود بزرگ‌ترین تحریم تاریخ معاصر، توانسته‌ایم به تولید خودرو و حتی توسعه آن ادامه دهیم. اما این تنها یک نگاه خشک مکانیکی به موضوع است. این صنعت در آن دهه یک کار بزرگ فرهنگی و اقتصادی و حتی تحول جامعه‌شناسانه را با خود به‌همراه آورد. از مفاهیم ساده‌ای مانند کیفیت، بهره‌وری، استاندارد، ایمنی و بهداشت گرفته تا روش‌های مدیریتی گوناگون مانند مدیریت تولید، منابع انسانی، تامین و... را به‌واسطه این صنعت در جامعه ورود پیدا کرد و به‌تدریج همگانی شد. شهرک‌های صنعتی و بنگاه‌های کوچک و متوسط زیادی در این دهه رشد کردند و روی اطرافیان خود تاثیر گذاشتند و فرهنگ کارآفرینی را در آن دهه، به‌منصه ظهور آوردند. البته منظور من این نیست که صنعت خودرو همه کاره بوده و بقیه نقشی نداشتند. برعکس. نقش اصلی را به‌جای وزارت نفت که باید با ثروت و پیشینه تاریخی خود این مسئولیت را برعهده می‌گرفت، وزارت صنایع عهده‌دار شد و نمود اصلی آن در صنعت خودرو رخ داد. من بزرگ شده آن تاریخ هستم. هرکاری در زمینه‌های مدیریتی که وزارت صنایع راه می‌انداخت باید بهترین آن را در صنعت خودرو دنبال می‌کردیم. هنوز که هنوز است هرچند مردم راضی نیستند، هیچ‌کدام از سیستم‌های تضمین کیفیت، مدیریت منابع انسانی و توسعه محصولی که در این صنعت به‌کار می‌رود، در بقیه صنایع وجود ندارد. الگو همچنان صنعت خودرو است. البته اطلاعات من در محدوده صنعت تولیدی است و اطلاعی از بخش کشاورزی یا خدمات مانند بانک و بیمه و خرده‌فروشی ندارم. البته صنعت نفت هم در این قیاس همیشه دارای استانداردهای سخت‌گیرانه‌ای بوده است. اما آنچه شاهد بوده‌ام، نقش‌آفرینی جدی‌تر و عمومی‌تر صنعت خودرو نسبت‌به صنعت نفت و صنایع وابسته به آن در جامعه بوده است. البته متاسفانه در دهه ۸۰ با نرخ رشد زیاد این صنعت و دیده شدن در اقتصاد، این صنعت به بازیچه سیاستمداران تبدیل و افول صنعت دوباره آغاز شد. افتتاح کارخانجات در اوایل عمدتا بر مبنای اصولی اقتصادی بود و کارآفرینان واقعی وارد کار می‌شدند. اما در دهه ۸۰ افتتاح انواع کارخانه زیانده با کمک دلالان که نام خود را کارآفرین می‌گذاشتند، شدت گرفت و البته تعداد آدم‌های سفارشی رو به‌فزونی گذاشت. نتیجه کاهش بهره‌وری، کاهش سرمایه‌گذاری و کاهش نوآوری و رقابت‌پذیری بود. به‌عبارتی این نهال قبل از اینکه جان بگیرد، به خشکسالی خورد. از قدیم گفته‌اند «کفر، نعمت از کفت بیرون کند».

برگردیم به جایگاه کنونی این صنعت. عدد ۲ درصدی که به‌عنوان سهم صنعت خودرو در تولید ناخالص داخلی اعلام می‌شود، مبتنی بر آمار رسمی است. این آمار، نتیجه قیمت‌گذاری دستوری بوده و براساس آمار این ارزش رسمی معادل حدود ۹۰ هزار میلیارد تومان است. حدود یک میلیون خودرو در سال ۹۹ تولید شده است. به‌عبارتی ارزش هر خودرو تولیدشده حدود ۹۰ میلیون تومان بوده و این در حالی است که طبق برآوردها این خودروها در این سال به‌طور متوسط با ۵۰ میلیون تومان زیان فروخته شده‌اند. به‌عبارتی ارزش واقعی تولیدات ۵۵ درصد بیش از این مقدار بوده است. اما این هم کل واقعیت را نشان نمی‌دهد. اگر بدانیم به‌طور متوسط هر خودرو در بازار یک‌صد میلیون تومان گران‌تر فروخته شده، آن‌گاه با افزایش ۱۱۱ درصد ارزش‌آفرینی روبه‌رو می‌شویم. یعنی جایگاه واقعی این صنعت در تولید ناخالص ملی، احتمالی عددی حدود ۴ درصد بوده است. به‌عبارتی جایگاه صنعت همچنان در اقتصاد کشور بالاست اما اینها فقط بازی با اعداد و ارقام است.

برای اینکه جایگاه واقعی صنعت خودرو را درک کنیم، بیایید نوع دیگری فکر کنیم. در تحریم‌های اخیر که حدود ۳ سال پیش آغاز شد، نخستین صنعتی که تحریم شد، صنعت خودرو بود. امریکا اهمیت این صنعت را می‌دانست و هدفش ضربه‌زدن مستقیم به نقاط حساس اقتصاد کشور بود اما این صنعت باوجود تمام ناملایمات و بی‌سلیقگی‌های سیاستمداران و تصمیمات غلط طی این سال‌ها، با ساختار و بنیه‌ای که در دهه ۷۰ و ۸۰ به‌دست آورده بود، دوباره جان گرفت و ابتدا روی افزایش تیراژ تمرکز کرد و بعد روی افزایش کیفیت و امروز روی توسعه فناوری و محصول. همچنان صنعتگران و مدیران در این صنعت در حال جنگیدن با استکبار جهانی و از آن مهم‌تر جهل و نادانی هستند. این صنعت همچنان نه‌تنها به‌دنبال توسعه محصول و فناوری، بلکه در حال توسعه زیست‌بوم نوآوری و فناوری در کشور است. در فرصتی دیگر توضیحات مبسوطی ارائه خواهم داد که کشور در مسیر چه تحول بزرگی در زمینه توسعه دانش پایه قرار گرفته است.

کارشناسان و فعالان صنعت خودرو در گفت‌وگو با صمت مطرح کردند

سهم و ظرفیت بالای صنعت خودرو در اشتغال

فاطمه امیراحمدی
editor@smtnews.ir

صنعت، خدمات، کشاورزی و... هر یک سهمی در درآمدزایی کشورها دارند. بنا بر گفته کارشناسان خدمات در کنار صنعت سهم بزرگی در کشورهای پیشرفته دارد درحالی‌که در کشور ما سهم خدمات در اقتصاد کشور خیلی بالا نیست. اما سهم صنعت در حوزه اشتغال و همچنین درآمد در کشورهایی مانند ایران بالا بوده اگرچه در حوزه صادرات شاید صنایع بالادستی و شرکت‌های تولیدکننده مواد خام و معدنی سهم بیشتری داشته باشند.



عکس: صمت

سهم خودروسازی‌ها در اشتغال و درآمد

امید رضایی، عضو انجمن تخصصی صنایع همگن نیرومحرکه و قطعه‌سازان خودرو کشور درباره سهم صنعت خودرو به‌ویژه قطعه‌سازی در اقتصاد کشور به صمت گفت: سهم صنعت خودرو در اقتصاد در جهان همراه با زنجیره تامین آنها محاسبه می‌شود. درحال‌حاضر صنعت خودرو ایران با توجه به حجم اشتغال و فعالیتی که دارد پس از صنعت نفت و بانکداری در جایگاه سوم ایستاده است. وی افزود: خودروسازی سومین صنعت بزرگ کشور بوده که بسیار موردتوجه است. او ادامه داد: صنعت خودرو در جهان یکی از شاخص‌های توسعه به‌شمار می‌رود و فعالیت شرکت‌های خودروساز زمینه حرکت صنایع دیگر هم می‌شود؛ از این‌رو از صنعت خودرو به‌عنوان صنعت پیشران نام برده می‌شود. توسعه این صنعت منجر به توسعه صنایع دیگر هم شده و لکوموتیو صنایع مختلفی است.

این فعال صنعت خودرو درباره تاثیر تحریم و سهم صنعت خودرو در اقتصاد کشور گفت: حتی با وجود تحریم همچنان این صنعت رتبه سوم را در حوزه درآمد و اشتغال دارد. در اوج تحریم‌ها تیراژ تولید بین ۹۰۰ هزار تا یک میلیون خودرو بود. این در حالی است که در شرایط معمولی یک میلیون و ۲۰۰ خودرو تولید کردیم. درصد کاهش تیراژ خیلی چشمگیر نبوده است.

رضایی در ادامه سخنان خود تصریح کرد: اوایل دهه ۹۰ البته در یکی از سال‌های ابتدایی تیراژ تولید به یک میلیون و ۶۰۰ خودرو هم رسید اما در حالت معمول یک میلیون و ۲۰۰ تا ۳۰۰ خودرو تولید می‌شود؛ بنابراین تیراژ تولید در اوج تحریم خیلی افت زیادی نداشتیم که تاثیرگذار در کاهش سهم این صنعت در اقتصاد داشته باشد.

▣ خودروسازی در فهرست تحریم

عضو انجمن تخصصی صنایع همگن نیرومحرکه و قطعه‌سازان کشور اعلام کرد: این صنعت آنقدر مهم بود که در حوزه فهرست تحریمی جزو نخستین صنایع تحریم شده بود. رضایی تاکید کرد: این صنعت می‌تواند دستاوردهای بزرگی داشته باشد و درحال‌حاضر هم چه دولت و چه ارزیابی که خارج از کشور راجع‌به صنعت ایران صحبت می‌شود صنعت خودرو جزو صنایعی است که برای سرمایه‌گذاری ایجاد انگیزه می‌کند. نمونه این موضوع را در فاصله دو تحریم دیدیم. این فعال صنعت ادامه داد: در پسابرجام اتفاق‌های خوبی رخ داد و شرکت‌های خارجی به‌نوعی برای ورود به ایران صف بسته بودند اما متاسفانه به دلایلی برنامه‌های به مرحله اجرا نرسید.



▣ ظرفیت‌های موجود

رضایی یادآور شد: درحال‌حاضر هنوز فرصت‌های مغتنمی در صنعت خودرو وجود دارد. چه‌بسا در شرایط تحریم همین صنعت خودرو پس از سال‌ها دوری، فاصله بین صنعت و دانشگاه کم شد. در کنار این مسئله، طرح «نهضت تعمیق ساخت داخل» نیز با جدیت در حال انجام است و موضوع توانمندی صنایع داخلی بالادستی و پایین‌دستی که به خودروسازی کمک می‌کند مانند قطعه‌سازی که فعالیت‌ها را توسعه داد و هنوز دستاوردهای زیادی وجود دارد که به آن دست پیدا نکرده‌ایم. او ادامه داد: امروز صنعت خودرو و قطعه در بحث گیربکس‌های اتومات هم حرف برای گفتن دارد. در حوزه قطعات الکترونیک و سیستم ناوبری خودرو (GPS) حرف برای گفتن دارد.

این کارشناس حوزه خودرو و قطعه بیان کرد: تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زیاد داریم اما نسبت به گذشته فعالیت‌های خوبی در این چند سال اخیر انجام‌شده است.

رضایی با اشاره به فرصت‌های تحریمی یادآور شد: تحریم باعث شد خودروساز و قطعه‌ساز به یک خودباوری برسد و محصولاتی که به‌راحتی در گذشته از خارج تامین می‌شد را در داخل بسازیم. همین زمینه افزایش سهم صنعت خودرو در تولید سرانه ناخالص ملی در آینده را افزایش دهد. وی افزود: دو مدل جدیدی که در یک سال اخیر تا حدودی وارد بازار کشور شدند، دستاورد همین رویکرد داخلی بودند. او تاکید کرد: فراموش نکنیم هنوز راه طولانی در پیش داریم اما دست‌کم می‌توان امیدوار بود در ۲، ۳ سال اخیر روی ریل‌گذاری درستی در حال حرکت هستیم. اگر موضوع به‌درستی پیگیری شود و دولت نگاه درستی به این صنعت پیشران داشته باشد، بی‌تردید سهم صنعت خودرو در تولید ناخالص داخلی افزایش بیشتری خواهد داشت.

این فعال صنعت خودرو با بیان اینکه اگر کف تولید امروز یک میلیون خودرو باشد، گفت: اگر این تیراژ به ۲ میلیون خودرو برسد بنا بر نیاز داخل خبر خوبی است و این تیراژ به ۳ میلیون برسد شک نداشته باشید فقط ۳۰ درصد راه را طی کرده‌ایم. همچنان ظرفیت ۷۰ درصد خالی داریم تا توسعه کمی و کیفی رخ دهد. او تصریح کرد: صنعت خودرو کشور جای رشد زیادی دارد.

▣ توجیه تولید با افزایش نرخ ارز

رضایی در پاسخ به این پرسش که صنعت خودرو در سال نخست تحریم افت تیراژ بالایی داشت و بعضا شنیده می‌شد تولید با ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار خودرو بسته شد، چطور سهم این صنعت کاهش پیدا نکرد، گفت: تولید در اوج تحریم هم وضعیت خوبی داشت. این تاثیر هم به‌دلیل این بود که وابستگی خارجی بالا بود و ساخت قطعات در کشور توجیه اقتصادی نداشت. هر بنگاه اقتصادی به هر حال سود هم مسئله مهمی است.

او با اشاره به نرخ ارز ادامه داد: با توجه به نرخ دلار پیش از تحریم تعمیق ساخت داخل محلی برای اعراب نداشت زیرا واردات ارزان‌تر از تولید داخل انجام می‌شد. محدود شدن ارتباطات بین‌المللی، کاهش حجم ارز موردنیاز و... سبب شد تا نرخ دلار افزایش پیدا کند و با خودباوری که در شرایط سخت به آن رسیده بودیم ساخت داخل با جدیت آغاز شد.

رضایی گفت: اگر همین شرایط و بستر در وضعیت معمول کشور به وجود می‌آمد امروز به جای ۷۰ درصد راه نرفته ۳۰ درصد راه را نرفته بودیم. علاوه‌بر اینکه در شرایط عادی با مشکلات کمتری می‌توانستیم فعالیت داشته باشیم و سهم صنعت خودرو را در تولید ناخالص داخلی بالا ببریم.

▣ توجه به امتیازات داخلی

کارشناسان صنعت خودرو معتقدند صف کشیدن شرکت‌های خارجی برای ورود به کشور و همکاری با خودروسازان داخلی بیشتر به‌دلیل بازار بکر ایران برای محصولات آنهاست.

رضایی در پاسخ به این پرسش که استقبال خارجیان از همکاری مربوط به تولید است یا بازار، گفت: هر دو موضوع صادق است. ایران می‌توان در حوزه خودروسازی هاب منطقه باشد. ایران دارای امتیازهایی مانند نیروی جوان متخصص، انرژی و نیروی کار ارزان و... نسبت به همسایگان است.

وی افزود: اگر به‌لحاظ رقابتی نگاه کنیم ایران در بین همسایگانش از مولفه‌های لازم برای توسعه و افزایش سهم خود در اقتصاد را دارد حتی با کشوری مانند ترکیه که در حوزه قطعه‌سازی فعالیت گسترده‌ای دارد، فاصله زیادی نداریم.

او ادامه داد: ترکیه به‌تازگی وارد خودروسازی شده و از ما خیلی عقب‌تر است اما نسبت به سایر همسایگان، ایران بستر بسیار مناسبی برای صادرات و هاب شدن در منطقه را دارد. بازار این کشورها یکی از بهترین بازارها برای خودروهای ایرانی است.

این کارشناس خودرو با بیان اینکه شرکت رنو در حال انتقال مزیت‌های خود در ترکیه به ایران بود، گفت: مقدمات انجام‌شده بود تا این برند اروپایی محصولاتش را از ایران به بازارهای منطقه صادر کند. در این‌باره ۴ تا ۵ پروژه تعریف شده بود و اگر محقق می‌شد امروز خیلی جلوتر بودیم. این موضوع مربوط به سال ۹۶ است. شرکت پژو هم برنامه‌هایی برای صادرات از ایران داشت اما دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری پیشین امریکا تمام این برنامه‌ها را از بین برد.

رضایی اضافه کرد: خودروساز آلمانی و کره‌جنوبی هم برنامه‌هایی برای صادرات داشتند. تحقق این برنامه‌ها علاوه‌بر تقویت زیرساخت‌ها و تولید محصولات این کشورها در ایران و صادرات سبب رشد اقتصادی می‌شد.

> امید رضایی: تیراژ ۳ میلیونی خودرو، سهم صنعت خودرو در سرانه تولید ناخالص ملی را افزایش می‌دهد

> عبدالله توکلی‌لاهیجانی: در دوران تحریم، سهم صنعت به‌ویژه صنعت خودرو در GDP بیشتر شد

سهم بیش از ۲ درصدی صنعت خودرو در تولید ناخالص ملی

کارشناسان عنوان می‌کنند سهم صنعت خودرو در سرانه تولید ناخالص ملی ۲ درصد است در حالی که این عدد در دهه ۷۰ دوبرابر بود. در ادامه عبداله توکلی‌لاهیجانی، کارشناس صنعت خودرو در این‌باره به صمت گفت: این عدد نمی‌تواند برای دوران فعلی باشد و مربوط به یک دهه قبل این صنعت است.

وی افزود: براساس سخنان وزیر صنعت، معدن و تجارت و هدف‌گذاری برای تولید ۳ میلیون خودرو یعنی دولت نیمی از هدف اشتغال کشور را در صنعت دنبال می‌کند که سهم صنعت خودرو بالاست. او ادامه داد: تیراژ ۳ میلیون خودرو در سال به‌طور قطع میزان اشتغال را در صنعت قطعه افزایش می‌دهد و با توسعه تولید قطعات به جذب نیروی بیشتر نیاز است. این کارشناس خودرو اضافه کرد: این اشتغالزایی فقط در قطعه‌سازی رخ نخواهد داد در حوزه خدمات مربوط به این صنعت مانند خدمات پس از فروش و... نیز شاهد اشتغال افراد بیشتر خواهیم بود. وی تصریح کرد: همین هدف‌گذاری وزارت صنعت، معدن و تجارت محقق شود سهم صنعت خودرو در اقتصاد افزایش خواهد داشت.

▣ تولید و استفاده از ظرفیت موجود

توکلی‌لاهیجانی با اشاره به تحریم و کاهش سهم ایران در درآمدهای ارزی نفت، عنوان کرد: سهم صنعت به‌ویژه صنعت خودرو در دوران تحریم در تولید ناخالص داخلی بیشتر شد. او گفت: اگر از ۳ میلیون خودرو بتوانیم یک میلیون صادرات داشته باشیم که کار راحتی نخواهد بود اما دست‌نیافتنی هم نیست بیشتر به نقش صنعت خودرو در رونق اقتصادی پی می‌بریم.



این کارشناس خودرو با تاکید بر اینکه هدف‌گذاری وزیر جدید صنعت، معدن و تجارت درست بوده، گفت: ظرفیت موجود این صنعت بالاست و تحقق این هدف سبب می‌شود از تمام ظرفیت موجود فعلی بهره‌برداری شود.

▣ تغییر ساختار و محقق شدن هدف

توکلی‌لاهیجانی در پاسخ به این پرسش که آیا تحریم روی صنعت خودرو و سهم آن در سرانه تولید ناخالص ملی مانند صنعت نفت تاثیری نداشته، گفت: بی‌تاثیر نبوده اما باید برآیند مثبت و منفی این صنعت را با هم مقایسه کرد و در انتها نتیجه‌گیری کنیم. او ادامه داد: معتقدم افزایش نرخ ارز و وجود بازار کشورهای منطقه برای خودروهای ایرانی، در کنار تهدید تحریم، فرصت‌هایی را هم برای صنعت خودرو به وجود آورد. وی گفت: درحال‌حاضر اگر یکی از مدل‌ها، یکی از خودروهای پرفروش در کشوری مانند آذربایجان است فرصت‌هایی را به وجود آورده که می‌تواند توسعه پیدا کند. علاوه‌بر اینکه با بالا رفتن نرخ ارز، درآمد ارزی کشور با صادرات افزایش پیدا می‌کند. این کارشناس حوزه خودرو با اشاره به افت تیراژ خودرو در دوران تحریم افزود: رسیدن تیراژ تولید از یک میلیون و ۵۰۰ خودرو به حدود ۸۰۰ هزار خودرو در تولید ناخالص داخلی کشور بی‌تاثیر نبوده اما در کنار تمام این مسائل، ظرفیت برای افزایش سهم صنعت در اقتصاد در حوزه خودروسازی زیاد است.

او خاطرنشان کرد: با اندکی بهبود در زیرساخت‌های کشور تولید سالانه ۳ میلیون خودرو در کشور محقق می‌شود. تغییرات ساختاری در صنعت خودرو نیاز است و اینکه با برنامه‌های منسجمی اهداف تدوین‌شده عملیاتی شود.

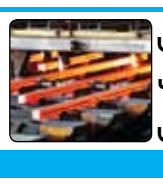
▣ بازار خارجی و تولید محصولات ارزان‌قیمت

این کارشناس حوزه خودرو با بیان اینکه رویکرد پلتفرمی داشتن در خودروسازی موثر است، گفت: شرکت‌های خودروساز باید بتوانند براساس پلتفرم خواسته‌های مشتریان را جامه عمل بپوشانند. یعنی با استفاده از خودروهای مشترک روی یک پلتفرم به تیراژ تولید دست پیدا کنند. استفاده از قطعات مشابه در محصولات جدید هم تولید قطعات را در مقیاس اقتصادی، شدنی می‌کند و هم هزینه‌های تمام‌شده را برای شرکت‌های خودروساز کاهش می‌دهد. همچنین هر یک از سایت‌های تولید باید وقف یک پلتفرم شود به‌جای اینکه فعالیت روی پلتفرم‌های قدیمی متمرکز باشد.

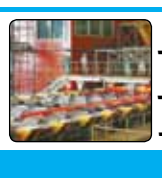
توکلی‌لاهیجانی گفت: تحقق این امر سبب می‌شود صنعت خودرو در بازار کشورهای منطقه حرف برای گفتن داشته باشد. خودرویی ارزان‌قیمت از بازار خارج شد اما محصولی با همان مشخصات فنی و قیمت، جایگزین آن نشد درحالی‌که در کشورهای همسایه همچنان خواهان همان نوع خودرو با همان قیمت هستند. در حوزه صادرات باید به خواسته بازارها توجه داشته باشیم.

سخن پایانی

بنابر این گزارش صنعت خودرو به‌عنوان صنعتی پیشران و سومین صنعت بزرگ ایران سهم زیادی در سرانه تولید ناخالص ملی (GDP) دارد. این سهم با وجود تحریم هم روند کاهشی نداشت، زیرا با تعمیق ساخت داخل، ارزبری آن کاهش پیدا کرده و در آینده سهم آن با این میزان داخلی‌سازی و تولید ۳ میلیون خودرو و صادرات یک میلیون آن در اقتصاد خیلی بیشتر خواهد شد.



الزامات کاهش تصدی‌گری دولت در صنایع معدنی



سهم دولتی‌سازی در چالش‌های حاکم بر زنجیره فولاد



دولت فقط یک‌چهارم اقتصاد را در دست دارد

انتقاد فعالان معدنی از رد پای پررنگ دولت در این بخش

رویکرد نادرست دولتی، معادن را زمین‌گیر می‌کند



عکس: صمت

ملیکا انصاری: رد پای دولت و نهادهای متولی بخش معدن و صنایع معدنی در روند فعالیت فعالان این بخش همواره هویداست؛ به‌عبارتی طبق شواهد و احوالات بخش معدن کشور، دولت همواره نقش مهم و اساسی چه در توسعه و چه در مانع‌گذاری برای معدنکاران داشته؛ از همین رو برخی فعالان سرچشمه موانع توسعه و گسترش محدودیت‌ها در بخش معدن را نهادهای دولتی معرفی می‌کنند. درباره گستردگی حضور نهادهای دولتی در فعالیت معادن و همچنین تاثیر رویکرد آنها بر این بخش، صمت با کارشناسان و فعالان معدنی گفت‌وگو کرد که در ادامه می‌خوانید:

نقش دولت در سیاست‌گذاری



یکی از مهم‌ترین نقش‌های دولت در بخش معدن، سیاست‌گذاری‌ها و تدوین روند فعالیت فعالان این عرصه است. صحبت از سیاست‌گذاری یادآور تلاش در جهت حل مشکلات و موانع برای تسهیل روند فعالیت‌های اقتصادی است، چراکه ذات سیاست‌گذاری تبیین روش برای رسیدن به اهداف و همچنین تداعی‌کننده اقدام دولت در اداره صحیح امور است و رفع دست‌اندازهای مسیر تولید از جمله این اقدامات محسوب می‌شود؛ از همین رو بررسی سیاست‌گذاری‌های دولتی در بخش معدن، معایب و پیامدهای آن و همچنین رویکردی که انتظار می‌رود دولت جدید در سیاست‌گذاری‌های معدنی خود به‌کار گیرد، همواره حائزاهمیت است. پروا سلطانی، فعال معدنی در گفت‌وگو با صمت ضمن اشاره به اهمیت سیاست‌گذاری‌های دولتی بر ضرورت رفع موانع و مشکلات حوزه تولید به‌ویژه بخش معدن و صنایع معدنی تاکید کرد و گفت: توجه رهبر معظم انقلاب به رفع موانع تولید که در شعار سال دیده شد، حاکی از آن است که موانع و گره‌های روند تولید و فعالیت‌های صنعتی و معدنی دیده شده و این گره‌ها باید به‌دست نهادهای دولتی و سازمان‌های متولی بخش معدن باز شود.

▣ تحریم‌های داخلی

این فعال معدنی در ادامه به مقررات محدودیت‌آفرینی که توسط نهادهای دولتی وضع شده‌اند، اشاره کرد. او این قوانین را مانع توسعه بخش معدن و صنایع معدنی کشور معرفی کرد و در این باره گفت: یکی از مصادیق سیاست‌گذاری‌های دولتی را می‌توان در تدوین قوانین و تعیین روند فعالیت‌ها در بخش معدن و صنایع معدنی مشاهده کرد. متاسفانه سال گذشته مقررات و دستورالعمل‌های دست‌وپاگیر متعددی برای بخش صنعت و معدن کشور از سوی نهادهای دولتی تصویب شد و این موضوع فعالان اقتصادی را با مشکلات فراوانی مواجه کرد. برخی فعالان معتقدند قوانین تدوین شده، در جهت زمین‌گیر کردن اقتصاد کشور قرار داشته و اهداف توسعه‌ای در پس این تصمیمات وجود نداشت. آنها می‌گویند اگر خواهان توسعه و پیشرفت بخش معدن هستیم، باید در وهله نخست تحریم‌های داخلی ایجادشده از سوی نهادهای دولتی رفع شوند. این فعال معدنی همچنین به پیامدهای مقرراتی که در گذشته توسط دولت تدوین شدند، اشاره کرد و ادامه داد: از جمله مقررات محدودیت‌آفرین می‌توان به قوانین واردات ماشین‌آلات معدنی اشاره کرد. متاسفانه سنگ‌اندازی‌های برخی نهادهای دولتی در این موضوع، تجهیز معادن و واحدهای فرآوری را با مشکل روبه‌رو کرده است. باید به این نکته توجه کرد که گاهی روند تامین ماشین‌آلات معدنی به‌قدری زمان‌بر و دشوار است که در گذر زمان پروژه معدنی از صرفه اقتصادی خارج و معدنکار از فعالیت در معدن منصرف می‌شود. به‌علاوه اینکه تامین تجهیزات برای معادن، مسئله‌ای است که نمی‌توان به‌راحتی از آن صرف‌نظر کرد، چراکه کمبود ماشین‌آلات مناسب، تاثیر منفی مستقیمی بر میزان بهره‌وری معادن و در نتیجه توسعه فعالیت‌های اقتصادی این حوزه خواهد داشت.

▣ ناکارآمدی اقتصاد جزیره‌ای

پروا سلطانی، ضمن اشاره به ظرفیت‌های موجود، بر لزوم رفع موانع تاکید کرد و آن را مقدمه رونق و توسعه معادن دانست. او در این باره تصریح کرد: با رفع سیاست‌گذاری‌های نادرست دولتی و رونق چرخه فعالیت‌های معدنی اعم از اکتشافات و استخراج‌ها، انتظار می‌رود تولیدات بخش معدن و صنایع معدنی افزایش یابد، چراکه با نبود دست‌اندازهای دولتی، معدنکاران توانایی بیشتری برای پیشروی در مسیر توسعه معادن دارند و این اتفاق نه‌تنها برای بخش معدن بلکه به‌طور کلی برای اقتصاد کشور مفید و موثر خواهد بود. این فعال معدنی ادامه داد: علاوه بر آنچه گفته شد نباید تاثیر روابط بین‌الملل بر اقتصاد و صنعت کشور را نادیده گرفت. واضح است نمی‌توان به اقتصاد تحریم‌شده جزیره‌ای که تنها با چند کشور محدود رابطه دارد، امیدوار بود. زمانی که در تعامل و گفت‌وگو با جهان باز شود، می‌توان آینده درخشانی را برای گسترش تولید و پیشرفت‌های اقتصادی کشور متصور شد، زیرا با توسعه تجارت بین‌المللی، نه‌تنها چرخ اقتصاد معدن بهتر خواهد چرخید بلکه با ورود فناوری مناسب در کشور، معادن بهره‌وری مطلوب‌تری خواهند داشت.

دولتی‌سازی و کاهش اشتغال



از بحث نقش دولت در عرصه معدن، حضور بخش خصوصی در فعالیت‌های این حوزه نیز شایان توجه است. بنا به گفته کارشناسان و فعالان معدنی، خصوصی‌سازی حلقه مفقوده معادن کشور است، به همین دلیل پیامدهای نبود خصوصی‌سازی در معادن کشور، نیازمند بررسی است.

عبدالنبی مکارم، فعال معدنی تقویت زیرساخت‌های اقتصادی، صنعتی و معدنی کشور توسط دولت را یک معضل معرفی کرد و در گفت‌وگو با صمت گفت: یکی از مشکلات و مباحث امروزه کشور، دولتی شدن زیرساخت‌هاست؛ به این معنا که در حوزه‌های مهم اقتصادی کشور اعم از صنایع، معادن و... توسعه زیرساخت‌ها از طریق دولت انجام می‌شود و بخش خصوصی حضوری در این مسائل نداشته است. در مجموع در مباحث زیرساختی و بنیادین اقتصاد و صنعت کشور از جمله معادن، شاهد حضور گسترده بخش خصوصی نیستیم.

باید به این نکته توجه کرد که وقتی بخش خصوصی تولید ثروت نداشته باشد، ایجاد اشتغال نیز محدود می‌شود.

وی درباره محدودیت اشتغال با دولتی‌سازی زیرساخت‌ها گفت: با سرمایه‌گذاری دولت در زیرساخت‌های اقتصادی از جمله معادن، افراد کمی به خدمت گرفته می‌شوند و پایه اقدامات اقتصادی به اندازه‌ای توسعه می‌یابد که دیگر بخش خصوصی توانایی متولی شدن را ندارد. با ادامه این روند تنها با توسعه زیرساخت‌ها، بکارگیری محدود افراد در مشاغل و همچنین گسترش نیافتن بخش خصوصی در کشور مواجه خواهیم شد.

▣ توسعه بخش خصوصی و رونق معادن

این فعال معدنی توزیع مناسب ثروت در بخش‌های معدنی را یک ضرورت مدیریتی دانست و گفت: در نظر گرفتن مزیت نسبی کشور و شناسایی نقاط مهم اقتصادی که با سرمایه‌گذاری روی آنها می‌توان به سطح مناسبی از اشتغالزایی و تولید ثروت دست یافت، یکی از الزامات امروزه کشور است؛ نه آنکه ثروت ملی تنها در بخش‌های سنگینی متمرکز شود و اجازه ورود بخش خصوصی برای فعالیت و سرمایه‌گذاری روی آنها داده نشود.

مکابر در ادامه سخنان خود افزود: توسعه زمانی شکل می‌گیرد که بخش خصوصی مشغول فعالیت باشد؛ به‌عبارت دیگر فعالیت بخش خصوصی و پیشرفت و توسعه دو موضوع درهم‌تنیده هستند.

در بخش معدن نیز می‌توان گفت مانند سایر حوزه‌های اقتصادی، دولت بر زیرساخت‌ها و پهنه‌های وسیع اکتشافی سرمایه‌گذاری کرده و باقوی کردن این قسمت، حضور بخش خصوصی در آنها به‌طور تقریبی ناممکن شده است. این فعال معدنی در ادامه از توجه خاص دولت به برخی قسمت‌های اقتصادی گلایه کرد و آن را برای کشور زیان‌بار دانست.

او در این باره گفت: گاهی دولت در برخی عرصه‌های اقتصادی سرمایه‌گذاری کرده و باقی بخش‌ها را نیز از یاد برده که از این موضوع می‌توان به‌عنوان یک ضعف در ساختار مدیریت دولتی یاد کرد.

سخن پایانی...

از نظر فنی و کارشناسی، برای قرارگیری در مسیر توسعه، ابتدا باید دست‌اندازهای موجود شناسایی و راهکارهای رفع آنها بررسی شود؛ از این رو انتظار می‌رود دولت جدید ضمن توجه به توسعه حوزه‌های اقتصادی و تولیدی کشور از جمله بخش معدن و صنایع معدنی، رویکرد مانع‌زدایی را نیز در سیاست‌گذاری‌های خود در نظر بگیرد.

نوبت اول

«آگهی فراخوان»

شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

ردیف	نوع فراخوان	شماره	موضوع	مهلت ارائه پیشنهاد	تاریخ بازگشایی پاکات
۱	مناقصه	۱۴۰۰۰۲۲۴۴	خرید سه ردیف سنگ شکسته شسته‌شده کوهی (۱۲۰۰۰هزار کیلوگرم)	۱۴۰۰/۰۶/۲۳	۱۴۰۰/۰۶/۲۴
۲	مناقصه	۴۳۳۰۸	خرید کابل مسی افشان PVC	۱۴۰۰/۰۶/۲۲	۱۴۰۰/۰۶/۲۴
۳	مناقصه	۴۳۵۵۲	خرید کابل مسی افشان با عایق لاستیک	۱۴۰۰/۰۶/۲۴	۱۴۰۰/۰۶/۲۸
۴	تجدید مناقصه	۴۳۳۲۲-۲	تامین؛ حمل، نصب و مونتاژ کلیه تجهیزات، اجرای عملیات ساختمانی، اجرای خط ورودی پمپ‌خانه و تست و راه‌اندازی پمپ‌خانه پساب فولادشهر	۱۴۰۰/۰۶/۱۷	----------

ضمناً لیست استعلام‌های مربوط به خریدهای متوسط (بدون برگزاری مناقصه) در سایت شرکت به آدرس ذیل درج می‌گردد.

▣ سایر موارد:

۱- زمان دریافت اسناد: از تاریخ نشر آگهی نوبت اول تا پایان ساعت اداری مهلت دریافت اسناد (مندرج در جدول)

۲- جهت دریافت اسناد و کسب اطلاعات بیشتر به آدرس www.esfahansteel.ir مراجعه فرمایید.

روابط عمومی ذوب آهن اصفهان

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۰۶/۱۵

آگهی خرید روی با درجه خلوص ۹۹/۹۹۹ خط تولید

شرکت فولاد تاراز چهارمحال

۱- موضوع آگهی: خرید ۵۰۰تن روی مورد نیاز در خط تولید کارخانه با مشخصات به شرح جداول ذیل:

Designation	Pb (ppm)	Fe (ppm)	Cd (ppm)	Color
ZN-۱	<=55	<=20	<=20	white

ب: وزن هر بندیل برابر با ۱۰۰۰±۵۰kg و کالا دارای روکش نایلونی و عاری از هر گونه کثیفی، زنگ‌زدگی، گرد و غبار روی بندیل‌ها نباشد.
ج: بندیل‌های شمش خیس نباشند و رنگ ظاهری شمش‌ها شفاف باشد (خاکستری نباشد/ اکسید نشده باشد).
چ: وزن هر شمش روی ۲۵kg با (۲۰cm ×۴۰cm) با درج واژه ZINK بر روی هر شمش
د: بر روی هر بندیل برچسب مشخصات شامل شماره سری ساخت(Batch number)، وزن واقعی، نام سازنده و کد متریال نصب گردد. مطابق تصویر.



۲- آدرس شرکت: شهرکرد -فاز سه توسعه- شرکت فولادتاراز چهارمحال
۳- نحوه شرکت در فراخوان:
۱- ارائه ضمانت نامه بانکی به مبلغ ۶،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال در وجه شرکت فولاد تاراز چهارمحال به منظور تضمین شرکت در مناقصه. ۲- پرداخت به‌صورت ۵۰٪ مبلغ به‌عنوان پیش‌پرداخت درقبال ارائه ضمانتنامه بانکی معتبر و مابقی پس از ارسال کامل و تایید کالای درخواستی. ۳- در صورت موجودی مواد با ظرفیت کمتر از درخواستی امکان بررسی پیشنهاد ارسالی وجود دارد. ۴- پاکت ((الف)) پاکت تضمین پاکت ((ب)) پاکت پیشنهاد فنی بازرگانی پاکت ((ج)) پاکت پیشنهاد قیمت ۵- امکان کاهش مقدار درخواستی پس از بازگشایی پاکات وجود دارد.
۴- مهلت تحویل مدارک: مهلت ارسال پیشنهاد حداکثر تا صبح روز شنبه مورخه ۱۴۰۰/۰۶/۲۰ در پاکات دربسته دریافتی از شرکت
۵- محل تحویل پاکات: شهرکرد -شهرک صنعتی فاز سه توسعه -شرکت فولاد تاراز چهارمحال واحد خرید.
تلفن تماس: ۰۳۸۳۱۰۰ داخلی ۱۳۰۲-۰۹۹۱۲۷۰۳۰۸۷
لازم به ذکر است در صورت درخواست کتبی از تامین کنندگان امکان حضور نماینده شرکت تامین کننده در روز بازگشایی پاکات وجود دارد.

شرکت فولاد تاراز چهارمحال

آگهی خرید زاماک ۳٪ مورد نیاز در خط تولید

شرکت فولاد تاراز چهارمحال

۱- موضوع آگهی: خرید ۱۰۰تن زاماک ۳٪ مورد نیاز در خط تولید کارخانه با مشخصات به شرح جداول ذیل:

Designation	Pb (ppm)	Fe (ppm)	Cd (ppm)	Al (درصد)
زاماک۳	<=60	<=45	<=15	2/8-3/2

ب: وزن هر بندیل برابر با ۱۰۰۰±۵۰kg و کالا دارای روکش نایلونی و عاری از هر گونه کثیفی، زنگ‌زدگی، گردوغبار روی بندیل‌ها نباشد.
ج: بندیل‌های شمش خیس نباشند.
چ: وزن هر شمش زاماک ۶-۸kg با درج واژه ZAMAk بر روی هر شمش
د: بر روی هر بندیل برچسب مشخصات شامل شماره سری ساخت(Batch number)، وزن واقعی، نام سازنده و کد متریال نصب گردد. مطابق تصویر.



۲- آدرس شرکت: شهرکرد - فاز سه توسعه- شرکت فولاد تاراز چهارمحال
۳- نحوه شرکت در فراخوان:
۱- ارائه ضمانت‌نامه بانکی به مبلغ ۲،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال در وجه شرکت فولاد تاراز چهارمحال به منظور تضمین شرکت در مناقصه. ۲- پرداخت به‌صورت ۵۰٪ مبلغ به‌عنوان پیش پرداخت درقبال ارائه ضمانت‌نامه بانکی معتبر و مابقی پس از ارسال کامل و تایید کالای درخواستی. ۳- در صورت موجودی مواد با ظرفیت کمتر از درخواستی امکان بررسی پیشنهاد ارسالی وجود دارد. ۴- پاکت ((الف)) پاکت تضمین پاکت ((ب)) پاکت پیشنهاد فنی بازرگانی پاکت ((ج)) پاکت پیشنهاد قیمت. ۵- امکان کاهش یا افزایش مقدار درخواستی پس از بازگشایی پاکات وجود دارد.
۴- مهلت تحویل مدارک: مهلت ارسال پیشنهاد حداکثر تا صبح روز شنبه مورخه ۱۴۰۰/۰۶/۲۰ در پاکات دربسته دریافتی از شرکت
۵- محل تحویل پاکات: شهرکرد -شهرک صنعتی فاز سه توسعه - شرکت فولاد تاراز چهارمحال واحد خرید.
تلفن تماس: ۰۳۸۳۱۰۰ داخلی ۱۳۰۲-۰۹۹۱۲۷۰۳۰۸۷
لازم به ذکر است در صورت درخواست کتبی از تامین‌کنندگان امکان حضور نماینده شرکت تامین‌کننده در روز بازگشایی پاکات وجود دارد.

شرکت فولاد تاراز چهارمحال

نوبت اول
شناسه ۱۱۸۴۳۰۳

فراخوان خدمات مشاوره

شرکت شهرکهای صنعتی خراسان رضوی

شرکت شهرکهای صنعتی خراسان رضوی در نظر دارد فراخوان خرید خدمات مشاوره (ارزیابی کیفی) جهت انجام خدمات مشاوره امور مالی شرکت شهرکهای صنعتی خراسان رضوی در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ با مشخصات زیر را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا تهیه فهرست مشاوران دارای صلاحیت، ارسال درخواست پیشنهاد (RFP)، ارائه پیشنهاد مشاوران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مشاوران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در فراموان محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۱۴۰۰/۰۶/۱۳ می‌باشد.

مهلت زمانی دریافت اسناد فراخوان: ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۱۷

مهلت زمانی ارسال پاسخ فراخوان: ساعت ۱۳ مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۲۵

اطلاعات تماس شرکت شهرکهای صنعتی خراسان رضوی جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد فراخوان: مشهد- بلوار خیام- بعد از خیام ۳۵- تلفن: ۳۷۶۴۲۰۰۵ - نمابر ۳۷۶۴۲۰۰۳-۰۵۱

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۴۱۹۳۴-۰۲۱ دفتر ثبت‌نام در تهران ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸-۰۲۱ و در مشهد ۳۷۶۲۸۳۲۶-۰۵۱

رشته و پایه تشخیص صلاحیت مشاوران: گواهینامه صلاحیت معتبر در تخصص مدیریت مالی از سازمان اداری و استخدامی کشور یا موسسات و شرکت‌های عضو جامعه حسابداران رسمی ایران.

مدت اولیه انجام خدمات: ۱۲ ماه.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴

شرکت شهرکهای صنعتی خراسان رضوی



عکس: صمت

اجرای امور را به خصوصی‌ها واگذار کنید

الزامات کاهش تصدی‌گری دولت در صنایع معدنی

مرضیه احقاقی: **بیشترین سهم از اقتصادر کشور در اختیار دولت است. در ایـن میان، دولت سـهمی اثرگذار و اساسـی در فعالیت‌های معدنی و صنایـع معدنی را هم برعهـده دارد. فعالیت بخش خصوصـی نیز در این حوزه روی بهره‌برداری از معادن کوچک یا صنایع تکمیلی متمرکز شـده اسـت. همین تمرکز قدرت دولت در یک بخش از زنجیره و تمرکز قدرت بخـش خصوصی در بخش‌های دیگر زنجیره، زمینـه تضاد منافع را میان فعـالان صنایع معدنی فراهم کرده اسـت. چنانچه این روند اصلاح شـود می‌توان به تدوین سیاست‌ها در قالبی منطقی‌تر امید داشت.**

لزوم اصلاح ساختارهای اداری



کیومرث فتح‌اله کرمانشـاهی، کارشناس اقتصاد در گفت‌وگو با صمت اظهار کرد: بیشترین سهم از اقتصادر کشور در اختیار دولت است. در صورتی که طبق قانـون بخش خصوصـی، تعاونی‌ها و دولت باید در کنار یکدیگر در اقتصاد موثر باشند. در همین حال از دولت انتظار می‌رود سیاست‌گذاری را برعهده بگیرد و فعالیت‌های اجرایی را به بخش خصوصی واگذار کند.

در حال حاضر شرکت‌های بزرگ و مادر در هر بخش به دولت وابسته است؛ این روند در صنایع مختلف همچون فولاد، پتروشـیمی و... دیده می‌شود. در همین حال با وجودی که بخشی از سهام بسیاری از این مجموعه‌ها به بخش خصوصی واگذار شـده اما همچنان دولت تصمیم‌گیر اصلی برای آنها اسـت. در چنین شرایطی باید اذعان کرد بخش خصوصی در روند اقتصادی و فعالیت انواع صنایع، بازی داده نشده است.

وی افـزود: البته انتقال سـهم دولت به بخـش خصوصی نیز الزاماتی دارد؛ بنابراین باید مقدمات مهیا شـدن این بخش فراهم شـود. اغلب مجموعه‌های فعال در بخش خصوصی کشـور ما کوچک هسـتند، سـرمایه محدودی دارند و توان کافی برای در اختیار گرفتن صنایـع بـزرگ را ندارند. بنابراین نیازمند تحول در بخش خصوصی کشـور برای برعهده گرفتن کارها و مسئولیت‌های بزرگ هستیم.

کرمانشـاهی در پاسـخ به سوالی مبنی‌بر چالش‌های سـهم قابل‌توجه دولت از اقتصاد گفت: دولت با فرآیند حقوق‌بگیری فعالیت می‌کند؛ بنابراین در حالت کلی مدیریت دولتی کارایی کافی و بهره‌وری لازم را ندارد. اما عموما بخش خصوصی از توان مدیریت بالاتری برخوردار است و آموخته سودآوری باید یکی از شاخصه‌های اصلی فعالیت وی باشد.

به اعتقاد من، باید تمام بازیگران اقتصادی کشـور براسـاس تقسـیم کار ملی مشخص شوند. دولت سیاست‌گذاری و بخش خصوصی تصدی‌گری را برعهده بگیرد. بدون تردید در چنین شـرایطی می‌توانیم منتظر تحولات اقتصـادی و بهبود فرآیندهای تولید و توسعه باشیم.

وی افزود: در دنیای کنونی بسـیاری از واحدهای فعال در بخش خصوصی برای ارتقای توانمندی خود، با هم ادغام می‌شوند. بنابراین از بخش خصوصی انتظار می‌رود برای بهبود توانمندی خود و با همکاری تشـکل‌ها، به سـمت و سـوی اجرای کارهای جمعی گام بردارد. سـازمان خصوصی‌سازی نیز باید در رونـد فعالیـت خود تحولاتی را ایجاد کنـد. در این میان بهره‌گیری از توان بخش خصوصی نیز کمک‌کننده است. فعال کردن بخش خصوصی زمینه‌ساز کارهای بزرگ است.

این کارشـناس اقتصاد در پاسـخ به سـوالی مبنی‌بر کمبود توان مالی بخش خصوصی کشـور برای خرید یا سـرمایه‌گذاری در صنایع مادر دولتی گفت: می‌توان با بهره‌گیری از توان بازار سرمایه، نقش بخش خصوصی را ارتقا داد. در همین حال از دولت انتظار می‌رود برای فعالیت خود برنامه داشته باشد.

در حوزه اقتصاد هیچ کاری را نمی‌توان بدون برنامه جلو برد. طبیعتا این دست اقدامات به سازکار و انواع راهبردها نیاز دارد. تجربه چنین اقداماتی در سایر کشورها نیز وجود دارد؛ در همین حال در قانون اساسـی نیز به این موارد اشـاره شده است؛ یعنی باید از ابزارهای موجود برای ارتقای سـهم بخش خصوصی از دولت تلاش کرد. اما بخش دولتی تا امروز حاضر نشـده مسـئولیت‌ها را به فعالان بخش خصوصی واگذار کند. توان بخش خصوصی ما به قدری پایین اسـت که اغلب نمی‌توانند در مناقصات بین‌المللی شـرکت کنند. این مجموعه‌ها فضایی برای کار نداشته و نتوانسته‌اند فعالیت کنند. امید می‌رود در سایه تغییر شرایط موجود، زمینه برای اصلاح شرایط فراهم شود.

دلایل پررنگ شدن نقش دولت



سعید برزگر، فعال صنایع معدنی در گفت‌وگو با صمت و در پاسـخ به سـوالی مبنی بر ارزیابی سهم دولت در بخش معدن و صنایع معدنی گفت: در حالت کلی سهم دولت در بخش معدن قابل‌توجه ارزیابی می‌شود؛ بخشی از دلایل حضور پررنگ دولت در نخسـتین حلقه از زنجیره فعالیت صنایع معدنی را می‌توان به ریسـک بالای معدنکاری و اکتشـاف نسـبت داد. در همین حـال فعالیت در این بخش به سـرمایه‌گذاری قابل‌توجهی نیاز دارد و اصـولا تضمینی هم برای بازگشـت این سـرمایه وجود ندارد؛ درنتیجه پیشنهاد می‌شود این دست اقدامات به دولت و سازمان‌های توسعه‌ای سپرده شود.

یکی از دلایل احداث سـازمان توسـعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران نیز همین بوده است.

وی افزود: با توجه به انتقاداتی که نسـبت به عملکرد بخش‌های دولتی مطرح می‌شـود، انتظار می‌رود با واگذاری مدیریت این دست فعالیت‌های دولتی به بخش خصوصی، زمینه بهبود شرایط و ارتقای بهره‌وری را در این کسـب‌وکارها فراهم کرد. نظارت دولت بر این دسـت اقدامـات و همچنیـن بازگشـت دولت به سیاسـت‌گذاری نیز می‌تواند زمینه‌ساز بهبود شرایط باشد.

ایـن فعال صنایـع معدنی در ادامه و با اشـاره به صنایع مادر همچـون فولاد و آلومینیوم گفت: اغلب واحدهای بزرگ صنایع معدنـی که تولید شـمش آلومینیوم، فـولاد و همچنین مس را برعهـده دارنـد، دولتی هسـتند. احداث این واحدها مسـتلزم سرمایه‌گذاری بسیاری بوده و درنتیجه مالکیت اغلب این واحدها در اختیار دولت اسـت. با وجود این، انتقاداتی به این روند وارد اسـت چراکه دولت در سیاسـت‌گذاری و تدوین اسـتراتژی حفظ منافع این حلقه را ارجحیت می‌دهد. در همین حال این واحدها از انواع امتیازات در مسیر فعالیت خود بهره‌مند هسـتند. بدون تردید این روند مورد انتقاد تمامی فعالان صنایع معدنی است و اصلاح آن ضروری به‌نظر می‌رسد.

سخن پایانی

از مجموع موارد یادشـده این‌طور برداشـت می‌شـود که طی سال‌های گذشـته و با وجود سـهم پررنگ دولت در بخش معدن و صنایع معدنی، بخـش خصوصی فرصتی را برای ارتقا عملکردی خود نیافته اسـت. بدین ترتیب ضعفی سیستماتیک بر روند فعالیت انواع بنگاه‌های اقتصادی سایه افکنده است. امید می‌رود با بهبود شرایط، این روند اصلاح و زمینه ارتقای عملکردی در بخش‌های مختلف زنجیره صنایع معدنی فراهم شود.

فردا برای جبران بحران دیر است



رسـالت اصلی شرکت توسـعه آهن و فولاد گل‌گهر فعالیت در حوزه‌های تولید آهن اسفنجی و نیز پروژه‌های توسعه‌ای و فولادسازی است.

بـه گزارش روابط‌عمومی شـرکت توسـعه آهن و فـولاد گل‌گهر، مهدی مکی‌آبادی، معاون مهندسـی و توسـعه این شـرکت اظهار کـرد: از جمله اقدامات ارزشـمندی که توسـط این شـرکت در حوزه انرژی در دستور کار قرار دارد مشارکت در طرح‌های توسعه بلوک‌های نیروگاهی سیکل ترکیبی شـرکت گهر انرژی است. همچنین پسـت برق ۴۰۰/۳۳ کیلوولت، در حال احداث و تکمیل است.

معاون مهندسی و توسعه شرکت توسعه آهن و فولاد گل‌گهر تاکید کرد: این شرکت با اصلاح سیسـتم تصفیه آب یکی از واحدهای تولیدی، مصرف آب خود را ۲۰ درصد کاهش داده است.

در پروژه‌هـای تصفیـه آب جدیـد، در نظر گرفتن اسـتفاده مجدد از آب برگشـتی و همچنین اسـتفاده از سیسـتم خنک‌کن ایرکولر در واحد سوم این شـرکت، در مجموع، منجر به کاهش ۴۰ درصدی مصرف آب می‌شـود. در ضمن، پروژه‌های بهینه‌سازی متعدد شرکت که می‌توانند به بهینه‌سازی مصارف انرژی کمک شایانی کنند که از جمله این موارد می‌توان به بازیافت آب‌های دورریز دسـتگاه «RO» و آب‌های سـطحی و انتقال به صنایع پایین‌دستی به منظور استفاده در فرآیند تولید کنسانتره در منطقه گل‌گهر اشاره کرد.

تامین اکسیژن رایگان توسط فولاد مبارکه، در تاریخ ایران ثبت می‌شود

همزمـان با موج پنجم کرونا شـرکت فـولاد مبارکه باوجـود محدودیت‌های برق، با تولید ۱۴۰ تن اکسـیژن رایگان مانع از بروز مرگ‌ومیر بیشـتر شد. به گزارش ایراسین، بهروز کلیدری، معاون درمان دانشـگاه علوم پزشـکی اصفهان اظهار کرد: از تیر گذشته تاکنون شرکت فولاد مبارکه در راستای اجرای مسئولیت‌های اجتماعی خود برای تامین اکسیژن رایگان مراکز درمانگر اقدام کرده است. با شیوع موج پنجم کرونا، شرکت فولاد مبارکه با وجود محدودیت‌های تامین برق، با تولید ۱۴۰ تن اکسیژن رایگان مانع از بروز مرگ‌ومیر بیشتر در کشور شد. در حال حاضر نیز این شرکت با حداکثر ظرفیت، اکسیژن بیمارسـتان‌های استان اصفهان را تامین می‌کند.وی افزود: شرکت فولاد مبارکه روزانه ۱۴۰ تن اکسیژن مراکز درمانگر را به صورت رایگان فراهم می‌کند و تمام نیاز اکسیژن مراکز درمانگر توسـط این شرکت تامین شده است.معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان تاکید کرد: تردید نکنید اگر اقدام شرکت فولاد مبارکه در تامین اکسیژن رایگان مراکز درمانگر نبود، تعداد زیادی از بیماران به علت کمبود اکسیژن آسیب می‌دیدند و جان خود را از دست می‌دادند.

وی اضافه کرد: شـرکت فولاد مبارکه به نیاز اکسـیژن تمام بیمارسـتان‌های اسـتان اصفهان پاسـخ داد تا سیسـتم درمان نگران کمبود اکسـیژن نباشد و با کیفیت بهتری بـه بیماران مبتلا به کرونا خدمت‌رسـانی کند. در بیمارسـتان‌های مجهز به دسـتگاه اکسیژن‌سـاز هم منابع اکسـیژن قـرار دادیم تا با تزریق اکسـیژن مایع، فشـار داخل دسـتگاه‌های اکسیژن‌سـاز مطلوب باشد و بیماران دچار مشکل نشوند.کلیدری توضیح داد: شـرکت فـولاد مبارکه در ابتدای مرداد به علـت اینکه دچار محدودیت تامین برق شده بود ۸۰ تن اکسیژن دراختیار بیمارستان‌ها قرار می‌داد که با اوج‌گیری کرونا و نیاز بیشـتر، این ظرفیت تولید را به ۱۴۰ تن اکسـیژن رسـانید تا مبادا مراکز درمانگر دچار کمبود اکسیژن شوند. وی گفت: از همت شرکت فولاد مبارکه و همراهی این شرکت با سیستم درمان تشکر می‌کنم. بدون تردید تامین اکسیژن رایگان مراکز درمانگر توسط شرکت فولاد مبارکه در تاریخ ایران ثبت می‌شود.

مدیر آگلومراسیون ذوب‌آهن اصفهان عنوان کرد

کاهش ۷۵ درصدی هزینه‌های ساخت و ارزبری با بومی‌سازی



ذوب‌آهـن اصفهان به‌عنـوان مادر-صنعت و بنیان‌گـذار صنایع فولادی کشور در دوره‌های مختلف همواره توانسته است با نیروهای فنی، متخصص و توانمنـد خـود نقش مهمـی در تامین نیازهای داخلـی خود و همچنین صنایـع مختلف داشـته باشـد. کارکنان سـختکوش و متخصص مدیریت آگلومراسیون نیز همراستا با دیگر مدیریت‌های این مجتمع عظیم در جهت بومی‌سازی قطعات، تجهیزات، نسوز و نرم‌افزارها به منظور خودکفایی و قطع نیاز و وابسـتگی به شـرکت‌های خارجی، کارهای مهمی بیش از ۴۵ مورد بومی‌سـازی قطعات و تجهیزات مکانیکی، برقی و اتوماسـیونی را طی سال‌های اخیر با موفقیـت انجـام داده‌اند. این امر ضمن کاهش ۷۵درصدی هزینه‌های سـاخت و تامین قطعات و تجهیزات نسبت به مشابه خارجی، از خروج ارز از کشور جلوگیری کرده است. برنامه‌های بومی‌سازی این مدیریت بدین شرح است: بروزرسانی و بومی‌سازی تابلوهای راه‌اندازی الکتروموتورهای مکنده دود آگلوماشین‌های ۱، ۲، ۳ (از نوع روسی به فناوری داخلی). ساخت تابلو و بروزرسانی تابلوی تحریک الکتروموتورهای سنکرون مکنده‌های الکتروفیلترهای ناحیه دیماسـوس بخش با فناوری داخلی. پروژه نوسازی سیستم‌های کنترل و مانیتورینگ مکنده‌های قدیم، به منظور دسترسـی اپراتور به پارامترهای ابزار دقیق. ساخت صفحات جذب غبار الکتروفیلترها. ساخت یاتاقان‌های ژورنال (در انحصار کشـور آلمان). ساخت هیدروکوپلینگ (انحصار کشورهای آلمان، ایتالیا و کره جنوبی). ساخت ویبراتور سرند با تیپ JR۸۰۶ و JR۶۰۸ (انحصار کشور آلمان). ساخت نیم‌بوش مخصوص کوره‌های پلی زیوس، لنت حرارتی بالای ۲۰۰ درجه سانتی‌گراد، لنت با سیم فولادی ST۱۲۵۰، دسـتگاه بارگیری مواد خام شـماره ۵. برخی از قطعات بومی‌سازی شـده در این مجتمع نیز بدین شرح هسـتند: پروژه راه‌اندازی کارگاه آماده‌سازی مواد، شامل I/O چک، برنامه‌نویسی سیستم‌های کنترل و مانیتورینگ و راه‌اندازی سرد و گرم و گروهی تجهیزات کارگاه آماده‌سازی مواد در سال ۹۵ با دانش داخلی کارکنان ذوب‌آهن انجام شـد. (بیش از ۲۱۰۰ نفر-سـاعت). پروژه راه‌اندازی کوره‌های شـعله پرده‌ای آگلوماشـین‌ها، شامل I/O چک شامل برنامه نویسـی سیسـتم‌های کنترل و مانیتورینگ و راه‌اندازی سـرد و گرم و گروهی تجهیزات کارگاه پخت در سـال ۹۶ اجرا شـد (بالغ بر ۱۰۰۰ نفر ساعت). پروژه نوسازی سیستم‌های مانیتورینگ کارگاه پلی زیوس، به منظور نمایش و آرشـیو این پارامترها در سـال ۹۸ که با امکانات داخلی انجام شـد. (افزون‌بر ۳۰۰ نفر-ساعت).

پروژه راه‌اندازی غنی‌سازی سنگ آهن، برنامه‌نویسی سیستم‌های کنترل و مانیتورینگ و راه‌اندازی سـرد و گرم و گروهی تجهیزات با اسـتفاده از تجربیات و دانش داخلی در سال ۹۸ انجام و بهره‌برداری شد. پروژه ساخت آنالایزر اکسیژن، برای اندازگیری درصد اکسـیژن گاز کورهای پلی‌زیوس آهک، برای آنالایز اکسـیژن گاز کوره در سـال ۹۹ با تجهیزات داخلی سـاخته و اجرا شـد. برنامه‌ریزی و سفارش ساخت الکتروموتور مکنده دود آگلوماشـین ۴ (EGF) با طراحی و فن آوری داخل کشـور (این موتور با ظرفیت ۴۵۰۰۰Kw جـزو بزرگ‌تریـن الکتروموتورهای کارخانه ذوب‌آهن اسـت و در انحصار شرکت alstom فرانسه بوده است.) تغییر طرح گیربکس PIV پیش‌گرمکن کوره‌های دوار (در داخل ذوب‌آهن انجام شد). بومی‌سازی تابلوهای الکتروموتورهای مکنده‌های ۲. بروزرسـانی تابلوهای الکتروموتورهای سنکرون ناحیه دیماسوس. بومی‌سازی تابلوهای الکتروموتورهـای مکنده‌های ۲. بروزرسـانی تابلو تحریک موتورهای سـنکرون ناحیه دیماسوس و... .

فولاد خوزستان بر روی ریل توسعه؛

اجرای سه طرح عظیم توسعه‌ای شرکت فولاد خوزستان عملیاتی شد



اجرای سـه طرح عظیم ماشـین ریخته‌گری اسـلب عریض، کارخانه اکسـیژن ۴ و نیروگاه ۵۲۰ مگاواتی در شـرکت فولاد خوزستان عملیاتی شد.

امین ابراهیمی در گفت‌وگو بـا خبرنگار روابط عمومی ضمن اعلام این خبر، افزود: شـرکت فولاد خوزستان از زمان تاسیس همواره در مسـیر افزایش تولید و تنوع بخشـی گام برداشـته اسـت. تا به امروز توانسـته‌ایم با برنامه‌ریزی و ارتقای تولید، به عنوان دومین تولیدکننده فولاد کشور و بزرگ‌ترین عرضه‌کننده شـمش فولادی در کشور شناخته شـویم و از ابتدای راه‌اندازی و شـروع فعالیت مجموعه، ظرفیت تولید شمش فولاد را از ۵/۱ میلیون تن، با انجام پروژه‌های مختلف و فعالیت‌های مسـتمر با هـدف بهبود تولید و افزایش بهـره‌وری، تا حدود ۴ میلیون تن افزایش دهد.

ابراهیمی آغاز به کار طرح ماشـین ریخته‌گری اسلب عریض را نقطه عطف توسـعه فولاد خوزستان دانسـت و افزود: تامین شمش شرکت‌های نوردی یکی از اهداف اصلی فولاد خوزستان است. مجاورت شـرکت فولاد اکسین و لزوم تامین اسلب مورد نیاز این شـرکت، باعث شـد طرح احداث ماشـین ریخته‌گری اسـلب عریض در دسـتور کار قرار گیرد. پـس از اجرای کامل طرح علاوه بر میزان تولید فعلی شـمش، سالانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار تن شـمش اسلب عریض با گریدهای فولاد آلیاژی و ساختمانی در شرکت فولاد خوزستان تولید می‌شود.

وی افزود: سرمایه‌گذاری این طرح، ۱۲۸ میلیون یورو و مدت زمان اجرای آن ۳۶ ماه برآورد شـده است. با اجرایی شدن این طـرح مزایایی همچون: حفظ جایگاه فولاد خوزسـتان در بازار داخل و بین‌المللی با توجه توان تامین تولید شـمش اسـلب با تنوع ابعاد و گریدهای فولاد آلیاژی، ارزش‌افزوده بیشـتر، حفظ سـقف ظرفیت تولید کنونی در صورت توقف سایر ماشین‌های ریخته‌گری به منظور بهینه‌سازی تجهیزات برای فولاد خوزستان به وجود خواهد آمد.

مدیرعامل فولاد خوزستان اشاره‌ای به طرح اکسیژن ۴ کرد و افزود: تزریق اکسیژن کیفیت و کمیت آهن اسفنجی را افزایش می‌دهد. به منظور تامیـن گازهای صنعتی مورد نیاز طرح‌های توسعه‌ای، احداث کارخانه اکسـیژن ۴ در اولویت قرار گرفته و به زودی شـاهد آغاز این طرح هستیم. هزینه اجرای طرح ۲۶ میلیـون یورو و مدت زمان اجرای آن ۳۶ ماه پیش‌بینی شـده اسـت. هدف از اجرای کارخانه اکسیژن ۴ بهینه‌سازی کیفیت، پایداری سیستم و افزایش ظرفیت تولید است.

وی افزود: با راه‌اندازی این طرح، ظرفیت تولید ۱۶۰۰۰ نرمال مترمکعب بر سـاعت گاز اکسـیژن با درجه خلـوص نود و نه و نیم درصد، ۱۰۰۰ مترمکعب در سـاعت اکسیژن مایع، ۸۰۰۰ نرمال متر مکعب گاز نیتروژن، ۵۰۰ متر مکعب نیتروژن مایع و همچنین ۵۶۰ مترمکعب بر سـاعت آرگون مایع ایجاد می‌شود. این میـزان تولید علاوه بـر تامین گازهای صنعتـی مورد نیاز خطوط جدید ریخته‌گری و مگامدول آهن اسـفنجی (زمزم ۳)، فرصت و بسـتر لازم جهت توسـعه‌های آینده در شرکت فولاد خوزستان را نیز فراهم خواهد کرد.

ابراهیمی اشاره‌ای به احداث نیروگاه اختصاصی ۵۲۰ مگاواتی کرد و افزود: با اجرای طرح احداث نیروگاه و در مدار قرار گرفتن آن علاوه بر برداشته شدن محدودیت‌های برقی، پایداری تولید تضمین می‌شـود. در حال حاضر با توجه به کاهش تولید فولاد ناشـی از محدودیت‌های برقی، احداث نیروگاه ۵۲۰ مگاواتی با امکان توسعه تا ۱۰۰۰ مگاوات در دستور کار قرار گرفت.

ابراهیمـی در پایان دربـاره مهم‌ترین برنامه‌هـای عملیاتی و اهداف فولاد خوزسـتان اظهار داشـت: اجرای طرح‌های توسعه و متوازن‌سـازی ظرفیت خطوط تولیدی، به ظرفیت رسـاندن و احیـای کامـل کارخانه فولاد شـادگان، تکمیـل پروژه‌های فولادسازی، تکمیل زیرسـاخت‌های لازم برای تولید ۵ میلیون تن کنسانتره در شرکت صنعتی و معدنی توسعه فراگیر سناباد و تکمیل پروژه گندله‌سـازی سـناباد، تکمیل پروژه مگامدول آهن اسـفنجی (زمزم ۳) و اتمام عملیـات اجرایی بهره‌برداری پروژه پست برق ۴۰۰ بخشی از طرح‌های توسعه در دست اقدام شرکت اسـت و امیدواریم با تملک شـرکت‌های نوردی، گامی بلندی در تکمیل زنجیره تولید خود برداریم.

گسترش
تجارت
شنبه
۱۳ شهریور ۱۴۰۰
۲۶ محرم ۱۴۴۳
۴ سپتامبر ۲۰۲۱
شماره ۱۸۷۴
پیاپی ۳۱۹۲



بازار دستور نمی‌پذیرد



برگ برنده صادرات ایران به عراق



لزوم فوریت در واکسیناسیون کارگران کارخانجات

یادداشت



صادراتی که ارزش ندارد

قدیر قیافه/ کارشناس اقتصاد و نایب‌رئیس کنفدراسیون صادرات ایران

تجارت، در کشورهای پیشرو در این حوزه، زمانی ارزشمند تلقی می‌شود که بتواند برای آن کشور ارزش افزوده ایجاد کند و قطعا ارزش افزوده زمانی برای تجارت معنی پیدا می‌کند که سودآوری حقیقی مدنظر فعالان این بخش باشد.

درحقیقت صادرات واقعی، صادرات ارزش افزوده است و کشورهای پیشرفته در این حوزه، صادرات خود را طبق همین اصل انجام می‌دهند. در این نوع صادرات تکیه بر یارانه‌های تولید و خروج منابع طبیعی، محلی از اعراب ندارد و صادرکنندگان سود خود را برمبنای همین ارزش افزوده رقم می‌زنند.

یک صادرکننده اگر سنگ معدن را استخراج و مستقیم صادر کند، کار خاصی انجام نداده است یا اگر ما نفت خام را پس از استخراج به همان صورت صادر کنیم، کار مهمی در حوزه تجارت انجام نداده‌ایم.

صادرات واقعی زمانی شکل می‌گیرد که سنگ آهن استخراجی، در کشور فرآوری شده و پس از تبدیل به ورق آهن، با ایجاد ارزش افزوده به کشورهای دیگر صادر شود.

حال اگر در مسیر ایجاد این ارزش افزوده، به عواملی مثل حامل‌های انرژی یا دستمزد کارگر، سوبسید نیز تعلق بگیرد، مشکلی به وجود نمی‌آید؛ اما مشکل جایی ایجاد می‌شود که ما بخواهیم همان مواد اولیه و خام را با صرف سوبسید صادر کنیم. در این حالت در عمل سودی از طریق صادرات حاصل نمی‌شود و آنچه به‌عنوان سود در اختیار صادرکننده قرار می‌گیرد اختلاف بهای هزینه‌های واقعی و یارانه‌های تولید است که نه‌تنها نمی‌تواند سود تلقی شود، بلکه نمونه بارز هدررفت منابع ملی و طبیعی نیز خواهد بود.

در این شرایط پرداختن به صادرات بدون درنظر گرفتن ارزش افزوده، به غیر از اینکه سود واقعی برای کشور دربر نخواهد داشت، به نوعی هدر دادن منابع کشور نیز تلقی می‌شود.

بر همین اساس، می‌توانیم نتیجه بگیریم حیات برخی از صنایعی که در کشور وجود دارند از نظر اقتصادی به نفع کشور نیست و ما به جای پرداختن به این تولیدات، می‌توانیم تمرکز خود را روی حوزه‌هایی مثل فولاد، مس، پتروشیمی و بسیاری از صنایع دیگر بگذاریم که می‌توانند برای کشور ارزش افزوده و سود واقعی ایجاد کنند.

ارزش افزوده تولید ما از برآیند مواد اولیه، انرژی و نیروی کار موجود در کشور حاصل می‌شود.

پرداختن به ایجاد ارزش افزوده در حوزه تولید، می‌تواند برای نیروی کار کشور اشتغال ایجاد کند اما در غیر این صورت صادرات ما صادراتی متکی به نفت، خام‌فروشی و سوبسیدها خواهد بود که تنها، منابع خدادادی کشور را به حراج می‌گذارد و سود واقعی آن نصیب طرف‌های تجاری ما می‌شود و آنها هستند که با بکارگیری دانش و فناوری و با استفاده از نیروی کار، مواد خام صادراتی ما را تبدیل به احسن می‌کنند و بخشی از آن محصولات نهایی را حتی به خود ما می‌فروشند؛ اگر به صورت کلی به این معادله نگاه کنیم، می‌بینیم ما از این‌گونه صادرات دچار زیان اقتصادی نیز شده‌ایم.

در نهایت باید گفت آنچه امروز در تجارت کشور با آن مواجه هستیم، یک رویکرد اشتباه است که بر پایه نگاه و امتیازات دولتی، به جای اینکه به ارزش افزوده و سودآوری بخش خصوصی بیندیشد، به ارزآوری‌های مقطعی دل خوش کرده است در حالی که اگر با برنامه‌ریزی‌های مدون و بلندمدت، یارانه‌های دولت به تولید و تجارت به‌تدریج حذف شود و تجارت نیز از اتکا به چتر حمایت‌های این‌چنینی دولت درآید، می‌توان امیدوار بود بخش خصوصی با تکیه بر تخصص و قابلیت‌های خود، بتواند تجارت سودآور واقعی را در کشور شکل دهد.

پیمان صفردوست
editor@smtnews.ir

صمت در گفت‌وگو با کارشناسان تجاری بررسی کرد

سهم دولت در تجارت کشور



عکس: صمت

دولت جدید در شرایط خاص شکل گرفته و سقف انتظارات از آن بسیار بالاست. در حالی سکانداری نهاد اجرایی به دولت سیزدهم سپرده شد که شکست‌های تجاری دولت‌های گذشته آسیب‌های بسیار زیادی را به اقتصاد تجارت‌محور وارد کرده است.

آمارها نشان می‌دهد مجموع صادرات سال‌های ۹۶ تا ۹۹ نسبت به دولت یازدهم حدود ۵۰ میلیارد دلار کاهش داشت که این میزان، معادل ۱۳۰ میلیون تن کالاست و عدد قابل‌توجهی به شمار می‌رود.

باید درنظر گرفت این سیر نزولی، معادل میزان زیادی از کاهش در تولید، لجستیک، اشتغال، کارآفرینی و خدمات بندری، جاده‌ای و ریلی نیز بوده است. این اعداد و ارقام در حالی ارائه می‌شوند که در چشم‌انداز ۱۴۰۴ دولت موظف بوده هر سال بیش از ۲۱ درصد بر اعداد و ارقام تجاری خود در این حوزه بیفزاید. با توجه به این موارد، آنچه همواره مورد تاکید بسیاری از کارشناسان اقتصاد و فعالان تجاری است این است که کلید حل مشکل تجارت خارجی ایران در دست بخش خصوصی است.

این گروه معتقد است دولت هیچ‌گاه نتوانسته تاجر موفقی باشد و در این سال‌ها راهکارهای تجاری دولت مانند ارزهای چندنرخی، انحصارات، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های تجاری همواره به شکست انجامیده‌اند. البته در مقابل عده‌ای از کارشناسان نیز معتقدند در شرایط کنونی و اقتصاد بیمار، نمی‌توان ریسک سپردن تجارت خارجی کشور به بخش خصوصی را پذیرفت و همچنان دولت باید حضور خود در عرصه‌های اجرایی تجارت کشور را حفظ کند.

در این شماره روزنامه صمت موضوع سهم دولت در تجارت کشور را در گفت‌وگو با کارشناسان اقتصاد مورد بررسی قرار داده‌ایم.

شرایط تجارت ما فرق دارد



محمد حسن‌نژاد، نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی:

دولت در تمام کشورها دارای نقش حاکمیتی است و به حوزه اقتصاد و تجارت نیز از همین جایگاه نگاه می‌کند. با این حال، در کشور ما تفاوت‌هایی در این باره وجود دارد. بر همین اساس، نقش دولت در تجارت کشور باید از دو منظر مورد بررسی قرار گیرد که یکی از آنها شرایط موجود و دیگری شرایط ایده‌آل است.

در شرایط ایده‌آل به نظر می‌رسد دولت برای هدایت تجارت به مسیر درست، باید سیاست‌های خود را در راستای واسپاری بخش اجرایی به بخش خصوصی عمل کند و خود در جایگاه حاکمیت، به وظیفه سیاست‌گذاری کلان، ایجاد ثبات در مقررات و نظارت بر اجرای درست قوانین عمل کند. در این وضعیت ارز چندنرخی باید حذف شود، صادرات و واردات به صورت شفاف و آزاد انجام شده و با ایجاد رقابت و برقراری نظام عرضه و تقاضا، بازارهای داخلی نیز تنظیم شود. در مقابل دولت می‌تواند مقادیر به‌جامانده از تک‌نرخی شدن ارز را به صورت ریالی در خریدهای تضمینی از کشاورزان سرمایه‌گذاری کند تا با افزایش تولید به سمت خودکفایی پیش برویم یا آن را در انتهای زنجیره مصرف، به مصرف‌کنندگان اختصاص بدهیم و از این طریق موجب توسعه اقتصادی شویم.

اما در شرایط موجود اقتصادی کشور، دولت علاوه‌بر نقش حاکمیتی خود، به‌عنوان یک فعال اقتصاد و تاجر نیز ایفای نقش می‌کند و بازیگری تجارت کشور را نیز در دست دارد. در این وضعیت دولت نقش اجرایی بیشتری را در تجارت برعهده می‌گیرد و نمی‌توان انتظارات شرایط ایده‌آل را در تمام حوزه‌های تجاری از بخش دولتی داشت زیرا ما هنوز در این زمینه به گسترش و بلوغ لازم نرسیده‌ایم و در برخی از بخش‌های کلان، بخش خصوصی ما هنوز نقدینگی لازم برای در اختیار گرفتن مسئولیت تجاری را ندارد. بنابراین بهتر است این بخش‌ها همچنان در دست دولت بمانند.

در چنین شرایطی واگذاری تجارت به‌ویژه کالاهای اساسی مورد حمایت دولت به بخش خصوصی بی‌معناست زیرا تاثیر آن به مصرف‌کننده نمی‌رسد. نمونه این شرایط درباره نهاده‌های دامی به وضوح مشاهده شد. بنابراین وقتی دولت، خود مجری فعالیت‌های اقتصادی است، باید برای جلوگیری از بروز مواردی مثل دلال‌بازی، فساد و رانت، خود وظیفه استفاده از ارزهای ترجیحی را برعهده بگیرد و مواردی مثل واردات کالاهای اساسی را به بخش خصوصی واگذار نکند. دولت همچنین در این شرایط باید بهبود کیفیت کالاهای تولیدی خود را طبق اصول بازاریابی و شرایط بازار ارتقا دهد.

بنابراین اینکه در شرایط ایده‌آل دولت تا چه حد به تجارت کشور ورود کند و اینکه در شرایط موجود، ارز ترجیحی را به بخش خصوصی واگذار کند یا خود این کار را برعهده بگیرد، دو موضوع کاملا متفاوت است و برای بررسی معایب و مزایای آن باید هر یک را به شکل جداگانه مورد بررسی قرار داد.

نظام اقتصادی تا امروز هزینه‌های فراوانی بابت حرکت در مسیر تجارت دولتی و ابعاد مختلف آن متحمل شده و اگر در گذشته ناپختگی بخش خصوصی توجیه این رویکرد و هزینه‌های متعاقب آن بود، امروز اوضاع فرق کرده است

سهم دولت نظارت و حمایت است



ابراهیم بهادرانی، مشاور اتاق بازرگانی تهران:

تجارت یک مقوله بسیار گسترده و در عین حال پیچیده است که راهکارها و مسیرهای آن با توجه به شرایط مختلف هر کشور همراه با تفاوت‌هایی است و میزان سهم دولت نیز در این مقوله با توجه به همین تفاوت‌ها تعیین می‌شود. بنابراین ما برای دستیابی به یک تجارت مفید برای کشور، باید یک حالت بینابین را برای نقش و سهم بخش خصوصی و دولتی در شرایط فعلی درنظر گرفت.

حقیقت این است که وظیفه اصلی دولت در حوزه بازرگانی، سیاستگذاری‌های کلان با درنظر گرفتن ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بخش خصوصی است و وقتی امکان فعالیت فعالان اقتصادی بخش خصوصی در حوزه تجارت وجود دارد، باید شرایط نیز توسط دولت برای این کار مهیا شود و به آنها میدان داده شود. البته وجود امکان فعالیت بخش خصوصی به معنی فراهم بودن همه امکانات و عوامل نیست و دولت در این زمینه نیز باید با بخش خصوصی همکاری کند.

در هر حال در عرصه تجارت بخشی از منابع و ارز مورد نیاز در اختیار بخش خصوصی است و بخشی دیگر در اختیار دولت و بانک مرکزی است که هر دو باید در اختیار فعالان اقتصادی قرار گیرد؛ البته در این موضوع باید دقت شود تا در واگذاری منابع، انحصار وجود نداشته باشد و همه امکان استفاده از آن را داشته باشند تا رقابت در این زمینه به شکل مطلوب اتفاق بیفتد.

تجربه نشان داده دولت‌ها هیچ‌گاه نمی‌توانند تاجران خوبی باشند و اگر از وظایف نظارتی خود تغییر موقعیت داده و وارد نقش‌های اجرایی شوند، مسیر نادرستی پیش رو خواهند داشت. پس به جای این کار بهتر است دولت ابزارهای لازم برای دستیابی به یک تجارت موفق را در اختیار بخش خصوصی قرار دهد و با ابزارهای نظارتی بر انجام مناسب این تجارت اشراف داشته باشد.

بخش خصوصی درحال‌حاضر نیز توانایی و امکان اجرای فعالیت‌های تجاری را دارد و می‌تواند در این زمینه موفق باشد. اما دولت با راهکارهایی مثل شرکت بازرگانی داخلی خود انحصار را موارد خاص در اختیار می‌گیرد؛ انحصاری که بالاخره باید یک روز شکسته شود. از گذشته نیز هر وقت شرکت بازرگانی دولتی در بازار مداخله می‌کرد، قیمت‌ها در بازار افزایش می‌یافت در حالی که با شکسته شدن انحصار و راهیابی بخش خصوصی به این حوزه می‌توان شرایط بهتری را در واردات تجربه کرد. درواقع دولت تنها زمانی وارد نقش‌آفرینی‌های اجرایی در این حوزه شود که کشور در تنگنا و شرایط اضطراری قرار داشت.

بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که تجارت کشور با این رویه غلط و سهم بیش از اندازه دولت در تجارت خو کرده و بازگشت به مسیر صحیح کار دشواری است اما معتقدم این کار چندان هم سخت نیست زیرا بسیاری از شرایط نامساعد کشور در حوزه بازرگانی به دست خود ما ایجاد شده است و اصلاح این موارد می‌تواند ما را به یک تجارت سالم و شفاف رهنمون کند. پس اگر مواردی مانند تخصیص ارزهای سوبسیدی از تجارت کشور حذف شوند و امکان تخلف و فساد و رانت کاهش یابد، می‌توان به ادامه این مسیر در شرایط مطلوب‌تر امید داشت.

درحال‌حاضر غیر از خریدهای مواد شرکت‌های دولتی و دولت که همچنان انجام می‌شوند، بقیه خریدها توسط بخش خصوصی انجام می‌شود. در این شرایط می‌توان با رفع انحصارها، این مبادلات را نیز به فعالان بخش خصوصی سپرد تا به شکل رقابتی و شفاف با تامین ارز توسط دولت، در روند فعالیت بخش خصوصی انجام شود.

دولت باید به جای سهم گسترده‌ای که در حوزه تجارت دارد، به بخش خصوصی اعتماد کند و حتی واردات و تامین کالاهای اساسی استراتژیک را به آنها سپرد؛ البته این واگذاری نباید از طریق ارز سوبسیدی باشد بلکه باید ارز با نرخ واقعی به واردکننده تعلق گیرد و کالا پس از واردات، توسط دولت خریداری شود و با قیمت‌های مورد نظر در بازار توزیع شود.

در بخش صادرات نیز دولت نباید مجری تجارت باشد بلکه باید شرایط را برای بخش خصوصی فراهم کند؛ بخش خصوصی ما در حوزه تجارت با توجه به شرایط کنونی در مباحثی مانند شناسایی بازارهای هدف، رایزنی‌های تجاری و ایجاد فضای تجاری مطلوب در سایر کشورها دچار مشکلات فراوانی هستند که می‌تواند با برنامه‌ریزی‌های منطقی، این مشکلات را برطرف کند و مسیر را برای تجارت کشور بگشاید.

در کل همواره سهم دولت در حوزه تجارت کشور -چه در حوزه واردات و چه در حوزه صادرات- بیشتر از آنکه مربوط به مواردی اجرایی باشد، معطوف به سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های این بخش و در ادامه حمایت و نظارت بر نحوه اجرای آنها دانست؛ البته این مسئولیت‌ها تنها در شرایطی می‌تواند در خدمت تجارت کشور باشند که اتلاف وقت و بروکراسی‌های اداری از چرخه زمان‌بر تخصیص، از این چرخه خارج شوند.

سخن پایانی

همه می‌دانند دولت‌ها در کشور تا امروز متولی قانون‌گذاری و سیاست‌های حوزه تجارت بوده‌اند و در ضمن با مداخلات خود، اجرای این سیاست‌ها را نیز عهده‌دار شده‌اند. این مداخلات اجرایی که تا امروز با توجیه نیاز کشور مسیری را طی کرده که تضعیف تجارت واقعی و طبیعی را در پی داشته است و با ترفندهای تاریخ‌مصرف‌گذشته و تکراری مانند ایجاد فضای گلخانه‌ای، محدودیت واردات و ممنوعیت‌های صادراتی تلاش کرده تا این حوزه را مدیریت کند.

با این حال، به نظر می‌رسد با توجه به وجود الگوهای موفق جهانی، توسعه‌یافتگی بخش خصوصی و تاکید چندین ساله کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصاد، وقت آن رسیده باشد که دولت چند قدم از مواضع خود در تجارت پا پس بکشد و بخش خصوصی واقعی را به میدان آورد تا شاید گره‌های کور چند سال اخیر در این حوزه با حضور و محوریت این بخش باز شود.

البته این نظر نمی‌تواند یک حکم کلی باشد و برای اجرایی شدن آن نیاز به بررسی‌های فراوانی وجود دارد. به علاوه پاگذاشتن دولت به این مسیر، احتمالا با برخی فشارها به‌ویژه در مراحل ابتدایی همراه خواهد بود که تیم اقتصادی دولت باید راهکارهایی را برای جبران این فشارها درنظر بگیرد.

و در نهایت اینکه کشور و نظام اقتصادی آن تا امروز هزینه‌های فراوانی را بابت حرکت در مسیر تجارت دولتی و ابعاد مختلف آن متحمل شده و اگر در گذشته ناپختگی بخش خصوصی توجیه این رویکرد و هزینه‌های متعاقب آن بود، امروز اوضاع فرق کرده است. فعالان اقتصاد و تجارت امروز کشور به مرحله‌ای از رشد رسیده است که موضوع تجارت را دیگر به‌عنوان یک سودآوری شخصی تلقی نکند و مباحثی مانند منافع ملی و توسعه اقتصادی را در آن درنظر بگیرد؛ که اگر این نگاه با حضور نظارتی دولت و نهادهای بالادستی همراه شود می‌تواند گام بلندی در جهت رسیدن به تجارت واقعی باشد.



عکس: آیدا فریدی

«نظارت» سهم دولت در بازار

بازار دستور نمی‌پذیرد

پیمان صفردوست: حضور و دخالت دولت در بازار از تامین تا قیمت‌گذاری، یکی از مواردی بوده که همواره مورد انتقاد کارشناسان و فعالان بازار قرار داشته است. کارشناسان اقتصادی شیوه‌های دستوری موجود در بازارهای داخلی را برای ایجاد ثبات در این عرصه کارآمد نمی‌دانند و حتی معتقدند این موارد می‌تواند اثر معکوس در بازارها بگذارد و به زیان تولیدکننده، عرضه‌کننده و مصرف‌کننده باشد. اما کارشناسان آثار منفی حضور مداخله‌گرانه دولت در بازار را چگونه تفسیر می‌کنند و برای حل این مشکل چه راهکارهایی را ارائه می‌دهند؟! با گزارش صمت در این باره همراه باشید:

رقابت رمز موفقیت بازار است



قاسم نوده فراهانی، رئیس اتاق اصناف تهران در گفت‌وگو با صمت عنوان کرد: نگاه دستوری و دولتی به بازارها سال‌هاست که از اصول اقتصاد منسوخ شده و جای خود را به روش‌های اصولی‌تر داده است. در واقع ایجاد رقابت در تولید و عرضه بهترین ابزار برای افزایش کیفیت و همچنین متعادل شدن نرخ کالاها و خدمات در بازار است و بسیاری از کشورهای پیشرفته سال‌هاست با این الگو به مدیریت بازارها و ایجاد تعادل در این حوزه پرداخته‌اند.

وی از رقابت و فضای رقابتی به‌عنوان ابزارهایی کارآمد در بازار یاد کرد و در این باره افزود: گزینه موثری که در این زمینه می‌تواند مورد توجه دست‌اندرکاران قرار گیرد، ایجاد رقابت است که البته تاکنون در این زمینه چندان موفق نبوده‌ایم و همچنان نظام دستوری را به‌کار می‌گیریم.

وی عنوان کرد: تجربه‌های شکست‌خورده در طول این سال‌ها نشان می‌دهد با حکم و دستور و ماده و تبصره نمی‌توان تعادل و توازن را به‌درستی در بازار ایجاد کرد. در مقابل برنامه‌ریزی صحیح و اجرای کامل آن و نظارت مطلوب دولتی و حاکمیتی، می‌تواند باعث بهبود این روند شود و در یک سیستم اقتصادی پویا، توانایی ظهور بسیاری از قابلیت‌های اقتصادی را ایجاد کند.

رئیس اتاق اصناف با اشاره به اینکه کشور از ابتدا اقتصاد خود را در قالبی دولتی پیش برده، درباره اصلاح وضعیت مدیریت کنونی بازار عنوان کرد: دولت می‌تواند به مرور نقش خود را در این حوزه محدودتر کرده و به بخش خصوصی برای ورود به این عرصه میدان دهد. این موضوعی است که در این سال‌ها به آن کمتر توجه و باعث شده همچنان اقتصاد کشور با یک نگرش دولتی اداره شود.

نوده فراهانی در پایان گفت: برای رسیدن به یک شیوه درست و اصولی به‌نظر می‌رسد دولت باید از تجارت دست برداشته و به‌عنوان نظارت‌کننده در این سیستم حضور داشته باشد.

ما و دولت در یک جبهه هستیم



قاسم‌علی حسنی، دبیر کل اتحادیه بنکداران مواد غذایی در گفت‌وگو با صمت درباره تاثیر نقش‌آفرینی دولت در بازار و تامین کالاها اظهار کرد: اصناف نهادی مستقل از دولت هستند که سال‌هاست در اقتصاد بازار کشور حضوری موثر و پررنگ داشته و امروز با رویکردهای نوین در همان قالب پیشین به فعالیت می‌پردازند و می‌توانند در همکاری با دولت و نهادهای دولتی یک بازار رقابتی و سالم را به نفع اقتصاد کلان کشور و حمایت از مصرف‌کنندگان شکل دهند.

حسنی در این باره با اشاره به فعالیت اصناف ذیل اهداف و سیاست‌گذاری‌های دولت تاکید کرد: گرچه اصناف همواره بر استقلال خود اصرار دارند اما در عین حال تاثیر مثبت آنها در نظام اقتصادی کشور در همکاری با دولت نمایان خواهد شد؛ بنابراین ما همواره حمایت‌های دولت از اصناف و بخش خصوصی را ضروری دانسته‌ایم. وی در توضیح این موضوع یادآور شد: اصناف امروز در بسیاری از حوزه‌ها از حالت سنتی و قدیمی خارج شده‌اند و می‌توانند در ارتباط با بازارهای جهانی، با استفاده از اعتبار خود، به واردات کالاهای مورد نیاز کشور بپردازند و نیازهای کشور را برآورده کنند، اما متاسفانه به‌نظر می‌رسد دولت با عینک بدبینی به بخش خصوصی نگاه و همواره سعی می‌کند حضور پررنگ و مداخله‌گرانه خود را در بازارها حفظ کند.

حسنی در ادامه تاکید کرد: ما نیز مانند کارشناسان اقتصادی بر این باوریم که ارز ترجیحی و اختصاص آن به واردات هیچ دردی از بازار دوا نمی‌کند و کمترین اثر را بر سفره مصرف‌کننده دارد. ما معتقدیم بخش خصوصی می‌تواند تامین کالاهای مورد نیاز بازار را با ارز آزاد بر عهده بگیرد و قیمت‌گذاری در این بخش را نیز براساس نظام عرضه و تقاضا انجام دهد. در این صورت نه نیاز به بگیروببندهای اختصاص ارز ترجیحی برای تامین کالای اساسی و فسادهای همراه آن وجود دارد و نه مباحثی مانند قیمت‌گذاری‌های دستوری بی‌اثر ضرورت خواهد داشت. دبیر کل اتحادیه بنکداران مواد غذایی در بیان راهکار جبران کاهش توان خرید مصرف‌کنندگان با آزاد شدن نرخ ارز نیز تصریح کرد: امروز هم نرخ کالاهایی که به‌دست مصرف‌کننده می‌رسد باوجود اختصاص ارز ترجیحی، به اندازه نرخ آزاد است. در واقع این خصلت بازار است که با نظام چندنرخی، به‌سوی قیمت‌های بالاتر سوق یابد و بستر را برای حضور سوداگران مساعد کند.

وی در این زمینه خاطرنشان کرد: دولت به‌جای حضور در بخش‌های اجرایی و پیاده کردن نظام دستوری برای کنترل قیمت‌ها، می‌تواند با برنامه‌ریزی مناسب یارانه موردنظر خود را به‌صورت ریالی در قالب‌های مختلف در اختیار مصرف‌کنندگان بگذارد و به این ترتیب هم نیاز به دستور و ضرب و زور در بازار از بین می‌رود و هم مصرف‌کنندگان تاثیر یارانه‌ها را بهتر و بیشتر حس می‌کنند.دبیر کل اتحادیه بنکداران مواد غذایی در ادامه عنوان کرد: اقتصاد کشور در شرایطی قرار دارد که اصناف را در شکننده‌ترین موقعیت ممکن قرار داده و به‌نظر می‌رسد پس از این سال‌های دراز آزمون و خطا، نهادهای اجرایی دیگر به این نتیجه رسیده باشند که به‌جای برخوردهای قهری و دستوری در اقتصاد می‌توان سکان بازار را به‌دست بخش خصوصی سپرد. اگر دولت این شیوه را حداقل برای یک دوره در دستور کار خود قرار دهد قطعا به نتایج بسیار مطلوب‌تری نسبت به آنچه تا امروز با آن مواجه بوده‌ایم خواهد رسید. حسنی در پایان گفت: اصناف در طول این سال‌ها همواره نشان داده‌اند که بیشترین تعامل را با نهادهای بالادستی و دولت داشته‌اند و حتی در شرایطی که با بحران‌های مالی مواجه بوده‌اند، همکاری مطلوبی را برای بهبود فضای جامعه داشته‌اند.

سخن پایانی...

گرچه هر جراحی اقتصادی دارای سختی‌های خاص خود است اما می‌توان با به جان خریدن برخی سختی‌های مسیر، شیوه‌های بهتری را برای تنظیم بازار و قیمت‌گذاری کالاها انتخاب کرد. البته ایجاد این نوع تغییرات آن هم در نظام اقتصادی متزلزلی مثل اقتصاد کشور ما دشواری‌های خود را خواهد داشت و باید دید که آیا دولت سیزدهم می‌تواند مسئولیت چنین تغییراتی را بر عهده بگیرد یا خیر.

در هر حال اقتصاد کشور با تمام جدایی‌هایی که از اقتصاد جهانی دارد، دیر یا زود باید خود را با اصول منطقی بازار منطبق کند و عبور از قیمت‌گذاری دستوری و رسیدن به شیوه‌های منطقی این کار، مسیری است که بالاخره باید آن را بپذیریم و هرچه زودتر دست به این جراحی بزنیم، درد و خونریزی آن کمتر خواهد بود.

آگهی تجدید فراخوان مناقصه یک مرحله‌ای نوبت دوم (۳۲-۰۰)

نوبت اول شناسه ۱۱۸۴۱۶۵

شرکت گاز استان مرکزی

کدپایگاه ملی: ۵۳۰۹۴۵۲۹

۱- موضوع مناقصه: شرکت گاز استان مرکزی در نظر دارد، احداث ابنیه و مکانیکال CGS-TBS دوم زاویه، دیوارکشی ایستگاه TBS خیابان فلاحت ساوه، گازرسانی به روستای فیض‌آباد، گازرسانی به تولیدی آجر فشاری شمس‌آباد از واحدهای مشمول مصوبات شورای اقتصاد شهرستان زرندیه را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد صلاحیت واگذار نماید.

- **شرح مختصر پروژه:** (اجرای ۲۲۸ متر خط انتقال و تغذیه، اجرای ۶۱۷۲ متر شبکه پلی‌اتیلن، احداث ابنیه و مکانیکال CGS-TBS دوم زاویه، دیوارکشی ایستگاه TBS خیابان فلاحت ساوه و...)

۲- مناقصه‌گزار: شرکت گاز استان مرکزی

۳- میزان و نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: برابر مصوبه هیئت دولت به شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ و به مبلغ ۱،۸۸۸،۰۳۸،۰۰۰ ریال خواهد بود.

۴- پروژه فاقد پیش پرداخت می‌باشد.

۵- محل و مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و گشایش پیشنهادها:

- **محل دریافت اسناد ارزیابی کیفی:** محل دریافت اسناد، سامانه «ستاد» www.setadiran.ir می‌باشد.
- **مهلت تحویل اسناد ارزیابی کیفی:** آخرین مهلت ارسال اسناد ارزیابی، ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۲۴ از طریق سامانه "ستاد" www.setadiran.ir می‌باشد.
- **زمان ارسال مدارک مناقصه:** پس ازمرحله ارزیابی کیفی، مناقصه‌گرانی که حائز حداقل امتیاز ارزیابی کیفی شده‌اند، در مراحل بعدی مناقصه شرکت می‌نمایند.
- رعایت قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی الزامی است. قیمت‌ها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد.
- **زمان گشایش پاکات:** در اسناد مناقصه ذکر می گردد.

۶- مبلغ برآوردی و پیشنهادی تقریبی دستگاه مناقصه‌گزار: به مبلغ ۳۷،۷۶۰،۷۴۰،۹۹۰ ریال بر اساس فهارس بهای تخصصی نفت و گاز منتشره سال ۹۹ (بخش گازرسانی و اجرای مکانیکال پروژه) و فهرست بهای ابنیه منتشره سال ۱۴۰۰ (بخش ابنیه پروژه) می‌باشد.

۷- پیمانکاران بایستی دارای گواهینامه ایمنی از اداره کار، گواهینامه صلاحیت در رشته تاسیسات وتجهیزات و ابنیه، کد اقتصادی، کد کاربری پایگاه ملی مناقصات و دارای گواهی امضای الکترونیکی در سامانه www.setadiran.ir باشند.

مناقصه‌گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به وب‌سایت پایگاه اطلاع‌رسانی WWW.shana.ir مراجعه و یا با شماره تلفن‌های ۳۲۴۱۲۰۸۱-۰۸۶ امور قراردادهای شرکت گاز استان مرکزی تماس حاصل فرمایند.

تلفکس: ۳۲۷۷۶۶۶۰-۰۸۶

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۰۶/۱۵

روابط عمومی شرکت گاز استان مرکزی

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

نوبت اول

شرکت فولاد خوزستان «سهامی عام»

شماره: ۵۲۴۳۵۳۹۲

مناقصه‌گزار: شرکت فولاد خوزستان

شرح مناقصه: پروژه تامین اکسیژن و کف‌سازی محوطه قراضه به روش PC

نوع مناقصه: عمومی یک‌مرحله‌ای

مدت زمان: ۲۴ ماه

مهلت اعلام آمادگی: تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۲۰ (با ارسال ایمیل به نشانی زیر)

داوطلبان شرکت در مناقصه با مراجعه به وب‌سایت pim.ksc.ir ضمن ثبت‌نام و درج کلیه اطلاعات عمومی و تکمیلی خود، مستندات و مدارک لازم خود را پیوست نمایند.

دریافت اسناد مناقصه (پس از تائید کمیته ارزیابی تامین‌کنندگان) از تاریخ ۱۴۰۰/۰۶/۳۰ به مدت دو روز در قبال واریز مبلغ ۵۰۰،۰۰۰ ریال (غیرقابل استرداد) به صورت آنلاین از طریق آدرس pim.ksc.ir (پس از ورود به سیستم با نام کاربری و رمز عبور/ منوی مناقصات/ عملیات/ خرید اسناد تخصصی)

دریافت الکترونیک فایل اسناد تخصصی مناقصه از طریق آدرس pim.ksc.ir (پس از ورود به سیستم با نام کاربری و رمز عبور/ منوی مناقصات/ عملیات/ اسناد تخصصی)

تاریخ تحویل پیشنهادات: روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۱۷

تاریخ گشایش پاکات پیشنهاد قیمت/ فنی: روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۱۸

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۶،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال

نوع تضمین: ۱) ضمانتنامه معتبر بانکی ۲) چک تضمینی و یا واریز مبلغ در وجه شرکت فولاد خوزستان ۳) انجام بلوکه مالی از مطالبات شرکت‌کننده نزد فولاد خوزستان

نشانی شرکت: اهواز- کیلومتر ۱۰ جاده اهواز بندر امام، شرکت فولاد خوزستان. **مدیریت:** خرید خدمات و قراردادها

تلفن: ۰۶۱-۳۲۱۳-۶۴۶۱ **ایمیل:** n.dosti@ksc.ir

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶

روابط عمومی شرکت فولاد خوزستان





دبیر اتاق بازرگانی ایران و عراق در گفت‌وگو با صمت تشریح کرد

برگ برنده صادرات ایران به عراق



تا کنون دو نمایشگاه مجازی میان فعالان تجاری و اقتصادی دو کشور برگزار شده اما مورد استقبال قابل‌توجهی قرار نگرفته است. در شرایط امروزی یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ما در راستای توسعه بازار ایران در کشور عراق فعال نبودن نمایشگاه‌هاست

سهیل فرزین: توسعه تجارت با کشورهای منطقه به‌ویژه همسایگان، از آنجا که موجب کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری با کشورهای منطقه و جهان می‌شود، دارای اهمیتی بسیار بالایی است. کشور عراق به‌واسطه نزدیکی جغرافیایی، فرهنگی و دینی با ایران و همچنین نیاز گسترده این کشور به اقلام و کالاهای اساسی در حوزه‌های گوناگون مانند خدمات فنی‌مهندسی، ساختمان، انرژی و... به یکی از بازارهای بزرگ صادراتی برای کشورهای منطقه تبدیل شده است. این کشور به‌دلیل در اختیار داشتن منابع نفتی، موقعیت فوق‌العاده مهم ترانزیتی، ظرفیت بالای کشاورزی و جذب خیل عظیمی از زوار، کشور بسیار ثروتمندی به‌شمار می‌رود. به همین دلیل رقابت شدیدی میان کشورهای گوناگون برای حضور در بازار این کشور شکل گرفته است.

اما آخرین وضعیت مبادلات تجاری ایران با این کشور به چه صورت است و ایران تا چه اندازه موفق شده از این بازار صادراتی سهم داشته باشد؟ در همین راستا گفت‌وگویی با سیدحمید حسینی، دبیر اتاق بازرگانی ایران و عراق ترتیب داده‌ایم که در ادامه مطالعه خواهید کرد.



◉ جدیدترین جزئیات مبادلات تجاری ایران و عراق را تشریح کنید.

براساس آمار منتشرشده از گمرک جمهوری اسلامی ایران در ۵ ماه گذشته حدود ۳ میلیارد و ۱۶۰ میلیون دلار صادرات به کشور عراق داشته‌ایم و در مقابل با رشدی حدود ۳ برابری رقمی حدود ۱۴۰ میلیون دلار انواع محصولات مانند گندم دامی و برخی ضایعات و اقلام متفاوت از این کشور وارد کرده‌ایم.

به‌طور متوسط در ۵ ماهه نخست سال جاری بیش از ۶۰۰ میلیون دلار صادرات به عراق داشته‌ایم که رقم قابل‌قبولی است. البته ظرفیت و گنجایش ما برای افزایش این میزان وجود دارد و باید به ارقام بالاتری دست پیدا کنیم.

◉ عمده کالاهای صادراتی ایران به عراق چه کالاهایی هستند؟

عمده کالاهای صادراتی ما به عراق در خوزه انرژی است. البته در سال جاری بنا به‌دلایل متعدد از حجم صادرات انرژی ایران که اقلامی مانند برق، گاز، گازوئیل، برق و دیگر فرآورده‌های نفتی است، کاسته شده است. بعد از صادرات انرژی بیشترین کالایی که از نظر ارزشی به کشور عراق صادر می‌شود، لوازم ساختمانی است. در این حوزه نیز تمام اقلام ساختمانی از جمله میلگرد، سنگ، کاشی، سرامیک، شیشه، آهک، سیمان و... به عراق صادر می‌شود. انواع مواد غذایی و میوه‌وتره‌بار نیز در رده سوم عمده کالاهای صادراتی ایران به عراق است.

◉ کدام صنایع در عراق نیاز به ارتقا دارند؟

عراق در شرایط فعلی به‌شدت به‌دنبال حمایت از تولید داخلی است و در همین راستا برخی از صنایع سبک مانند نوشابه، دوغ و بستنی را خودشان تولید می‌کنند؛ بنابراین به‌زودی این محصولات از سبد صادراتی ایران به این کشور حذف خواهد شد و باید به سمت صادرات محصولات های‌تک و صنایع سنگین که عراق تا آینده‌ای دور شانسی در تولید آنها نخواهد داشت، حرکت کنیم.

◉ اوضاع اقتصادی و اجتماعی عراق در حال حاضر چگونه است؟

میزان صادرات و قیمت نفت این کشور به‌دلیل تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های اوپک به‌شدت کاهش پیدا کرده بود؛ بنابراین درآمدهای نفتی این کشور با کاهشی چشمگیر روبه‌رو شد. عراق سال‌های سخت را تقریبا پشت سر گذاشته و امروزه درآمد ماهانه این کشور به بالای ۵ میلیارد دلار رسیده است و از این درآمد در راستای احیای وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم بهره برده‌اند. در همین راستا، برخی از پروژه‌های مهم این کشور فعال و بازسازی شهرها آغاز شده است. در سال جاری بازار عراق از وضعیت بهتری برخوردار است گرچه در حال حاضر به‌دلیل انتخابات دو ماه آینده با التهاباتی همراه شده است. گفتنی است این انتخابات با تغییراتی که در نحوه برگزاری آن به وجود آمده از حساسیت بیشتری برخوردار است.

◉ بسترهای برگزاری نمایشگاه در عراق چگونه است؟

کشور عراق نیز مانند تمام کشورهای دنیا درگیر شیوع ویروس کرونا و چالش‌های پیرامون آن مانند رعایت پروتکل‌های بهداشتی و مواردی از این قبیل شده است. با توجه به این موضوع، نمایشگاه‌های رسمی و بین‌المللی تا اطلاع ثانوی در این کشور برگزار نمی‌شود. فقط اقلیم کردستان در این کشور تاکنون میزبان چند رویداد نمایشگاهی بوده که هم‌اکنون نیز نمایشگاه اختصاصی ایران در سلیمانیه در حال برگزاری است. اما دیگر شهرهای این کشور تا کنون آمادگی لازم برای برگزاری رویدادهای نمایشگاهی را ندارند. براساس آمار اعلام شده از کشور عراق، تعداد فوتی‌های این کشور از زمان شیوع ویروس کرونا تاکنون ۱۷۰ هزار نفر افزایش پیدا کرده است. این امر نشان‌دهنده تعداد بالای فوت‌شدگان کرونایی و وضعیت وخیم این کشور از نظر مدیریت شیوع این ویروس کشنده است. گفتنی است کشور عراق عدد و رقم درستی از میزان فوت‌شدگان بر اثر کرونا ارائه نمی‌کند و بسیاری از مردم نیز پس از مبتلا شدن به بیمارستان مراجعه نمی‌کنند و در آمارهای رسمی نیز به‌شمار نمی‌آیند.

تا کنون دو نمایشگاه مجازی میان فعالان تجاری و اقتصادی دو کشور برگزار شده اما مورد استقبال قابل‌توجهی قرار نگرفته است. در شرایط امروزی یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ما در راستای توسعه بازار ایران در کشور عراق فعال نبودن نمایشگاه‌هاست، چراکه این امر موجب می‌شود بنگاه‌ها و فعالان تجاری جدیدی که قصد ورود به بازار بزرگ عراق را دارند با مشکلات و چالش‌های بزرگ مواجه شوند و کار بسیار سختی را در پیش داشته باشند.

◉ وضعیت توسعه اقتصادی و گردشگری در دو شهر مذهبی کربلا و نجف چگونه است؟

باید به این نکته توجه داشته باشیم که عموما وضعیت دو شهر کربلا و نجف را با وضعیت مشهد و قم در کشور خودمان مقایسه می‌کنند. شهر مشهد در ایران همان کربلا در کشور عراق است. این دو شهر به‌شدت توسعه‌یافته هستند و هنوز جای توسعه دارند اما نجف و قم با اینکه از نظر مذهبی جزو شهرهای مهم به‌شمار می‌آیند، هنوز به توسعه لازم دست پیدا نکرده‌اند؛ بنابراین کربلا از همه نظر در حال توسعه و رشد است. هم سرمایه‌گذاری در این شهر نسبت به دیگر شهرهای عراق بهتر انجام می‌شود و هم ساخت‌وساز شهری بیشتری دارد. از سویی به علت ورود گردشگران و مسافران به این شهر تعداد هتل‌های ساخته‌شده در این شهر افزایش پیدا کرده و به‌تازگی نیز اقدام به ساخت فرودگاه در این شهر شده است. کربلا شهری است که در مسائل سیاسی عراق نفوذ پیدا کرده و از همین جهت پیش‌بینی می‌شود آینده روشنی در انتظار این شهر باشد.

نوبت دوم

آگهی مناقصه عمومی دومرحله ای همراه با ارزیابی کیفی مناقصه شماره WSS-9950002

شرکت نفت و گاز پارس

شرکت نفت و گاز پارس در نظر دارد خرید ۱۲ قلم (۷۶۳۷۶ لیتر) روغن مورد نیاز خود را با برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله ای طبق شرایط زیر از طریق یک شرکت واجد صلاحیت تأمین نماید.

شرایط و مدارک لازم جهت دریافت استعلام ارزیابی کیفی:

الف) داشتن تجربه کافی و مرتبط با موضوع کار

ب) اساسنامه، اظهارنامه ثبت شرکت و آخرین آگهی تغییرات (مندرج در روزنامه رسمی)

ج) ارائه کد اقتصادی، شناسه ملی

از کلیه اشخاص حقوقی واجد شرایط دعوت می‌گردد بلافاصله پس از چاپ آگهی اول و حداکثر ۳ (سه) روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم تا پایان ساعت اداری، از طریق سامانه تدارکاتی الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی اینترنتی WWW.SETADIRAN.IR قسمت سامانه مناقصات مراجعه نموده و پس از اخذ کد کاربری و رمز عبور نسبت به دریافت اسناد اقدام نمایند.

کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت انجام خواهد شد.

لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه‌گران ارسال خواهد شد.

• کالای مورد درخواست وفق مشخصات فنی سازنده اصلی می‌بایست از سازندگان داخلی پیشنهاد و تامین گردد.

• نظر به اینکه به استناد بخشنامه معاون محترم مهندسی، پژوهش و فناوری وزارت نفت، به شماره ۹۷/۲۱۳۹۴۳ مورخ ۱۳۹۷/۵/۱۰، کلیه خرید های شرکت‌های تابعه وزارت نفت در تمامی سطوح معامله بایستی از طریق سامانه تأمین الکترونیکی کالای صنعت نفت (EP) صورت پذیرد، انعقاد قرارداد و انجام خرید صرفاً با تأمین‌کنندگانی که نام آن‌ها در فهرست بلند سامانه مذکور قرار دارد، امکان‌پذیر است. بنابراین مناقصه‌گر موظف به انجام تشریفات لازم جهت قرارگرفتن در فهرست سامانه مذکور تا تاریخ انعقاد قرارداد بوده و هرگونه تبعات ناشی از عدم رعایت مقررات فوق، متوجه مناقصه‌گر خواهد بود.

• آخرین مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی: دو هفته پس از آخرین مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی در سامانه مذکور بارگذاری نمایند.

• تاریخ و محل تحویل اسناد مناقصه: متعاقبا به اطلاع واجدین شرایط خواهد رسید.

• آخرین مهلت تحویل پیشنهاد و تاریخ گشایش پیشنهادها: طبق تاریخ های مندرج در اسناد مناقصه.

• لازم به ذکر است پیشنهادهای ارائه شده توسط مناقصه‌گران می‌بایست حداقل تا ۳ ماه از تاریخ تحویل پیشنهاد مالی معتبر باشد.

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر، متقاضیان می‌توانند با شماره تلفن ۵ و ۸۳۷۶۲۶۰۴-۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

• اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:

مرکز تماس: ۴۱۹۳۴-۰۲۱

دفتر ثبت‌نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

شرکت نفت و گاز پارس – روابط عمومی

شناسه آگهی ۱۱۸۲۸۹۸

نوبت اول

شناسه ۱۱۸۳۳۲۱

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد خدمات مورد نیاز خود را با شرایط ذیل بصورت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تامین نماید:

شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۰۰۰۹۳۴۹۸۰۰۰۲۶۶
شماره مناقصه	۰۰/۳۸۵
موضوع مناقصه	خدمات نگهداری و تعمیرات ادوات و تجهیزات کنترل و ابزاردقیق،تأسیسات سیستمها،تجهیزات وادوات الکتریکی پالایشگاه سوم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی
مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	۱۸,۹۲۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال
نوع تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار بصورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین‌نامه تضمین شماره ۱۲۲۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ه مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران می‌باشد.
مبلغ برآورد انجام خدمات	۷۵۱,۱۵۹,۸۵۲,۰۸۰ ریال
آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی در سامانه ستاد	۵ روز پس از درج نوبت دوم آگهی در صفحه اعلان عمومی سامانه ستاد ایران می‌باشد.
آخرین مهلت بارگذاری و ارسال مستندات ارزیابی کیفی (رزومه) در سامانه ستاد	حداکثر ظرف مدت دو هفته پس از انقضای مهلت دریافت اسناد می‌باشد.
آخرین مهلت بارگزاری پیشنهادات مالی در سامانه ستاد	مطابق دعوتنامه ارسالی در سامانه ستاد ایران می‌باشد(پس از فرایند ارزیابی کیفی)
آدرس مناقصه‌گزار	استان بوشهر- شهرستان عسلویه- پالایشگاه سوم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی- ساختمان عملیات-خدمات پیمان‌ها

بدیهی است کلیه فرآیند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: WWW.SETADIRAN.IR انجام می‌پذیرد وبه پیشنهادهای خارج از سامانه ستاد هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه گران بایستی نسبت به ثبت‌نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند. مناقصه گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SETADIRAN.IR مراجعه و یا با شماره تلفن‌های ۰۷۷۳۱۳۱۵۶۲۹-۵۰۶۶ تماس حاصل فرمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

www.Gostaresh.news



آخرین اخبار و تازه ترین تحلیل ها را در پایگاه خبری «گسترش نیوز» دنبال کنید

دریچه

بین‌المللی شدن شهر و چالش‌هایی که ارزشش را دارد!

نقش‌آفرینی در عرصه بین‌المللی همواره به‌عنوان یک ارزش و فضیلت برای نهادهای مختلف شناخته می‌شود. این میدان برای برخی جایگاه تعریف‌شده‌ای دارد و با نقشه راه مدنظر خود سعی می‌کنند بیشترین بهره را محقق سازند و برخی دیگر در جست‌وجوی نقش و جایگاهی هستند.

به گزارش صمت از اصفهان، اهمیت و توسعه روزافزون روابط بین‌المللی برای شهرها موجب شده است تا شهردار و شهرداری یک بازیگر مهم نظام بین‌المللی باشند و نقشی را ایفا کنند که هر روز طولانی‌تر و پیچیده‌تر از دیروز است و استمرار موفقیت در آن نیازمند توجه به ظرایف بیشتری است.

دیپلماسی شهری که شاید عده‌ای آن را رویکردی زینتی تلقی کنند، یا نهایتا رهگذری برای معرفی شهرها تا شاید فرصت‌هایی را برای توسعه اقتصادی و گردشگری فراهم آورد، راهبردی کلان برای توسعه ملی است که شهرها گاهی در کنار، گاهی در پیش رو و گاهی به دنبال نهادهای متولی سیاست خارجی کشور اهداف ملی را در عرصه بین‌المللی پی می‌گیرند.

پویایی شهر صرفا دلالت بر نشاط شهروندان و پیوستگی کار و تلاش شهری در محیطی خلاق نیست بلکه معنای موسع آن، شهری با جریان مستمر و رفت‌وبرگشتی با دیگر شهرهای جهان است. از این رو، اگر پویایی شهری یک اولویت تلقی شود، توسعه همه‌جانبه مناسبات بین‌المللی شهر نیز باید در برنامه چشم‌انداز شهری به‌روشنی دیده شود و برنامه‌ریزی لازم در هر ۳ سطح راهبردی، فرآیندی و لجستیکی دنبال شود.

شهرداری اصفهان با عنایت به تجربیات گذشته، همواره بین‌المللی شدن شهر را اولویت و ضرورت خود دانسته و خواسته است به طور مستمر گام‌های بلندتری را در این عرصه بردارد. این استمرار سبب شده اصفهان امروز علاوه‌بر پیگیری اجرای پروژه‌های خطیر در چارچوب‌های دوجانبه و چندجانبه با شهرهای جهان و سازمان‌های بین‌المللی به دنبال تکمیل زنجیره لجستیک مناسبات بین‌المللی نیز باشد.

مرکز همایش‌های بین‌المللی اصفهان با هدف برگزاری شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در عالی‌ترین کیفیت معماری جهانی برای میزبانی از اجلاس بین‌المللی در سطح سران طراحی و عملیات احداث آن در سال ۱۳۹۰ آغاز شد. این پروژه باوجود تغییر شهر برگزاری، توسط شهرداری اصفهان ادامه یافت و با وجود تمامی موانع و دشواری‌ها در شرف افتتاح است. شهرداری اصفهان از ابتدای کار هدف خود را صرفا بربنای ساختمانی برای برگزاری اجلاس و همایش‌ها نگذاشت، بلکه ایجاد مراکز همکاری‌های بین‌المللی در منتهی‌الیه شرقی شهر را در ماموریت خود تعریف کرد تا ضمن توسعه روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، اساسا میزبانی از نشست‌های بین‌المللی در اصفهان و مرکز همایش‌های این شهر موضوعیت داشته باشد.

فاصله نزدیک با نمایشگاه بین‌المللی اصفهان، اجرای پروژه مرکز تجارت جهانی اتاق بازرگانی، دسترسی به محورهای اصلی ترافیکی، پیش‌بینی امکانات رفاهی و اقامتی همچون هتل ۵ ستاره و مرکز خرید و همچنین برنامه‌هایی که برای ابتکارات تبادل فرهنگی در دستور کار قرار دارد، باعث شده این مجموعه به‌زودی به شهرکی برخوردار از تمام امکانات لازم برای تقویت ارتباطات جهانی تبدیل شود و زمینه‌ساز توسعه همکاری‌های چندجانبه بین‌المللی باشد.

حلقه گمشده برای توسعه همکاری‌های بین‌المللی برای کلان شهرهای غیرپایتخت، روابط کنسولی و نیز فرصت حقیقی نقش‌آفرینی در عرصه‌های غیرحاکمیتی دیپلماسی است؛ در حقیقت دیپلماسی شهری به‌عنوان بخشی اساسی و نه تزئینی از دیپلماسی عمومی کشور شناسایی شده و حتی در مواردی اجازه قدم برداشتن مستقل داده شود تا دیپلماسی شهری بتواند از ظرفیت‌های خود برای کمک به مسائل کشور استفاده کند.

شهرداری اصفهان به‌عنوان اقدام تکمیلی خود برای ایجاد یک زنجیره کامل روابط بین‌المللی در صدد ایجاد نخستین منطقه دیپلماتیک کشور است چراکه ضمن اهمیت فراوان امکان ارتباط مستقیم کلانشهرها با کشورها، وجود امکانات کنسولی به توسعه گردشگری و سرمایه‌گذاری خارجی کمک شایان می‌نماید و حتی به شهروندان انگیزه دنبال کردن روابطی پویا با کشورها را می‌دهد.

برای برخی ممکن است این تلقی وجود داشته باشد که در شرایط روابط خارجی نه چندان متراکم، چه ضرورتی برای چنین اقداماتی در شهرهای غیر پایتخت وجود دارد؟ توسعه همه‌جانبه ایجاب می‌کند تا در سال‌های کم‌تحرکی جاده‌هایی بنا شوند تا با اوج گرفتن مناسبات خودرو دیپلماسی در کمترین زمان بتواند به حداکثر سرعت برسد.

در مسیر بین‌المللی شدن هر قدم ملاحظات بیشتری در مقایسه با قدم پیشین دارد و پیمودن این راه ریسک‌پذیری و همراهی نهادهای گوناگون را طلب می‌کند، در عین حال هزینه‌هایی دارد که برخی از آنها حقیقی و به صورت مستقیم و غیرمستقیم است اما برخی دیگر هزینه‌های ذهنی است، چون باید از ذهنیت‌های پیشین و تردیدها عبور کنیم.

پروژه منطقه دیپلماتیک اصفهان فرصتی است تا اقدامی ساختاری در مرکز ایران برای تقویت روابط بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران عملیاتی شود و نهادهای مختلف در فرصتی بدیع همکاری مشترک در خارج از تهران را تجربه کنند؛ در شرایطی که شهرداری اصفهان به‌عنوان بانی و پیشنهاددهنده آمادگی دارد از تمام اقدامات برای فراهم کردن ملزومات این ابتکار حمایت کند.

رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت یزد تاکید کرد

لزوم فوریت در واکسیناسیون کارگران کارخانجات

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir


علی‌اکبر کلانتر

رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت استان یزد خواستار در اولویت قرار گرفتن کارگران و کارکنان واحدهای تولیدی و کارخانجات استان برای واکسیناسیون شد.

به گزارش روابط‌عمومی خانه صنعت، معدن و تجارت استان یزد، سید علی‌اکبر کلانتر با اشاره به اینکه در بیشتر فعالیت‌های تولیدی صنعتی، رعایت فاصله اجتماعی تقریبا غیرممکن بوده و باتوجه به جوان بودن اغلب شاغلان صنعت، ضوابط فعلی نوبت‌دهی واکسیناسیون وزارت بهداشت شامل آنها نمی‌شود، خواستار واکسیناسیون کارگران و کارکنان واحدهای تولیدی و کارخانجات استان شد.

در نامه نگاری رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت استان یزد آمده است:

به دلیل جهش‌های مکرر کرونا ویروس، پیک‌های مختلف پشت‌سر هم فرامی‌رسند و این بیماری مهلک قرن پایان ندارد، کرونای دلتا با شدت زیاد همه کشور را دربر گرفته، تخت‌های بیمارستان‌ها پر است و یکی از بالاترین سرانه‌های مرگ ناشی از این ویروس در جهان را تجربه می‌کنیم به گونه‌ای که ستاد ملی کرونا ناچار به تعطیل عمومی کشور شد و بر اساس همین تصمیم، صنایع و برخی دیگر از مشاغل به ضرورت و برای اینکه کمبودی در کشور ایجاد نشود تعطیل نشدند.

در ادامه این نامه آمده است: بیش از ۵۰ درصد اشتغال استان از ناحیه واحدهای صنعتی و صنوف تولیدی است که براساس تصمیم ستاد ملی کرونا تعطیل نیستند. علاوه‌بر این، در بیشتر فعالیت‌های تولیدی رعایت فاصله اجتماعی تقریبا غیرممکن است، کارگران و کارکنان واحدهای تولیدی به ناچار در اتوبوس‌ها و سرویس‌های ایاب و ذهاب، مسیرهای نیم تا یک ساعته را همه روزه در کنار هم طی می‌کنند، لذا امکان بیمار شدن آنان بیشتر است، جمعیت کثیری از مردم استان به دلیل ضرورت شغلی در معرض واگیری قرار دارند واقعا این تعطیلی‌ها چقدر موثر است؟ آیا اهداف مورد نظر در کنترل پاندمی کرونا را برآورده خواهد کرد؟ آیا با توجه به سیاست‌های فعلی اولویت‌گذاری واکسیناسیون، قبل از تزریق دوز دوم واکسن به ۷۰ درصد مردم و رسیدن به نقطه امن، چنانچه پیک‌های ششم و هفتم فرابرسد این تعطیلی‌های نیم‌بند قادر به تاثیر کافی و وافی خواهد بود؟ به نظر می‌رسد تنها راه کنترل همه گیری این بیماری علاوه‌بر رعایت پروتکل‌ها، واکسیناسیون کسانی است که اجبار به حضور در مجامع عمومی و محل کار خود را دارند. واکسیناسیون کارگران که از مظلوم‌ترین اقشار جامعه هستند و بیشترین فشار تورم بر شانه‌های خسته و نحیف آنان است، وضعیت معیشت آنها اگر نگوییم بدترین حداقل یکی از پایین‌ترین‌هاست. خدمات اجتماعی و رفاهی دولتی این قشر هم متاسفانه از اقشار دیگر جامعه بسیار کمتر است و خدای ناکرده چنانچه اتفاقی برای آنان بیفتد خانواده‌هایشان در معرض بیشترین آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی قرار می‌گیرند.



> در بیشتر فعالیت‌های تولیدی صنعتی، رعایت فاصله اجتماعی تقریبا غیرممکن بوده و باتوجه به جوان بودن اغلب شاغلان صنعت، ضوابط فعلی نوبت‌دهی واکسیناسیون وزارت بهداشت شامل آنها نمی‌شود. بنابر این خواستار واکسیناسیون کارگران و کارکنان واحدهای تولیدی و کارخانجات استان هستیم

کلانتر در ادامه این نامه تاکید کرده است: با عنایت به مطالب فوق و به نمایندگی از جامعه بزرگ صنعتی استان به صورت کاملا جدی از جناب عالی به‌عنوان متولی صنعت استان و همچنین از ستاد ملی کرونا و ستاد کرونای استان صنعتی یزد انتظار داریم که با کمک و همکاری تمامی دیگر مسئولان و دست اندرکاران ذی‌ربط همه اختیار و توان خود را به کار گیرید تا واکسیناسیون کارگران کارخانجات استان به فوریت و اولویت در دستور کار قرار گیرد و به‌سرعت در تمام کارخانجات، مراکز تولیدی شهرها و شهرک‌های صنعتی استان به مرحله اجرا در آید.

بدیهی است ما نیز آمادگی خود را برای همکاری در فراهم نمودن فضا و امکانات لازم برای انجام واکسیناسیون اعلام می‌داریم.

کمک‌های اتاق بازرگانی هرمزگان به مراکز درمانی

مهین حیدری: هرمزگان، دبیرکل اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی هرمزگان گفت: در ادامه تحقق کمک‌های ۸ میلیارد تومانی اتاق بازرگانی هرمزگان به مراکز درمانی استان، محموله این کمک‌ها بعد از ورود به مرکز استان به دانشگاه علوم پزشکی استان هرمزگان تحویل داده شد.

پیام رضایی، دبیرکل اتاق بازرگانی هرمزگان در این باره اظهار کرد: این کمک‌ها شامل تخت آی‌سی‌یو، پایه سرم، میز غذاخوری بیمار، کمد کنار تخت، تخت بستری مکانیکی، دستگاه نبولایزر، دستگاه فشارسنج، دستگاه الکتروکاردیوگرافی، دستگاه مانیتور، میله آویز سرم، ترالی نبولایزر، ترالی اورژانس و دیگر اقلام بود که تحویل ستاد مرکزی پیشگیری از کرونا استان شد.

وی افزود: ورود این کمک‌ها به استان همچنان ادامه دارد و در روزهای آینده نیز شاهد رسیدن دیگر اقلام مورد نیاز مراکز درمانی به استان خواهیم بود.

دبیرکل اتاق بازرگانی هرمزگان ادامه داد: این کمک‌ها با پیگیری‌های اتاق بازرگانی هرمزگان با توجه به نیاز مبرم مراکز درمانی استان و با حمایت‌ها و کمک‌های اتاق بازرگانی ایران محقق شده است.

رضایی تاکید کرد: از ابتدای شیوع ویروس کرونا در استان اتاق بازرگانی هرمزگان و فعالان اقتصاد و بخش خصوصی بیش از ۳۰ میلیارد تومان در قالب‌های مختلف به مراکز درمانی استان کمک کرده‌اند و این کمک‌ها تا قطع شدن زنجیره کامل این بیماری در استان همچنان ادامه خواهد یافت.

افزایش نظارت بر کیفیت و استحکام سازه‌های بتنی همدان



مدیرکل استاندارد استان همدان از انعقاد تفاهمنامه‌ای با انجمن صنفی بتن آماده و فرآورده‌های بتنی خبر داد و گفت: کیفیت‌بخشی و افزایش استحکام سازه‌های بتنی مهم‌ترین هدف این همکاری است.

به گزارش صمت از همدان، محمد مددی اظهار کرد: این تفاهمنامه در راستای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال تولید، پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی‌ها تهیه و تدوین شده است. مدیرکل استاندارد استان همدان اظهار کرد: در این تفاهمنامه به دنبال هماهنگی و هم‌افزایی درباره ساماندهی، استانداردسازی تولید، عرضه، توزیع و مصرف فرآورده بتن آماده در سطح استان هستیم.

مددی با اشاره به نقش موثر انجمن صنف بتن آماده و فرآورده‌های بتنی افزود: کیفیت مصالح به کار رفته در سازه‌های بتنی موجب ایجاد بناها و ساختمان‌های مستحکم و ایمن می‌شود که استاندارد بر این مقوله حساسیت بسیاری دارد.

مدیرکل استاندارد استان همدان خاطرنشان کرد: انبوه‌سازان مسکن و صنایع مرتبط باید موضوع استانداردسازی و افزایش کیفیت ساخت‌وساز توجه ویژه داشته باشند تا موجب رضایت مردم شود.

او با اشاره به نقش تشکل‌ها در توسعه استاندارد تصریح کرد: تشکل‌های صنفی به‌عنوان متخصص و صاحب‌نظر یاریگر استاندارد هستند و این ارتباط و تعامل باید تقویت شود.

مددی رضایتمندی مشتری و مصرف‌کننده را یک سرمایه بزرگ برای تولیدکنندگان دانست و گفت: استاندارد لازمه حفظ و حراست از این سرمایه است که نباید نادیده گرفته شود. وی یادآوری کرد: اگرچه استاندارد به‌عنوان ناظر بر عملکرد تولیدکنندگان نظارت و کنترل دارد اما همواره به‌عنوان یک مشاور دلسوز در کنار بخش تولید است.

مدیرکل استاندارد استان همدان ابراز امیدواری کرد انعقاد این تفاهمنامه بتواند در ارتقای کیفیت محصولات بتنی استان و ایجاد شهرهای مستحکم با بنیان قوی موثر باشد.

مددی به واحدهای بدون مجوز و اخذ پروانه نشان استاندارد که وارد چرخه تولید شده‌اند هشدار داد در صورت تمکین نکردن به قانون علاوه‌بر مجازات‌های تعیین‌شده به رسانه‌ها نیز معرفی می‌شوند تا مردم اخلالگران در سیستم تولید وتوزیع کالاهای بی‌کیفیت و تقلبی را بشناسند.

۶۷۰ محصول در استان همدان دارای پروانه کاربرد نشان استاندارد هستند و کارشناسان استاندارد بر فرآیند تولید آنها نظارت مستمر دارد.

قدردانی فرمانده انتظامی یزد از سنگ آهن بافق



سردار بهدانی‌فرد، فرمانده انتظامی استان یزد در دیدار با مدیرعامل شرکت سنگ آهن مرکزی از مساعدت‌های مالی سنگ آهن بافق در ساخت مرکز آموزشی شیخ محمدتقی بافقی قدردانی و تشکر کرد.

به گزارش مرکز اطلاع‌رسانی شرکت سنگ‌آهن بافق، فرمانده انتظامی استان یزد با اشاره به راه‌اندازی مرکز آموزش نظامی فرعی در یزد برای جوانان متاهل افزود: ۱۳ هزار سرباز غایب در استان یزد وجود داشت که از سال گذشته با راه‌اندازی مرکز آموزشی نظامی فرعی ضمن تقویت یگان‌های خود، مشکلات این افراد نیز رسیدگی و حل شد. در این دیدار فلاح مبارکه، مدیرعامل سنگ آهن بافق نیز با بیان اینکه شرکت سنگ آهن کمک‌های لازم در جهت شروع و توسعه پروژه را انجام داده گفت: این مجموعه با توجه به ظرفیت‌هایی که در بحث ماشین‌آلات و نیروی انسانی دارد می‌تواند در کنار ناجا قرار گیرد تا بخش دیگری از پروژه را پوشش دهد.

وی یادآور شد: شرکت سنگ آهن مرکزی در راستای مسئولیت اجتماعی و کمک به مراکز آموزشی شهرستان از هیچ‌گونه کمکی دریغ نخواهد کرد و همیشه یار و پشتیبان نیروی انتظامی استان یزد بوده است.

حلقه‌ای دیگر به زنجیره تولید چادرملو افزوده شد



شرکت چادرملو که همواره در پی ایجاد ارزش افزوده در روند فعالیت‌های معدنی و صنعتی خود است با ارائه چندین طرح صنایع پایین‌دستی فولاد و اخذ مجوزهای لازم از جمله کارخانه تولید ورقه‌های آلیاژی، گام را فراتر گذاشت و با مشارکت در خرید یک واحد تولید لوازم گرمایشی و سرمایشی، حلقه‌ای دیگر به زنجیره تولیدات خود افزود.

به گزارش روابط‌عمومی چادرملو، در پی بروز مشکلات ناشی از افزایش نرخ ارز، تشدید تحریم‌ها و نبود مواد اولیه، گروه صنعتی ایساتیس تولیدکننده پکیج شوفاژ دیواری، رادیاتورهای پانلی و حوله‌ای و کولرگازی اسپلیت از حدود ۲سال پیش قادر به ادامه فعالیت نشد و در نتیجه با توقف تولید عملا این واحد نوپا و مدرن صنعتی در یزد که از تکنولوژی روز دنیا برخوردار است به مرز ورشکستگی و تعطیلی کامل کشیده شد. اما این مجموعه صنعتی با مشارکت و سرمایه‌گذاری چادرملو، شرکت آسفالت طوس و شرکت شهداب یزد از خطر تعطیلی و بیکاری حدود ۴۵۰ نیروی کار رها شد.

در مراسم واگذاری گروه صنعتی ایساتیس به سهامداران جدید، ناصر تقی‌زاده، مدیرعامل شرکت معدنی و صنعتی چادرملو با اشاره به ضرورت عمل به فرمایشات رهبر معظم انقلاب مبنی‌بر حمایت از تولید و حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی گفت: چادرملو یکی از شرکت‌های موفق در عرصه اقتصادی کشور است و ما مکلف هستیم نه‌تنها از سرمایه‌های سهامداران حقیقی و حقوقی خود صیانت کنیم بلکه نهایت تلاش خود را برای به گردش درآوردن چرخ‌های اقتصاد کشور و رونق کسب‌وکارها به عمل آوریم. بر این اساس، با درخواست مقامات و مسئولان استان بر آن شدیم تا گروه صنعتی ایساتیس را احیا کنیم.

مدیرعامل شرکت معدنی و صنعتی چادرملو افزود: با این اقدام علاوه‌بر محقق ساختن استراتژی ایجاد ارزش در چادرملو گامی عملی در مسیر رونق اقتصادی و اشتغالزایی برداشتیم.

تقی‌زاده یادآوری کرد: درحال‌حاضر اجرای ده‌ها پروژه صنعتی و زیربنایی را به ارزش ۷۰۰ هزار میلیارد ریال در دستور کار داریم و انتظار می‌رود با همکاری نهادهای اجرای استان که تاکنون نیز بسیار ارزنده بوده این طرح‌ها در استان یزد به اجرا درآید.

قدردانی از نقش پزشکان در بحران کرونا



رضا فلاح مبارکه، مدیرعامل شرکت سنگ آهن مرکزی درباره معاینات دوره‌ای کارکنان با هدف کنترل بیماری و برنامه‌ریزی برای درمان گفت: انتظار می‌رود ضمن تداوم برنامه معاینات دوره‌ای، در بحث تایید سیستمی نسخه نیز اقدامات لازم صورت گیرد. به گزارش مرکز اطلاع‌رسانی شرکت سنگ آهن مرکزی بافق، مدیر HSE شرکت نیز با ارائه گزارشی از عملکرد واحد بهداشت و درمان شرکت در طول ۵ ماه اخیر روند ابتلا به کرونا طی ۲ ماه گذشته را صعودی عنوان کرد و افزود: با تمهیداتی که اتخاذ شد از جمله لغو ماموریت‌ها، موارد مثبت کرونا رو به کاهش است. وی در بحث خدمات تایید نسخ بازنشستگان و کارکنان شرکت بیان کرد: برای حدود ۳۵ هزار و ۹۳۴ نفر تایید نسخ طی ۵ماه انجام شده است. مدیر HSE شرکت تعداد مراجعان به بهداری آهنشهر را طی ۵ ماه ۶ هزار و ۸۲۵ نفر عنوان کرد که از خدمات پزشکی، تزریقات یا پانسمان استفاده کرده‌اند و اظهار کرد: همچنین ۱۸ هزار و ۲۰۵ نفر از خدمات داروخانه استفاده کرده‌اند.

دولت در عملکرد صنایع معدنی چه جایگاهی دارد؟

سهم دولتی‌سازی در چالش‌های حاکم بر زنجیره فولاد

مرضیه احقاقی
editor@smtnews.ir

فعالیت در بخش معدن و صنایع معدنی کشور در طول سال‌های گذشته به‌شدت به دولت وابسته شده است. بخشی از این وابستگی را می‌توان ناشی از حجم قابل‌توجه سرمایه‌گذاری موردنیاز برای فعالیت در این حوزه عنوان کرد. در مواردی از ریسک بالای فعالیت در حوزه اکتشاف و معدنکاری با عنوان دلایل اصلی پررنگ شدن نقش دولت در حلقه‌های ابتدایی زنجیره تولید محصولات صنایع معدنی یاد می‌شود. با این‌وجود باید تاکید کرد که سهم دولت در حوزه معدن و صنایع معدنی بیش از انتظار رشد کرده و چالش‌هایی را پدید آورده است. ازجمله آنکه انواع حمایت‌های دولتی منوط به حلقه‌هایی شده که دولت در آنها سهم دارد. در همین حال سیاست‌گذاری‌های حاکم بر این بخش نیز با درنظر گرفتن منافع آن تعریف می‌شوند. در چنین شرایطی فعالان اقتصادی و بخش خصوصی ضمن انتقاد از وضعیت موجود بر اصلاح این روند تاکید دارند. در همین حال مصرند که بازگشت دولت به ماموریت اصلی خود یعنی سیاست‌گذاری و اجرای امور از سوی بخش تعاونی یا خصوصی، می‌تواند راهگشای بسیاری از چالش‌های کنونی حاکم بر اقتصاد کشور باشد.



عکس: صمت

فعالیت در بخش معدن و صنایع معدنی کشور در طول سال‌های گذشته به‌شدت به دولت وابسته شده که بخشی از این وابستگی را می‌توان ناشی از حجم قابل‌توجه سرمایه‌گذاری موردنیاز برای فعالیت در این حوزه دانست

الزامات کاهش نقش دولت



آنوش رحام، دبیر سندیکای تولیدکنندگان لوله و پروفیل فولادی در گفت‌وگو با صمت و در پاسخ به سوالی مبنی بر ارزیابی سهم دولت از صنایع فولاد کشور، گفت: دولت بیشترین سهم را از صنایع مادر و تولید فولاد خام در اختیار دارد. بخش خصوصی در حوزه صنایع تکمیلی و حلقه‌های انتهایی این زنجیره سرمایه‌گذاری کرده و فعالیت می‌کند و همین تقسیم‌بندی نیز منشأ چالش‌های متعددی است که امروزه روند فعالیت صنایع فولاد کشور را تحت‌تاثیر قرار داده است.

رحام خاطرنشان کرد: در واقع توجه بیش از اندازه دولت به حلقه‌های میانی این زنجیره و حمایت یک‌جانبه از صنایعی که در آن سهم دارد، به ضعف عملکردی سایر حلقه‌های زنجیره فولاد منتهی شده است. در همین حال باوجود تمام شعارهایی که درباره حمایت از تکمیل زنجیره تولید، جلوگیری از خام‌فروشی و همچنین ارزش‌افزایی داده می‌شود اما درنهایت سیاست‌ها و استراتژی‌های انتخاب‌شده، تنها از روند فعالیت و توسعه برخی حلقه‌ها که تمرکز مالکیت آنها با دولت است، پشتیبانی می‌کنند. در چنین شرایطی این صنایع از انواع یارانه‌های انرژی، مواد اولیه و... بهره‌مند می‌شوند.

این فعال صنعت فولاد در ادامه افزود: فعالیت در صنایع تکمیلی زنجیره فولاد در مقایسه با احداث واحدهای ذوب با ظرفیت بالا به سرمایه کمتری نیاز دارد و بر همین اساس نیز فعالان بخش خصوصی بر تولید محصولات نهایی فولاد متمرکز شده‌اند.

دبیر سندیکای تولیدکنندگان لوله و پروفیل فولادی گفت: تمامی موارد یادشده در حالی هستند که در دنیا، اولویت سرمایه‌گذاری از صنایع تکمیلی آغاز می‌شود. بسیاری از کشورهای بزرگ دیگر تمایلی به تولید فولاد خام ندارند، چراکه تولید این محصول میانی انرژی‌بری بسیار بالایی دارد، زمینه‌ساز آلایندگی محیط‌زیست است و درنهایت تولید آن به‌منزله مصرف منابع سنگ‌آهن و ذخایر معدنی است. درنتیجه ترجیح می‌دهند فعالیت خود را روی صنایع تکمیلی متمرکز کنند که ارزش‌افزوده بسیار بیشتری را به‌دنبال دارد.

وی افزود: علاوه بر موارد یادشده، در حال حاضر اغلب مقررات دست‌وپاگیر عملکرد صنایع تکمیلی را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. این صنایع در مسیر صادرات با چالش‌هایی روبه‌رو بوده و در همین حال، با مشکل قیمت تمام‌شده تولید نیز مواجه هستند، چراکه بهای شمش فولاد به‌عنوان محصول اولیه موردنیاز این واحدها به‌جای آنکه براساس قیمت تمام‌شده محاسبه شود، با توجه به نرخ دلار و قیمت این محصول در بازار جهانی، قیمت‌گذاری می‌شود. در همین حال، استفاده از قیمت درج‌شده فولاد در متال‌بولتن برای نرخ‌گذاری این محصول در بورس کالا اشتباه است، چراکه در متال‌بولتن قیمت محصول صادراتی تعیین شده است؛ یعنی کالایی که قابلیت صادرات دارد و بحث بازار داخلی کاملا متفاوت است.

این سیاست غلط در حالی است که این واحدهای میانی وابسته به دولت، مواد اولیه موردنیاز خود برای تولید را براساس نرخ مشخص‌شده از سوی دولت و با یارانه قابل‌توجهی خریداری می‌کنند.

رحام در ادامه اظهارکرد: از مجموع موارد یادشده این‌طور برداشت می‌شود که بخشی از این چالش‌ها درنتیجه نقش قابل‌توجه دولت از زنجیره فولاد نشأت می‌گیرد؛ بنابراین می‌توان با کاهش نقش دولت و واگذاری صنایع به بخش خصوصی در مسیر رفع این تبعیض‌ها و سیاست‌گذاری‌های اشتباه پیش رفت. یعنی می‌توان طرح‌های توسعه صنایع فولاد را از طریق طرح‌های مشارکت عمومی و خصوصی به بخش خصوصی واگذار کند. در چنین شرایطی بخش خصوصی ناچار نیست هزینه خرید زمین و تجهیزات و ماشین‌آلات را بپردازد، بلکه در حوزه دانش، مواد اولیه و... سرمایه‌گذاری می‌کند.

وی گفت: بسیاری از کشورهای جهان در حال حاضر به سمت واگذاری صنایع بزرگ از طریق مشارکت عمومی و خصوصی پیش رفته‌اند. بورس به‌تنهایی روش مناسبی برای عرضه سهام نیست؛ بنابراین می‌توان برای جذب سرمایه در گردش موردنیاز واحدهای بزرگ از جذب مشارکت مردم و بخش خصوصی بهره گرفت؛ ضمن آنکه در طرح‌های توسعه فولاد از جانمایی تا میزان مشارکت مردم تجدیدنظر شود.

ارتقای کارآیی



سیدعلی‌محمد ابویی‌مهریزی، فعال صنعت فولاد در گفت‌وگو با صمت تاکید کرد: در حال حاضر بیشترین سهم از اختیارات بخش معدن، صنایع معدنی و همچنین زنجیره فولاد در اختیار دولت قرار دارد. در واقع تاکنون از ظرفیت‌های بخش خصوصی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های معدنی استفاده نشده است. وی افزود: بررسی تجربه جهانی حکایت از آن دارد که کشورهای توسعه‌یافته به سمت خصوصی‌سازی گام برداشته‌اند. چین با آنکه در ایدئولوژی، کشوری کمونیستی است اما سرمایه و صاحب سرمایه را محترم شمرده و با همین سیاست در مسیر موفقیت گام برداشته است. اما استراتژی‌های اتخاذشده در ایران طی ۲ دهه گذشته که خصوصی‌سازی موردتوجه قرارگرفته، مانع حضور سرمایه به کشور شده است. تشکل‌ها و انجمن‌هایی که قرار بود محلی برای اجماع بخش خصوصی باشد، اکنون تحت سلطه مدیران دولتی است. این تشکل‌ها در عمل تنها از منافع دولتی‌ها یا خصولتی‌ها حمایت می‌کنند.

ابویی‌مهریزی در ادامه تاکید کرد: جذب بخش خصوصی در فعالیت‌های تولیدی مستلزم ارائه اختیاراتی به آنها از جمله مدیریت مجموعه است. متاسفانه در برخی واگذاری‌های مجموعه‌های فعال در بخش معدن و صنایع معدنی که از طریق فروش سهام انجام‌شده، همچنان مدیریت را دولت بر عهده دارد.

این فعال صنعت فولاد گفت: مدیران شرکت‌های خصوصی براساس تخصص، سلامت و عملکرد انتخاب می‌شوند و از آنها انتظار می‌رود اقدامات مثبتی را از خود به نمایش بگذارند. این عملکرد موفق خود را در قالب سودآوری نمایش می‌دهند اما استراتژی غالب برای انتخاب مدیران دولتی، سیاسی است. مدیران بخش خصوصی باید نسبت به عملکرد خود پاسخگو باشند اما این الزام به پاسخگویی در مدیران دولتی مشاهده نمی‌شود. بر همین اساس نیز مدیران بخش خصوصی عموما عملکرد مثبت‌تری را از خود به نمایش می‌گذارند. همین عملکرد ناکارآمد و بدون پاسخگویی در مدیران دولتی نیز زمینه‌ساز بسیاری از چالش‌های اقتصادی کشور شده است.

ابویی‌مهریزی در ادامه با اشاره به روند ناموفق خصوصی‌سازی در بخش معدن و صنایع معدنی اظهارکرد: در سال‌های گذشته و با ادعای خصوصی‌سازی و واگذاری سهم دولت از اقتصاد شاهد رشد مجموعه‌های خصولتی بوده‌ایم؛ یعنی شرکت‌هایی که تنها در اسم به بخش خصوصی واگذار شده‌اند اما در عمل دولت تصمیم‌گیر اصلی آنها است. در همین حال اعمال نفوذ دولت بر منافع و رای سهامداران ارجحیت دارد. در چنین فضایی هر روز امکان رانت، فساد و لابی بیشتر و در همین حال در مسیر صاحبان این کسب‌وکارها سنگ‌اندازی می‌شود.

بدون تردید اصلاح روند موردبحث، کاهش سهم دولت از اقتصاد و فعالیت‌های معدنی و صنایع معدنی ضروری و لازمه رفع چالش‌های حاکم بر این زنجیره است. در ادامه باید تاکید کرد که نمی‌توان با مدیری که سابقه کار در مجموعه‌های دولتی دارد، مجموعه‌ای خصوصی را اداره کرد، چراکه درنهایت همچنان نگاه دولتی بر عملکردها حکمفرما می‌شود. بخش خصوصی از درآمد خود هزینه‌هایش را پرداخت می‌کند، بنابراین ملزم به درآمدزایی و سودآوری است. اما بخش دولتی در هر شرایطی حقوق خود را از بودجه دولت دریافت کرده و هیچ تجربه‌ای در این زمینه ندارد. در واقع مفاهیم اقتصادی، سودآوری، کارآیی و بهره‌وری و... در مجموعه‌های دولتی آن‌طور که باید موردتوجه قرار نگرفته است.

> دولت بیشترین سهم را از صنایع مادر و تولید فولاد خام در اختیار دارد. بخش خصوصی نیز در حوزه صنایع تکمیلی و حلقه‌های انتهایی این زنجیره فعالیت می‌کند؛ همین تقسیم‌بندی منشأ چالش‌های متعددی است که روند فعالیت صنایع فولاد کشور را تحت‌تاثیر قرار داده است

سخن پایانی

در حال حاضر بیشترین سهم از اختیارات بخش معدن، صنایع معدنی و همچنین زنجیره فولاد در اختیار دولت قرار دارد. در همین حال فرصتی برای ارتقای جایگاه و توانمندی بخش خصوصی یا تعاونی فراهم نشده است.

حال برای کاهش سهم دولت از فعالیت در حوزه معدن و صنایع معدنی انتظار می‌رود ضمن ایجاد فضایی مناسب و شفاف، جایگاه بخش خصوصی نیز تقویت شود. واگذاری مدیریت واحدهای صنعتی به‌جای مالکیت آنها یکی از مهم‌ترین راهکارهایی است که می‌تواند زمینه تحول در ساختار موردبحث که انتقادهایی به آن وارد است را فراهم کند.

یادداشت

بخش خصوصی محور اصلی اقتصاد کشور باشد



مهدی کرباسیان/رئیس اسبق سازمان توسعه‌ونوسازی معادن و صنایع معدنی ایران

مطابق قانون اساسی در کشور ۳ بخش دولتی، خصوصی و تعاونی در اقتصاد تعریف‌شده است. تجربه فعالیت در بخش تعاونی حکایت از آن دارد که بنگاه‌های تعاونی نمی‌توانند به‌عنوان یکی از محورهای اصلی اقتصادی عمل کنند، کما اینکه تجربه جهانی موفقی نیز در این زمینه وجود ندارد. در همین حال، بررسی روند تاریخی و جهانی واحدهای دولتی نیز نشان از عدم‌موفقیت این بخش در اقتصاد دارد. فعالیت‌های اقتصادی بخش دولتی کارآیی، بهره‌وری و سودآوری کافی ندارند و درنهایت به نفع اقتصاد کشور نیستند؛ بنابراین انتظار می‌رود بخش خصوصی محور اصلی اقتصادی کشور باشد.

در دهه ۶۰ به‌دلیل جنگ و همچنین در سایه تفکرات پوپولیستی و سوسیالیستی که بعد از پیروزی انقلاب ایران در سال ۵۷ بر گروه‌های چپ حاکم بود، نگاه دولت‌محور به حاکمان و مسئولان کشور تحمیل شد. بدین‌ترتیب بخش دولتی قدرتمند شد و در همین حال بخش خصوصی از قافله رقابت باز ماند. این درحالی است که انتظار می‌رود برای اصلاح ساختاری اقتصاد و حرکت به سمت توسعه، بخش خصوصی نقش اساسی‌تری در اقتصاد کشور بر عهده بگیرد.

طی سال‌های دهه ۶۰ با توجه به مصادره‌ها یا ملی شدن واحدها یا احکام قضایی که از سوی دادگاه‌ها صادر شد، دولت از یک‌سو مالکیت واحدهای بزرگ صنعتی و اقتصادی کشور را بر عهده گرفت و از سوی دیگر، با جذب سرمایه به واحدهای موردبحث، این بنگاه‌ها هر روز بزرگ و بزرگ‌تر شدند. در ادامه و با روشن شدن اشکالات دولتی بودن اقتصاد و براساس برنامه‌های توسعه و همچنین قانون خصوصی‌سازی مقرر شد که این سرمایه‌ها به بخش خصوصی و مردم واگذار شود؛ بنابراین در طول سال‌های گذشته خصوصی‌سازی در دستور کار دولت بوده اما ایرادات بسیاری به نحوه اجرای آنها وارد شده است.

به اعتقاد من جز در موارد خاص، خصوصی‌سازی به‌درستی اجرایی نشده و حتی زمینه مفسده را هم فراهم کرده است؛ از یک‌سو ایراداتی به قانون خصوصی‌سازی وجود دارد و از سوی دیگر، اجرای این طرح با کاستی‌های بسیاری همراه بوده است.

در همین حال واگذاری بخشی از سهام شرکت‌های معدنی و صنعتی به بخش خصوصی را نمی‌توان خصوصی‌سازی واقعی دانست، چراکه طی این فرآیند، قانون نادیده گرفته‌شده است. در موارد متعددی بخشی از سهام شرکت‌ها بابت بدهی‌های دولت به نهادهای وابسته به دولت و صندوق‌های بازنشستگی و... واگذارشده است. این واگذاری‌ها را نمی‌توان خصوصی‌سازی دانست. چنانچه این واگذاری‌ها خصوصی‌سازی نامیده شوند، باید آن را بدترین نوع از انتقال شرکت‌های دولتی دانست، چراکه درصدی از سهام یک شرکت به نهادی عمومی منتقل می‌شود و شرکت یادشده از زیر نظر دولت، سازمان‌های نظارتی همچون دیوان محاسبات، بازرسی کل کشور، بازرسی وزارتخانه، بازرسی ریاست‌جمهوری و نهادهای وزارتی دیگر خارج می‌شود. بدین‌ترتیب دیگر ضوابط دولتی بر آن حکمفرما نخواهد بود. درنتیجه بیشترین مفسده‌هایی که در طول سال‌های گذشته در قوه قضاییه به آنها رسیدگی می‌شود، به این دست واگذاری‌های غیراصولی اختصاص دارد.

گفتنی است در موارد متعددی شاهدیم که این شرکت‌ها یا مجموعه‌های اقتصادی، حتی بخشی از سهام خود را از طریق سازمان بورس و اوراق بهادار عرضه می‌کنند. اما سهامی که از طریق بورس عرضه می‌شود محدود و زیر ۲۰ درصد برآورد می‌شود؛ بنابراین همچنان مجموعه از منظر مدیریت در اختیار بخش‌های وابسته به دولت قرار دارد که اغلب با عنوان خصولتی از آنها یادمی‌شود. بدون تردید مدیریت اغلب این شرکت‌های خصوصی بهتر از مدیریت مجموعه‌های دولتی نیست و همچنان با ضعف‌های رایج در بخش‌های دولتی روبه‌رو هستیم. بنابراین در مجموع این شرکت‌ها به معنی واقعی به بخش خصوصی واگذار نشده‌اند. کما اینکه اگر نحوه واگذاری شرکت‌های بزرگ معدنی، صنعتی، پتروشیمی و سایر مجموعه‌های بزرگ در حوزه‌های دیگر اقتصادی را بررسی کنیم درمی‌یابیم که با یک یا ۲ واسطه به دولت می‌رسند.

با هدف آشنایی بیشتر دانشجویان با مسائل واقعی صنعت انجام می‌شود

همکاری فولاد مبارکه و دانشگاه صنعتی اصفهان در برگزاری مسابقه مدل‌سازی

بزرگ‌ترین مسابقه مدل‌سازی و بهینه‌سازی کشور با هدف آشنایی بیشتر دانشجویان و دانش‌آموختگان با مسائل واقعی صنعت و به چالش کشیدن مهارت‌های آنها در این حوزه به همت دانشکده مهندسی صنایع و سیستم‌های دانشگاه صنعتی اصفهان برگزار می‌شود.

به گزارش روابط‌عمومی شرکت فولاد مبارکه، افشین خیامیم، مدیر مهندسی صنایع شرکت فولاد مبارکه، درباره این رویداد اظهارکرد: امروزه ارتباط بین صنعت و دانشگاه و استفاده از نخبگان، از ضروریات پیشرفت و توسعه است و اگر بین دانشگاه‌ها و صنایع ارتباط مستحکم و دوطرفه ایجاد شود، می‌توان به تحقق برنامه چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور امیدوار بود.

در این راستا، برگزاری مسابقه «تحقیق در عملیات» می‌تواند علاوه بر توجه به مسئولیت‌های اجتماعی فولاد مبارکه باعث ارتباط بیشتر با صنعت شود و مسیر ورود نخبگان در حل مسائل صنعت را هموارتر کند.

مدیر مهندسی صنایع شرکت فولاد مبارکه افزود: تحقیق در عملیات یا پژوهش عملیاتی، یکی از زیرشاخه‌های ریاضیات کاربردی است که جنبه‌های کاربردی آن در مهندسی صنایع موردتوجه قرار می‌گیرد.

تحقیق در عملیات، تکنیکی است به‌منظور به‌کار بستن روش‌های تحلیلی توسعه‌یافته، برای کمک به تصمیم‌گیری بهتر که با استفاده از روش‌هایی مانند مدل‌سازی ریاضی برای تحلیل شرایط پیچیده، همواره به مدیران اجرایی توانایی اتخاذ تصمیم‌های مناسب‌تر و ایجاد سیستم کارآ، بهینه و ثمربخش را خواهد داد. به‌طور خلاصه می‌توان تحقیق در عملیات را استفاده از مدل‌سازی ریاضی در حل مسائل واقعی به‌منظور تعیین مناسب‌ترین تصمیم ممکن دانست.

مهدی ایرانپور، عضو هیات‌علمی دانشکده مهندسی صنایع و سیستم‌های دانشگاه صنعتی اصفهان نیز دراین‌باره گفت: کاربر روی مسائل بهینه‌سازی، در قالب یک مسابقه گروهی باعث می‌شود شرکت‌کنندگان علاوه بر محک‌زدن سطح علمی و مهارتی خود، رقابت مهیجی را در این زمینه تجربه کنند و برگزاری این چالش در یک فضای تیمی، سبب تقویت مهارت‌های ارتباطی و کارِگروهی شرکت‌کنندگان خواهد شد.

دبیر اجرایی بزرگ‌ترین مسابقه مدل‌سازی و بهینه‌سازی کشور خاطرنشان کرد: این مسابقه با همکاری جمعی از اساتید برجسته دانشگاه‌های کشور و متخصصانی از صنعت برگزار می‌شود و صنایع برتر کشور نیز حامی این مسابقه هستند.

وی تأکید کرد: امید است این رویداد به تقویت ارتباط میان صنعت و دانشگاه منجر شود، ارتباطی که یکی از نتایج مثبت آن آشنایی و شناخت بیشتر ظرفیت‌های دانش‌آموختگان دانشگاهی به‌منظور برطرف کردن موانع و حل مسائل صنعت است.

ایرانپور افزود: شرکت‌کنندگان در این دوره از مسابقه، با دو سؤال روبه‌رو خواهند بود: یکی سؤالات عمومی است و دیگری سؤالاتی که از سوی شرکت فولاد مبارکه اصفهان انتخاب‌شده است.

اطلاعات بیشتر درباره سؤالات و مهلت پاسخگویی به آنها در وب‌سایت مسابقه و شبکه‌های اجتماعی در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

عضو هیات‌علمی دانشکده مهندسی صنایع دانشگاه صنعتی اصفهان ادامه داد: برندگان مسابقه در ۳ رتبه تیمی برتر به ترتیب، ۲۰، ۱۲ و ۸ میلیون تومان جایزه نقدی دریافت می‌کنند.

وی با اشاره به برگزاری مجموعه‌ای از کارگاه‌های آموزشی مجازی در حوزه بهینه‌سازی در طول برگزاری این مسابقه، تصریح کرد: حضور در این کارگاه‌ها برای شرکت‌کنندگان در مسابقه رایگان است و به آنها گواهی حضور در کارگاه اعطا می‌شود.

ایرانپور در پایان با دعوت از علاقه‌مندان به حوزه بهینه‌سازی برای شرکت در این مسابقه گفت: ثبت‌نام هم‌اکنون آغازشده و آخرین مهلت ثبت‌نام ۱۷ شهریور ۱۴۰۰ است.

یادداشت

چالش‌های دستیابی به توسعه پایدار



آیدین زینال‌زاده
فعال و کارشناس معدنی

نیل به توسعه پایدار در بخش معدن و صنایع معدنی کشور، مستلزم بکارگیری برنامه‌ریزی‌های مختلف در جهت فراهم‌سازی بسترهای مناسب و رفع موانع است. در این باره معدنکاران و فعالان جامعه معدنی کشور عقیده دارند که راهی طولانی برای تحقق توسعه پایدار در پیش رو بوده و باید موانع و تحقق این اهداف با توجه و حمایت‌های نهادهای دولتی بخش معدن برداشته شود.

در آغاز باید گفت در کنفرانس سازمان ملل سال ۱۹۹۲ در برزیل توسعه پایدار به مفهوم رفع نیازهای نسل حاضر با توجه به تامین نیازهای نسل آینده تعریف شده و در راستای تحقق اهداف توسعه پایدار، مراحل معدنکاری مدرن عبارت است از پی‌جویی، اکتشاف، مطالعات زیست‌محیطی، برنامه‌ریزی، بازکردن معدن، تولید، بستن معدن، بازسازی معدن.

از همین رو برای بررسی آنکه چه میزان از توسعه پایدار در بخش معدن و صنایع معدنی کشور محقق شده، کافی است روند موجود در هر یک از موارد یادشده در مراحل معدنکاری مدرن را رصد و تحلیل کنیم. در حوزه اکتشافات هنوز در مراحل سطحی قرار داریم و به جز چند مورد محدود، برنامه مدون و گسترده‌ای برای گسترش اکتشافات عمقی وجود ندارد.

در بحث مطالعات زیست‌محیطی نیز به دلیل نقش قوانین هنوز فاصله زیادی تا اجرای اقدامات مناسب در جهت حفظ منابع طبیعی داریم. همچنین اقدامات مربوط به بستن و بازسازی معادن نیز به دلیل وجود بسیاری از موانع، مغفول و محدود مانده است.

از آنجا که در توسعه پایدار روابط بین انسانی و روابط بین انسان و محیط پیرامون حاکم است، ۳ دسته در دستیابی به این موضوع نقش‌آفرینند. دسته نخست بخش دولتی متولی حوزه معدن، دوم نهادهای دولتی متولی حوزه محیط‌زیست و منابع طبیعی و در پایان معدنکاران. البته این ترتیب نشان‌دهنده اولویت نیست و این ۳ دسته مانند ۳ رأس یک مثلث با یکدیگر ارتباط دارند. تدوین سیاست‌های مناسب معدنی، برقراری ارتباط سازمان محیط‌زیست و منابع طبیعی با معدنکاران، تدوین سیاست‌های مناسب زیست‌محیطی، افزایش تعاملات سازنده میان متولیان بخش معدن و معدنکاران، در نهایت ارتباط معدنکاران با متولی معدنی و سازمان‌های زیست محیطی بسترهایی هستند که در صورت فراهم‌سازی آنها بخش معدن به توسعه پایدار دست می‌یابد.

ضمن افزایش تعامل و ارتباط باید به این نکته نیز یادآور شد که به جهت حصول اهداف توسعه‌ای، هریک از ۳ دسته نقش‌آفرین یادشده باید یکدیگر را در سود و ضرر هم شریک بدانند؛ به این معنا که مشکلات حوزه معدن و محیط‌زیست را مستقل از یکدیگر ندانسته و با جهت‌گیری‌های منفی منجر به مانع‌سازی برای یکدیگر نشوند. هرچه این مثلث متوازن‌تر بوده و تعاملات ارتباطات سالم و صحیحی بین آنها برقرار باشد، شاهد حرکت بیشتری به سوی دستیابی به توسعه پایدار در حوزه معدن و صنایع معدنی هستیم.

در ادامه نباید از نقش فعالان بخش خصوصی در دستیابی به توسعه پایدار و الزام رفع موانع فعالیت‌های این بخش در حوزه معدن غافل شد. وزن‌دهی و میزان اهمیت فعالان بخش خصوصی در معادن و صنایع معدنی، مشابه با میزان ارزش متولیان دولتی این حوزه و همچنین معدنکاران دولتی و نیمه‌دولتی است. اما متاسفانه در عمل، شاهد اتفاقات دیگری در این عرصه هستیم.

از سویی به جهت آنکه مقیاس معدنکاری بخش خصوصی کوچک اما با فراوانی زیاد است، باید نگاهی به سازمان‌های معدنی غیردولتی داشته باشیم.

این سمن‌ها(سازمان‌های مردم‌نهاد یا NGOها) باید به جای رقابت با یکدیگر، دست‌به‌دست هم داده و همانند نخ تسبیحی برای هدایت معدنکاران بخش خصوصی به سمت حصول توسعه پایدار در این حوزه حرکت کنند. انتظار می‌رود معدنکاران نقش مهمی در توسعه پایدار داشته باشند اما آیا در عمل ابزار و بسترهای لازم این اقدام برای آنها فراهم است؟

متاسفانه این روزها معدنکاران بخش خصوصی با مشکلات متعددی از جمله تامین ماشین‌آلات مناسب معدنی، لجستیک اکتشاف، فرآیندهای معدنکاری، فرآوری و تولید محصول نهایی، بی‌ثباتی قوانین و... دست به گریبان است. با وجود این مشکلات نمی‌توان انتظار داشت بخش خصوصی بتواند به‌عنوان فعال معدنی، وظایف خود را در جهت توسعه پایدار به‌درستی انجام دهد.

نقدی بر افسانه دولت بزرگ در ایران در گفت‌وگو با کارشناس حوزه مالی

دولت فقط یک‌چهارم اقتصاد را در دست دارد

امیرعباس آذرم‌وند
editor@smtnews.ir

ابعاد اقتصاد ایران جزو مباحث پرچالش کشور است. برخی ابعاد دولت در ایران را بسیار بزرگ فرض می‌کنند. در مقابل، عده دیگری می‌گویند گرچه سهم بخش خصوصی در اقتصاد ایران خیلی پررنگ نیست اما نباید فراموش کرد بخش مهمی از اقتصاد کشور در دست نهادهای غیردولتی یا فرادولتی است؛ نهادهایی که با وجود تمکن مالی فراوان، مسئولیت قانونی در مقابل مردم ندارند. این بخش گاه دولتی و گاه خصولتی خوانده می‌شود اما از آنجا که دولت در مدیریت و اهداف این نهادها امکان مداخله ندارد، بنابر تعریف نمی‌توان این بخش‌ها را دولتی خواند.

در همین زمینه همت قلیزاده، کارشناس حوزه مالی در گفت‌وگو با صمت تصریح کرد: مشکلی که وجود دارد عبارت از این است که برخی تمام کسانی که از خزانه دستمزد می‌گیرند را جزو بخش دولتی حساب می‌کنند. بخش دولتی ایران تنها ۲.۳ میلیون کارمند دارد و نیروهای نظامی، انتظامی، شهرداری‌ها و... را نباید جزو دولت به شمار آورد. به باور این کارشناس اقتصاد، سهم دولت از کل اقتصاد ایران بین ۲۵ تا ۳۰ درصد است.



اقتصاددانان و برنامه‌ریزان اقتصادی باور دارند اندازه دولت باید بهینه باشد تا بتواند مکمل فعالیت‌های اقتصادی درون یک سرزمین باشد و از این راه کشور را به سمت توسعه ببرد

◉ درباره اندازه دولت در ایران بحث‌های مختلفی صورت گرفته است. برخی اقتصاد ایران را دولتی می‌دانند. به نظر شما سهم دولت از اقتصاد ایران چقدر است؟

سوالی که مطرح کردید، یک سوال مهم است زیرا اعداد و ارقام مختلفی در این مورد منتشر شده است. بنابراین باید با وسواس خاصی به این مسئله وارد شد تا بتوانیم جوابی دقیق و علمی به این پرسش بدهیم.

◉ اهمیت اینکه سهم دولت در اقتصاد چقدر است، چیست؟

اندازه دولت‌ها می‌توانند بیانگر بخشی از مشکلات هر اقتصادی باشند. واقعیت این است که نه صرفا برای کشورهای توسعه‌یافته بلکه حتی ابعاد دولت در کشورهای توسعه‌یافته از مسائل مهم و تعیین‌کننده است. به همین دلیل بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و حتی سازمان همکاری‌های اقتصادی، هر ساله به ابعاد این مسئله در کشورهای مختلف جهان می‌پردازند.

اقتصاددانان و برنامه‌ریزان اقتصادی باور دارند اندازه دولت باید بهینه باشد تا بتواند مکمل فعالیت‌های اقتصادی درون یک سرزمین باشد و از این راه کشور را به سمت توسعه ببرد. اندازه بهینه را نباید به معنای کوچک کردن در هر شرایطی پذیرفت. گاهی دولت‌ها کوچک‌تر از اندازه مورد نیاز هستند. این دولت‌ها اغلب، دولت‌هایی ناتوان هستند که در مقابل نوسانات کاری برای تولید و اقتصاد ملی نمی‌توانند انجام دهند. از سوی دیگر، دولت‌هایی که بزرگ‌تر از حد بهینه هستند هم دچار مشکلاتی چون لختی و کندی می‌شوند. به این ترتیب در هر دو حال با اقتصادی ناکارآمد مواجه هستیم.



همت قلیزاده

اندازه بهینه را نباید به معنای کوچک کردن در هر شرایطی پذیرفت

◉ ارقام متعددی برای اندازه دولت در ایران مطرح می‌شود؛ از ۸۰ تا ۲۰ درصد به‌عنوان سهم دولت یاد می‌شود. سهم دولت چیست که آنقدر در محاسبه ارقام متعددی منتشر می‌شوند؟

این یک بحث مهم در اقتصاد دانشگاهی کشور و از مباحث مهم اقتصاد عمومی در آموزش دانشگاهی است. مهم‌ترین مرجع در این زمینه، کتاب اقتصاد بخش عمومی، جوزف استیگلیتز، منتقد برجسته اقتصادی است. استیگلیتز تاکید دارد که شاخص‌های گوناگونی برای ابعاد دولت در هر اقتصاد معرفی شده‌اند که می‌توان براساس هر کدام از آنها به مسائل نگریست. اما باید توجه کنیم که خود استیگلیتز ترجیح می‌دهد حجم دولت‌ها را براساس سهمی که از کل اشتغال کشور دارند، محاسبه کند.

◉ درباره ابعاد دولت، چه چیزی سبب شده تا این حد اختلاف نظر به وجود بیاید؟

یک عامل تعیین‌کننده آن قطعا نبود آمارها و ارقام کافی و متقن است که سبب می‌شود افراد به ارقام دیگری برسند. اگر پایان‌نامه‌های مختلف اقتصاد در دانشگاه‌های ایران را بخوانید، متوجه می‌شوید تقریبا در تمام پایان‌نامه‌ها عنوان شده اقتصاد ما کوچک است. مشکل جایی است که وقتی استادان یا دانشجویان دنبال مخارج و هزینه‌های دولت می‌روند تا آن را در مقایسه با تولید ناخالص داخلی محاسبه کنند. مرکز آمار ایران تنها هزینه‌های هیات دولت را به‌عنوان مخارج دولت ثبت می‌کنند. از این رو هیچ‌گونه اطلاعات آماری از نهادهای عمومی فرادولتی و غیردولتی در این مرکز نیست که لازم است این سرفصل‌ها ایجاد شود.

◉ دولت از کدام بخش‌ها تشکیل می‌شود؟

منظور از دولت، کابینه یا همان قوه مجریه است. به این ترتیب هزینه‌های دولت عبارت است از بودجه وزارتخانه‌ها، سازمان‌های زیر نظر رئیس‌جمهوری و معاونان او و شرکت‌های دولتی. حالا اگر یک مدیر بودجه‌ریز در کشور ما که موی خود را در این سیستم سفید کرده، سراغ مطالعه برود چنین نمی‌کند زیرا به‌خوبی می‌داند، هر برداشتی که از خزانه می‌شود، لزوما از سوی قوه مجریه نبوده و نهادهای انتصابی و بخش‌های حاکمیتی هم هستند که از خزانه برداشت می‌کنند.

◉ چطور این شکل از سیستم که به نظر متعارف نمی‌آید در کشور ما باب شده است؟

واقعیت این است که در اینجا باید به شکل خاص ساختار سیاسی در کشور توجه کنیم. ساختار موجود در کشور ما سبب شده تا نهادهای عمومی غیردولتی یا فرادولتی شکل بگیرند که سهم مهمی از اقتصاد کشور را هم از آن خود می‌کنند اما از نظر قانونی هیچ وظیفه‌ای نسبت به جامعه ندارند. منظورم از بخش فرادولتی بنیاد مستضعفان، آستان قدس و ستاد اجرایی فرمان امام است. منظور از بخش عمومی غیردولتی هم شستا، شهرداری‌ها و گاه فدراسیون‌هاست. این تقسیم‌بندی بخش عمومی در سال ۷۳ در مجلس نیز به تصویب رسیده است.

◉ با این حال، برای مردم چه فرقی می‌کند که بنا بر تعریف یک بخش متعلق به دولت است یا بخش عمومی؟

در افواه می‌توانیم بگوییم به‌درستی این موضوع شکل گرفته که از مامور شهرداری تا نیروی انتظامی، از ارتش تا سپاه، از قاضی تا نماینده مجلس را دولت به حساب می‌آورند. در ماهیت مردم اشتباه نمی‌کنند چون اینها بخش‌های مختلف حکمرانی در هر کشوری هستند اما انتظار می‌رود موسسات مطالعاتی و تخصصی چون مرکز آمار، مفاهیم را به شکل تخصصی ارائه دهد تا برنامه‌ریزان بتوانند با اتکا به این مفاهیم، به برنامه‌ریزی دست بزنند.

◉ واقعا در قانون اساسی هیچ وظیفه‌ای برای بخش عمومی تعریف نشده است؟

نه هیچ وظیفه‌ای آورده نشده است. شما دقت کنید تمام وظایف حاکمیتی، چون امنیت، سلامت، بهداشت، درمان، آموزش، اشتغال و مسکن کشور را قانون اساسی جزو وظایف دولت محسوب می‌کند و از دولت می‌خواهد شرایط استفاده از این امکانات را برای همه مردم ایران فراهم کند. اما بخش‌های عمومی اعم از غیردولتی یا فرادولتی هیچ وظیفه‌ای در قبال ملت ندارند.

البته این‌طور نباید از حرف من برداشت شود که مثلا بنیاد مستضعفان یا آستان قدس هیچ فعالیت عام‌المنفعه‌ای نداشتند؛ آنها چنین فعالیت‌هایی داشتند اما از نظر قانونی مکلف به انجام آن نبودند و اگر هم چنین کردند احتمالا به خاطر خواست و نیت روسای این نهادها بوده است. این در حالی است که دولت بنا بر نص صریح قانون اساسی بخشی از وظایف حاکمیتی چون سلامت، اشتغال و آموزش را نتوانسته برای تمام ملت فراهم کند.

◉ به همان بحث اندازه دولت بازگردیم. ارقام دیگری هم درباره اندازه قوه مجریه در کشور مطرح می‌شود. شما سهم دولت را از اقتصاد کشور چقدر می‌دانید؟

پیش‌تر هم توضیح دادم که برخی دوستان به ارقام منتشرشده از هزینه خزانه مراجعه می‌کنند و براساس آن ابعاد دولت را می‌سنجند که با توجه به توضیحاتی که داده شد، نقاط ضعف آن را گفتیم. برآوردهایی که داشتیم نشان می‌دهد اگر سهم دولت مرکزی از کل تولید ناخالص داخلی را بخواهیم ارزیابی کنیم، دولت سهمی ۲۵ تا ۳۰ درصدی در اقتصاد ایران دارد. این در حالی است که آخرین گزارش رسمی منتشر شده درباره ابعاد دولت در ایران را بانک مرکزی در سال ۸۵ انتشار داد. براساس آن گزارش، بزرگ‌ترین حجم اقتصاد ایران نه برای دوران پس از انقلاب، که به ۵ ساله پایانی رژیم پهلوی برمی‌گردد. در آن زمان گفته می‌شد دولت سهمی ۴۵ درصدی از کل تولید ناخالص کشور را از آن خود کرده است. این رقم براساس مخارج جاری دولت به تولید ناخالص داخلی و حجم هزینه‌های عمرانی نسبت به تولید ناخالص داخلی محاسبه می‌شود. این گزارش نشان می‌دهد در سال‌های پس از انقلاب هیچ‌گاه این سهم به بیش از ۳۰ درصد نرسید و اغلب در کانال ۲۵ تا ۳۰ درصدی بوده است. اینجا باید تاکید کنم صرفا یک بحث مکتبی با اقتصاددانان نظریه‌های دیگر نداریم. این موضوع همیشه وجود خواهد داشت. مسئله این است که نظام ثبت آمار در کشور ما نیاز به اصلاح شدن دارد تا ارقام حاصل از آن گمراه‌کننده نباشند.

◉ در کشورهای دیگر دولت با تکیه به تعریفی که ارائه دادید، چه سهمی از اقتصاد دارند؟

من روی این مسئله در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی کار کردم. در آخرین گزارشی که این سازمان با عنوان «دولت‌ها در یک نگاه» منتشر کرده، به بررسی حجم دولت دست زدند. براساس این گزارش، سهم دولت‌های عضو این سازمان از کل اقتصاد خود به طور میانگین ۵۵ درصد بوده است؛ یعنی حدود ۲ برابر حجم دولت در اقتصاد ایران. باید توجه کنیم سازمان همکاری‌های اقتصادی از اقتصادهای پیشرفته تشکیل شده است.

◉ اگر به تعریف استیگلیتز پایبند باشیم و بخواهیم با توجه به سهم اشتغال سخن بگوییم، سهم دولت چقدر خواهد بود؟

میانگین نسبت اشتغال دولتی به کل اشتغال در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی، ۱۴ درصد اعلام شده است. این در حالی است که دولت ایران در این بخش سهمی به مراتب کمتر دارد. در ایران بنا بر آمار، ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر کارمند مستقیم دولتی داریم. این در حالی است که در آخرین گزارش مرکز آمار برای پایان سال ۹۹ تاکید شده بود که کل شاغلان کشور ما ۲۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر بوده است. به این اعتبار، در ایران دولت تنها ۱۰ درصد از اشتغال را از آن خود دارد. البته باید به نکته دیگری هم توجه کنیم. گرچه آماری رسمی در این باره وجود ندارد اما گفته می‌شود حدود ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از خزانه کشور پول می‌گیرند که طبیعتا همه آنها کارمندان دولت نیستند. این رقم را روزنامه همشهری مدتی پیش اعلام کرده بود.

◉ چطور کسی از خزانه حقوق می‌گیرد اما کارمند محسوب نمی‌شود؟

من به این باور دارم که همه کسانی که از خزانه حقوق می‌گیرند، کارمند دولت نیستند. اعضای شورای نگهبان، مجلس خبرگان، مجمع تشخیص، قوه قضاییه، ارتش، سپاه، نیروی انتظامی و... از خزانه حقوق می‌گیرند اما هیچ‌کدام به قوه مجریه پاسخگو نیستند و حتی تحت فرمان آن هم نیستند. در این میان باید توجه کنیم ۵ جزء اصل تولید ملی عبارت است از: مصرف، سرمایه‌گذاری، مخارج دولت، خالص واردات و صادرات. درواقع این ۵ مولفه در کنار هم تولید ناخالص داخلی سالانه را تشکیل می‌دهند.

◉ مصرف در ایران چه سهمی از تولید دارد و بر این اساس می‌توانیم مردم ایران را مصرف‌گرا بخوانیم؟

مصرف سهمی ۶۰ درصدی از کل تولید ناخالص داخلی ایران را از آن خود کرده حال آنکه در جهان چنین نیست و سهم مصرف از تولید ناخالص داخلی به بیش از ۷۰ درصد می‌رسد. بنابراین نه‌تنها مردم ایران مردمی مصرف‌گرا نیستند بلکه به نسبت میانگین جهان مردم ما، مردمی کم‌مصرف‌تر هستند. من این نظریه مصرف‌گرا بودن مردم ایران را اشتباه و بی‌ربط می‌دانم.

◉ آمار مخارج دولتی چیزی را ثابت نمی‌کند؟

از آنجا که هزینه تمام نهادهای حاکمیتی در این بخش آمده، توجه به این شاخص تنها گوشه‌ای از یک حقیقت را نشان می‌دهد.

◉ سهم بخش غیررسمی در اقتصاد ما چقدر است؟

گزارش‌هایی که بانک مرکزی و مرکز آمار ایران از اشتغال کشور منتشر کردند، نشان می‌دهد بانک‌ها تا ۱۷۱۱ شرکت تحت سرپرستی خود دارند. شستا ۵۰۰ شرکت دارد. اما این آمارها اولیه و غیررسمی هستند. پس آماری وجود ندارد که براساس آن بخواهیم ادعایی مطرح کنیم اما من فکر می‌کنم سهم بخش عمومی در اقتصاد ما از سهم بخش دولتی بیشتر است.

◉ برای فهمیدن سهم این بخش از اقتصاد چه کارهایی انجام شده است؟

هنگامی که آمارهای دقیقی وجود ندارند، برنامه‌ریز کار چندانی نمی‌تواند انجام دهد جز اینکه از سیاست‌گذاران بخواهد فکری به حال این مسئله کنند.

در بند (ه) تبصره ۲قانون بودجه ۱۴۰۰ البته تاکید شده امسال باید تمامی نهادهای عمومی غیردولتی و شهرداری‌ها، صورت‌های مالی خود و تعداد نیروهایی که دارند را به وزارت امور اقتصادی و دارایی اعلام کنند تا مقدمه قانونی آن ایجاد و وزارت اقتصاد بتواند ما را از این تاریکی آماری درآورد. به هر حال نباید فراموش کنیم اساس برنامه‌ریزی، آمار است. البته این قانون برای سومین سال پی‌درپی در بودجه آمده است.

◉ میان ناکارآمدی دولت و ابعاد آن چه تفاوتی وجود دارد؟

ناکارآمدی، مسئله دیگری است؛ گرچه دولت بزرگ یا کوچک دچار ناکارآمدی می‌شود اما ناکارآمدی جنبه‌های فراوانی دارد که یکی از آنها حجم دولت است. برخی فکر می‌کنند چون نهادی ناکارآمد است باید صورت‌مسئله را حذف کرد و آن سازمان را منحل کنند. مثلا می‌توانیم ادعا کنیم سازمان برنامه و بودجه هم حتما مانند اغلب دیگر نهادهای کشور، دچار نارسایی دارد اما به جای افزایش کارآیی آن، منحلش کردند. البته برخی به شکل مغرضانه چنین بحث‌هایی می‌کنند که چون نظارت نیست و ناکارآمدی بر فضا حاکم است بهتر است دولت را هم تعطیل کنیم. مشخص است که این حرف‌ها پایه واقعی و علمی ندارند. مسئله اصلی این است که برای اداره امور به دولت نیاز است اما لزوما همه دولت‌ها توسعه‌گرا یا پیشرو نیستند.

◉ چطور می‌شود در میانه بحث‌های خصوصی‌سازی و برون‌سپاری ناگهان سازمان برنامه را منحل می‌کنند؟

درد این است که در کشور ما هرگاه بحث «دولت بزرگ» مطرح شده، به‌سرعت مسئله کوچک کردن در دستور قرار گرفته است. اما کوچک کردن را نه از اندام زائد بلکه از مغز شروع می‌کنند. به همین دلیل سازمان برنامه‌ای را منحل کردند.

◉ خصوصی‌سازی در ایران را چطور ارزیابی می‌کنید؟

ما در ایران در عمل با واگذاری منابع دولتی، به رهاسازی اقتصاد کشور دست زدیم. البته اگر یادتان باشد در آن زمان رسانه‌ها و از جمله صدا و سیما بر طبل بزرگ بودن دولت نواختند. تمام اینها را من در جهت توجیه اجرای سیاست به نام خصوصی‌سازی می‌دانم. حال آنکه با وجود واگذاری بخش مهمی از صنایع کشور هنوز از سهم ۸۰ درصدی دولت از کل اقتصاد حرف می‌زنند در حالی که همه می‌دانیم بخش مهمی از حجم دولت حبابی است؛ یعنی وابسته به ارقام و اعداد نفتی است. به همین دلیل گاهی مردم احساس «بی‌دولتی» می‌کنند.

◉ نداشتن مسئولیت از سوی نهادهایی که سهم مهمی از اقتصاد دارند، چه پیامدهایی خواهد داشت؟

این یک نقص ساختاری در نظام ثبت آماری در مرکز آمار و بانک مرکزی با ساختار سیاسی کشور است. با همین ساختار سیاسی هم البته می‌توان نظام ثبت آماری بهتری و شفاف‌تری ایجاد کرد. با این حال، کلید حل مشکل این است که نظام ثبت آماری ما متحول شود تا سهم و اندازه بخش‌های مختلف را براساس مولفه‌های متعددی چون تعداد حجم بودجه و عملکرد آنها، کارکنان، اندازه نهادها و سهم آنها از صادرات و واردات و... را محاسبه کند.

با وجود این، مشکل در بخش‌هایی چون شهرداری‌ها دو چندان می‌شود؛ شهرداری‌های کشور ما رهاترین و آزادترین شهرداری‌های جهان هستند که هیچ نظارت دولتی هم بر آنها انجام نمی‌شود. مثلا قانون می‌گوید برای اینکه بودجه شهرداری تصویب شود، باید فرماندار هم تایید کند اما کجا چنین اتفاقی مانع عملکرد شهرداری‌ها بوده است؟

◉ این میزان کج‌کارکرد در ساختار ما ناشی از چیست؟

این یک موضوع جدی است. درحال‌حاضر در کشورهای پیشرفته برای تبیین اندازه دولت، صرفا از شاخصه‌های تک‌بعدی استفاده نمی‌شود بلکه از طیف وسیعی از شاخص‌های کمی و توصیفی مانند فناوری در دولت، رضایت مردمی از دولت، رفتار مالی دولت، شکل و ترکیب اشتغال دولتی و... که هرکدام زیرفصل‌های گوناگونی را شامل می‌شود، که اندازه دولت را شکل می‌دهند.

یک کارشناس اقتصاد در گفت‌وگوی با صمت:

کرونا حریف تولید خودرو در ایران نشد

فاطمه امیراحمدی
editor@smtnews.ir

سهم صنایع در سرانه تولید ناخالص ملی در کشورها متفاوت است. اما در تمام کشورها صنعت خودرو به‌عنوان صنعتی پیشران محسوب شده که توسعه آن اهمیت زیادی دارد. بااین‌وجود در حدود دو سال اخیر سهم این صنعت با ظهور ویروسی جدید (که البته به سبب جهشی که این ویروس پیدا کرده بود به‌عنوان پدیده جدید از آن نام‌برده می‌شود.) کاهش داد و جهان را از وضعیت عادی به حالت آماده‌باش درآورد. نگرانی از همه‌گیر شدن و ناشناخته بودن آن سبب شد فعالیت‌ها با احتیاط بیشتری همراه شود و ساعات کار کاهش‌یافته و افراد کمتر از منزل خارج شوند. شعار «در خانه بمانیم» منجر به کاهش فعالیت نیروی انسانی در محیط کارشده و در بیشتر روزها و ماه‌های سال مثلا ۲۰۲۰ میلادی کسب‌وکارها با یک‌سوم نیرو فعالیت داشتند؛ از این‌رو تعدیل نیروی انسانی زیادی در بسیاری از واحدهای صنعتی مانند خودروسازی‌ها، ناوگان حمل‌ونقل هوایی و... رخ داد که در طول یک سده گذشته بی‌سابقه بوده است.

ماه‌های نخست سال گذشته میلادی وضعیت اقتصادی و صنعتی کشورهای جهان تراز منفی داشت و آمار بیکاری افزایش یافت اما در کشورهای پیشرفته و صنعتی که تمام تلاش خود را برای مدیریت وضعیت موجود کردند، در ادامه این شرایط متعادل شد و حتی آمار بیکاری در بسیاری از آنها روند نزولی داشت. در این زمینه صمت گفت‌وگویی با امین دلیری، کارشناس حوزه اقتصاد و صنعت و مدرس دانشگاه درباره وضعیت صنعت و سهم آن در اقتصاد داشت که در ادامه می‌خوانید.



عکس: صمت

کاهش درآمدهای نفتی، اثرات آن بر کاهش درآمدهای ارزی و قطع بودن ارتباطات بین‌بانکی و بیمه‌ای قاعدتا باید بر تولیدات خودروهای صنایع بزرگ خودروسازی ایران اثرات مضاعف داشته باشد اما به نظر می‌آید تولیدات خودرو در سال ۹۹ در شرکت‌های بزرگ خودروسازی مانند گروه صنعتی ایران‌خودرو و گروه خودروسازی سایپا از رشد منفی تبعیت نکرده است

◉ صنعت به‌ویژه صنعت خودرو و قطعه جهان در سال گذشته میلادی چه وضعیتی داشت؟

تاثیر ویروس کرونا بر اقتصاد جهانی و به‌تبع آن بر صنایع خودرو در سال ۲۰۲۰ میلادی قابل انکار نیست. همچنین شاید نتوان همه ابعاد آن را بر صنایع ایران به‌ویژه صنعت خودرو و شرکت‌های تولیدکننده قطعه (قطعه‌سازان)، در این مجال بازگو کرد. کاملا روشن است ویروس کرونا اقتصاد جهان را در وضعیت رکود قرار داده است. این رکود اقتصادی در بخش صنعت و به‌تبع آن در تولیدات صنایع خودرویی کشورهایی مانند امریکا، چین و منطقه یورو تاثیر زیادی گذاشته است. به‌طوری که در شرایط ایجادشده بر اثر شیوع ویروس کرونا ۲۵ درصد از تولیدات خودرو در آلمان به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای تولیدکننده خودرو درجهان، کاهش‌یافته است.

همان‌طور که اشاره شد این کاهش تولید ناشی از رکود اقتصادی و رشد منفی در اقتصاد منطقه یورو است که بر اثر کاهش تقاضای خودروهای سواری، عاملی مهم در کاهش تولید خودرو در اروپا در سال ۲۰۲۰ میلادی بوده است. این کاهش تولید در صنایع خودرو در امریکا، امریکای لاتین مانند کشورهای برزیل، مکزیک و آرژانتین نیز دیده می‌شود.

کاهش خودرو در کشورهای یادشده حکایت از یک رکود بزرگ در اقتصاد این کشورها داشت و با کاهش ۱۴ تا ۲۲ درصد روبه‌رو بودند.

رکود اقتصادی و کاهش تولید خودروسازی‌ها در جهان باعث تعدیل کارگران در کارخانجات تولید خودرو شد. به‌عنوان مثال، تعدیل نیروی انسانی در شرکت خودروسازی بی‌ام‌و افزون بر ۶ هزار نفر شده که خود یک اتفاق بزرگ است.

◉ تاثیر این امر بر صنعت خودرو ایران چه بود، چراکه عنوان می‌شود تحریم بیش از اپیدمی ویروس کرونا تاثیر داشت؟

تاثیر ویروس کووید ۱۹ بر اقتصاد ایران، صنایع و به‌ویژه صنعت خودرو از این قاعده کلی مستثنا نیست. اثرگذاری ویروس کرونا بر اقتصاد ایران به‌عنوان عامل کاهنده بر تولیدات صنعتی و به‌ویژه بر تولیدات خودرو در صنعت خودرو ایران نیز تاثیرگذار بوده است. این عامل در کنار تحریم‌های ظالمانه امریکا محدودیت‌هایی در روند رشد اقتصادی ایران ایجاد کرده است. کاهش درآمدهای نفتی، اثرات آن بر کاهش درآمدهای ارزی و قطع بودن ارتباطات بین‌بانکی و بیمه‌ای قاعدتا باید این روند بر تولیدات خودروهای صنایع بزرگ خودروسازی ایران اثرات مضاعف داشته باشد اما تولیدات خودرو در سال ۹۹ در شرکت‌های بزرگ خودروسازی مانند گروه صنعتی ایران‌خودرو و گروه خودروسازی سایپا به نظر می‌آید از رشد منفی تبعیت نکرده است.

◉ عامل این امر در صنعت خودرو ایران چیست؟

عامل تاثیرگذار در این رشد تولید، همواره، وجود تقاضای بالقوه در بازار خودرو ایران است. همان‌طور که گفته شد بررسی‌های انجام‌شده در اقتصاد جهان و براساس آمارهای منتشرشده نشان می‌دهد کاهش تقاضا برای خودروهای سواری، یکی از عوامل کاهش تولید خودرو در کشورهای صنعتی بزرگ جهان بوده است. عامل دیگر تاثیرگذار در بازار خودرو در ایران، کاهش شدید واردات خودرو نسبت به سال‌های قبل است. این کاهش هم براساس مقررات کشور محدودشده و هم کشورهای فعال در عرضه بازار خودرو در ایران بر اثر محدودیت‌های ایجادشده از سوی امریکا، در راستای تحریم بازار ایران خارج‌شده‌اند و این خود یک فرصت استثنایی برای صاحبان صنایع خودرو و قطعه بوده است. به‌عنوان نمونه، براساس اطلاعات موجود در ماه فوریه سال ۲۰۲۰ میلادی، که اوج گسترش ویروس کرونا در چین بود، کاهش شدیدی در تولید خودرو این کشور ایجاد شد و علاوه‌بر آن با توجه به سهم زیاد چین در تولید قطعات صنعت خودرو جهان و وابستگی شرکت‌های خودروسازی به قطعات تولیدشده در چین، اثر زیادی در کاهش تیراژ تولید خودرو در سطح بین‌الملل داشته است. باوجوداین، خودروسازی ایران با توجه به وابستگی زیادی که به قطعات پیشرفته و های‌تک خارجی دارد، دچار مشکلاتی در تولید خودرو شده است و آمار برخی از خودروهای ناقص و تجاری نشده را به‌دنبال داشت. این موضوع را می‌توان اثر پیامدهای ویروس کرونا بر صنایع خودرویی جهان و تاثیرش بر صنعت خودرو ایران برشمرد.

چنانچه ارزیابی بیشتری درباره اثرات ویروس کرونا بر اقتصاد جهان داشته باشیم، دورنمای رشد واقعی تولید ناخالص داخلی (GDP) در اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۸ میلادی و پیش‌بینی آن در سال ۲۰۲۰ از سوی گروه CEEMEA که از سوی دنیل تورنیلی (Dr Daniel Thorniley) در یک بررسی تحلیلی به رشته تحریر درآمده و انتشارات شهر آن را ترجمه و منتشر کرده، اعدادی از رشد اقتصادی را در قالب رشد واقعی تولید ناخالص داخلی و پیش‌بینی آن در سال ۲۰۲۰ میلادی نشان داده است. براساس این بررسی، رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۸ میلادی به صورت زیر بوده است:

* رشد تولید ناخالص داخلی جهانی: ۴ درصد
- رشد تولید ناخالص بازارهای توسعه‌یافته: ۲.۲ درصد
- رشد تولید ناخالص بازارهای در حال توسعه: ۵ درصد
* رشد مصرف خانگی در سال ۲۰۱۸؛
- رشد جهانی ۳.۲ درصد
- رشد بازارهای توسعه‌یافته ۲.۷ درصد
- رشد بازارهای در حال توسعه ۴.۳ درصد
* رشد سرمایه ثابت؛
- رشد جهانی ۴.۶ درصد
- رشد بازارهای توسعه‌یافته ۳.۶ درصد
- رشد بازارهای در حال توسعه ۵.۴ درصد
* پیش‌بینی رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال ۲۰۲۰؛
- رشد جهانی ۳.۸ درصد
- رشد امریکا ۲.۷ درصد
- رشد چین ۵.۸ درصد
- رشد منطقه یورو ۲ درصد
- رشد هند ۷.۹ درصد
- رشد آلمان ۲ درصد

براساس این آمار، مشاهده می‌شود رشد واقعی تولید ناخالص داخلی در جهان و کشورهای مورداشاره در سال ۲۰۱۸ میلادی مثبت بوده و کشورهای یادشده از رشد خوبی برخوردار بوده‌اند. اما پیش‌بینی این رشد در سال ۲۰۲۰ میلادی که بسیار خوشبینانه‌تر از سال ۲۰۱۸ میلادی برآورد شده، نشان می‌دهد، قبل از شیوع ویروس کرونا نظر خوشبینانه‌ای درباره رشد تولید ناخالص داخلی اقتصاد جهان وجود داشت اما پس از شیوع ویروس کرونا در جهان، در کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته که همواره دارای رشد اقتصادی مثبت بودند، عملا در سال ۲۰۲۰ میلادی رشد اقتصادی منفی شد. این روند رشد منفی در مقام مقایسه آماری، اثرگذاری ویروس کرونا بر اقتصاد جهان و تولیدات صنایع و به‌ویژه صنعت خودرو مانند خودروسازی‌ها و زنجیره تامین را به خوبی نشان می‌دهد.



امین دلیری

عامل تاثیرگذار در رشد تولیدخودرو در ایران حتی در دوران شیوع ویروس کرونا، وجود تقاضای بالقوه در بازار کشور بوده است

اخبار

افزایش ۵۰ درصدی ظرفیت تولید



با بهره‌برداری از پروژه توسعه خط مونتاژ دو ایران‌خودرو خراسان در مرداد سال آینده، ظرفیت تولید خودروهای شاسی‌بلند در این شرکت ۵۰ درصد افزایش می‌یابد.

به‌گزارش ایکوپرس، بیژن زاهدی‌فرد، مدیرعامل ایران‌خودرو خراسان در این‌باره گفت: پروژه افزایش ظرفیت تولید شرکت ایران‌خودرو خراسان در فازهای مختلف تعریف و از چند سال قبل در حال اجراست که در مرداد امسال نیز مرحله نهایی پروژه توسعه خط مونتاژ دو به‌منظور افزایش ظرفیت تولید خودروهای SUV به اجرا درآمد.

وی افزود: درحال‌حاضر دو نوع خودرو SUV هایما اس ۵ و اس ۷ پلاس با ظرفیت تولید ۶.۵ دستگاه در ساعت در ایران‌خودرو خراسان تولید می‌شود که با اجرای این پروژه، ظرفیت تولید خودروهای SUV با افزایش ۵۰ درصدی به ۱۰ دستگاه در ساعت می‌رسد.

مدیرعامل ایران‌خودرو خراسان در ادامه سخنان خود ادامه داد: خط جدید مونتاژ دو ایران‌خودرو خراسان از سوی شرکت تام ایران‌خودرو در حال ساخت است. این خط کاملا مکانیزه بوده و امکان تولید همزمان ۴ مدل خودرو شاسی بلند را دارد.

زاهدی‌فرد درباره میزان اشتغال ایجادشده با بهره‌برداری از خط جدید گفت: قبل از اجرای این پروژه ۱۳۵ نفر نیرو در این خط مشغول کار بودند و با بهره‌برداری از خط جدید حدود ۵۰ نفر نیروی دیگر نیز مشغول به کار خواهند شد که این میزان بسته به تولید متغیر است.

رشد ۳۴ درصدی حمل محصولات ایران‌خودرو



شرکت مهندسی خدمات صنعتی ایران‌خودرو (ایسیکو) توانست در راستای پشتیبانی از برنامه تولید این خودروساز و تحقق اهداف در حوزه حمل‌ونقل محصول و بدنه، رشد ۳۴ درصدی حمل محصول را در ۵ ماه نخست امسال به ثبت برساند.

به‌گزارش ایکوپرس، حسین محمدی، مدیرعامل ایسیکو در این‌باره گفت: حمل محصولات گروه صنعتی ایران‌خودرو در ۵ ماه نخست امسال به صورت جاده‌ای، ریلی و حمل توسط راننده به نمایندگی‌های شهر تهران، در مقایسه با دوره مشابه سال قبل رشد ۳۴ درصدی را به همراه داشت.

وی ادامه داد: در دوره زمانی یادشده ۱۹۵ هزار و ۶۳۶ خودرو حمل شده درحالی‌که این آمار در سال گذشته ۱۴۵ هزار و ۶۶۹ خودرو بوده است.

مدیرعامل شرکت مهندسی خدمات صنعتی ایران‌خودرو اظهارکرد: در این مدت در مقایسه با سال گذشته در حوزه‌های حمل جاده‌ای ۳۰ هزار و ۳۰۷ دستگاه، حمل ریلی ۹ هزار و ۱۰۹ دستگاه و حمل خودرو از سوی راننده ۱۰ هزار و ۵۵۱ دستگاه افزایش را شاهد بوده‌ایم.

محمدی تاکید کرد: تلاش می‌کنیم با بکارگیری تمامی ظرفیت‌های موجود و استفاده از توانمندی نیروهای متخصص مجموعه، محمولات و محصولات تولیدی را در کوتاه‌ترین زمان به مقاصد تعیین‌شده برسانیم.

معاون بازاریابی و فروش گروه سایپا:

قیمت پراید را مالکان آن تعیین می‌کنند

معاون بازاریابی و فروش گروه خودروسازی سایپا درباره افزایش نرخ خودرو در بازار گفت: قیمت‌هایی که برای خودروها در بازار آزاد اعلام می‌شود، به‌نوعی عددسازی دلالان و واسطه‌هاست و نرخ مصوب خودرو در شرکت‌های خودروساز، بسیار کمتر از این اعداد است. به‌گزارش سایپانیوز، حسین کاظمی‌طرقی، معاون بازاریابی و فروش گروه خودروسازی سایپا افزود: در روزهای اخیر نرخ پراید همچون سایر خودروها در بازار دچار نوسان شده که متاسفانه برخی آن را منتسب به سایپا دانسته‌اند، این در حالی است که سایپا یک سال است تولید انواع پراید را متوقف کرده و پس از آن هیچ فروشی نداشته است.

وی ادامه داد: همان‌گونه که پیش‌تر نیز بارها اعلام کرده‌ایم، نرخ بازار خودروها از سوی واسطه‌ها و سودجویان تعیین می‌شود و برآوردها حاکی از عدم‌استقبال جامعه از این عددسازی‌ها و وجود رکود در بازار خودرو است.

معاون بازاریابی و فروش سایپا از افزایش عرضه خودرو از سوی خودروسازان در ماه‌های اخیر خبر داد و گفت: گروه خودروسازی سایپا با برنامه‌ریزی‌های موثر در زمینه افزایش تولید و عرضه، موفق شده توازنی بین عرضه و تقاضا ایجاد کند، به شکلی که برخی از محصولات این گروه خودروسازی در طرح‌های فروش اخیر، از فرآیند قرعه‌کشی خارج شده و به تمامی متقاضیان خودرو تعلق‌گرفته است.

کاظمی‌طرقی در ادامه سخنان خود یادآور شد: این روند همچنان ادامه خواهد داشت و امیدواریم حمایت‌های لازم از صنعت خودرو و خودروسازی به‌ویژه در شرایط دشوار تحریم و اپیدمی شدن کرونا انجام شود تا با افزایش تنوع و تیراژ تولید شاهد حذف واسطه‌گری از بازار خودرو باشیم.

واکنش سایپا به بازنشر یک عکس

پس از انتشار تصاویری از نحوه نگهداری چند وانت ۱۵۱ در پارکینگ و نسبت دادن آنها به دپوی محصولات از سوی خودروسازی سایپا، این گروه خودروسازی توضیحاتی منتشر و اعلام کرد این تصاویر متعلق به حدود ۳ سال پیش بوده که دوباره بازنشر شده است.

به‌گزارش سایپانیوز، به‌تازگی تصاویری قدیمی، نامفهوم و مخدوش با موضوع وضعیت پارک و نگهداشت خودروهای ناقص در فضای مجازی منتشرشده که متعلق به حدود ۳ سال پیش در پارکینگ‌های شرکت بن‌رو ساوه از زیرمجموعه‌های گروه خودروسازی سایپاست.

متاسفانه نحوه بازنشر این تصاویر و توصیف‌ها و تعبیرهای منتشرشده به همراه آن به صورت مشکوک و تخریبی به‌گونه‌ای است که این تصور را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که تصاویر مربوط به شرایط فعلی است.

لازم به توضیح است که محصول وانت ۱۵۱ به‌عنوان مناسب‌ترین خودرو جهت انجام حمل‌ونقل درون‌شهری و با تیراژ مناسب از سوی گروه خودروسازی سایپا تولید می‌شود، به‌گونه‌ای که به‌دلیل عرضه بیش از تعداد متقاضیان، این خودرو در آخرین طرح پیش‌فروش محصولات سایپا با مجوز کمیته خودرو از شمول قرعه‌کشی خارج شد. نکته دارای اهمیت اینکه پس از استقرار تیم فعلی مدیریتی در گروه سایپا از اواخر سال ۹۷ تاکنون وضعیت نگهداشت خودروها به‌طور جدی و مستمر پیگیری‌شده و کل محوطه و زمین این پارکینگ نیز ماه‌ها پیش موردبازسازی و مناسب‌سازی قرارگرفته است.

از همین‌رو درحال‌حاضر خودروهای انبارشده در پارکینگ بن‌رو ساوه در شرایط مطلوب قرار دارد و وضعیت آن به‌طور مستمر از سوی تیم‌های اعزامی معاونت کیفیت، بازرسی و رصد می‌شود.

واکسیناسیون قطعه‌سازان به خوبی در حال انجام است

عضو هیات‌مدیره گروه خودروسازی سایپا گفت: روند واکسیناسیون قطعه‌سازان به‌خوبی و با رعایت تمام پروتکل‌های بهداشتی در حال انجام است و به‌عنوان مثال در یک هفته نخست، ۳ هزار و ۵۰۰ نفر دوز اول واکسن کرونا را در مرکز فرزانگان دریافت کرده‌اند.

به‌گزارش سایپانیوز، بهمن حسین‌زاده درباره روند واکسیناسیون فعالان مجموعه‌های قطعه‌ساز که در پایگاه فرزانگان در حال انجام است، گفت: واکسیناسیون قطعه‌سازان از هفته گذشته آغاز شد و در مرکز فرزانگان تاکنون ۳ هزار و ۵۰۰ نفر دوز اول واکسن کرونا را دریافت کردند.

عضو هیات‌مدیره گروه خودروسازی سایپا با بیان اینکه در راستای توزیع مناسب واکسن، سایت‌های مختلف نسبت به واکسیناسیون فعالان صنعت خودرو، مجموعه‌های قطعه‌سازی و سپس گروه خدمات پس از فروش خودرو اقدام می‌کنند، تصریح کرد: شرکت‌های قطعه‌ساز در زمان معین نیروهای خود را به مرکز واکسیناسیون اعزام می‌کنند تا علاوه‌بر جلوگیری از هرگونه ازدحام، بتوان پروتکل‌های بهداشتی را به‌خوبی رعایت کرد.

وی در ادامه سخنان خود گفت: روند واکسیناسیون فعالان حوزه قطعه‌سازی که شامل قطعه‌سازان دولتی و غیردولتی می‌شود براساس معرفی‌نامه‌ای است که شرکت‌های خودروسازی ارائه کرده‌اند.

حسین‌زاده با تاکید بر اینکه واکسیناسیون سراسری فعالان صنعت خودرو و قطعه کار بسیار بزرگی بود که در مجموعه‌های خودروسازی دنبال شد، اضافه کرد: با توجه به اینکه نیروی انسانی ماهر اصلی‌ترین سرمایه شرکت‌ها و موسسات است و از طرفی این متخصصان و کارگران در صنعت خودرو در نوبت‌های طولانی مشغول به‌کار هستند، از اصلی‌ترین دغدغه‌های مدیران خودروساز حفظ سلامتی آنها بوده که با واکسیناسیون نیروی انسانی تمام تلاش‌مان را در حفظ سلامتی آنها انجام می‌دهیم.



یادداشت

دولت و کارگزاری جامعه مدنی



کمال اطهاری
پژوهشگر توسعه

در تمام سیستم‌های مدیریتی تعیین استراتژی‌های کلان به سازمان‌های پژوهشی بزرگ احتیاج دارد اما در کشور ما چنین نهادهایی در اختیار جناح نئولیبرال است. با وجود این، دولت نتوانسته حتی برنامه ششم را نیز به‌درستی دنبال کند و حتی نتوانسته الگویی را طراحی و اجرا کند. اما در زمان حکومت سابق با وجود اینکه یک سیستم دیکتاتوری بود، قوانین و قواعد تا این حد در هم تنیده، متعارض و پیچیده نبود. با وجود مشکلاتی که سیستم مدیریت کلان اقتصادی با آن مواجه است می‌توان گفت کاری که باید صورت گیرد، همان اقداماتی است که طی تدوین برنامه چهارم توسعه انجام شد. باید در همان چارچوبی عمل کرد که دولت اصلاحات حرکت می‌کرد زیرا روندی که دولت در پیش گرفته بود با بهره‌گیری از خرد جمعی بود. حتی شعارهایی هم که از مجاری دولت اصلاحات در رسانه‌ها منعکس می‌شد منطبق با اصول اقتصاد مقاومتی بود. اما با کمال تاسف دولت نهم و دهم این برنامه‌ها را به کناری نهاد و طرح‌هایی عوام‌فریبانه را در دستور کار قرار داد و در نهایت دولت فعلی نیز هر آنچه ضعف سیاست‌های اقتصادی دولت‌های پیشین داشت را به ارث برد و با خوانشی راست‌گرایانه در این مدت به اجرا گذاشت. نتیجه چنین عملکردی نیز فقط و فقط هدررفت وقت و منابع در اختیار دولت است. دولت در روزهایی که از دوران مسئولیتش باقی مانده موظف است به خرد جمعی رجوع کند و باید به ذخایر علمی جامعه تکیه کند. متاسفانه ساماندهی برای اجرایی کردن اقتصاد دانش‌بنیان وجود ندارد و قوانین در این زمینه ناقص است و برای عملی کردن طرح و برنامه‌های این حوزه ابزارهای لازم را در اختیار نداریم. برای مثال، تا به امروز هیچ قانونی در زمینه بحث دارایی‌های فکری وجود ندارد؛ به جز حوزه کتاب و تولیدات نرم‌افزاری، هیچ قانونی در این زمینه نداریم. جامعه ما بسیار بافرهنگ است و یک عقل سلیم بسیار جاافتاده و قابل اتکا دارد، دولت باید از این ظرفیت‌ها استفاده و دست یاری به سوی جامعه مدنی دراز کند. اما آنچه به‌عنوان یک استراتژی کلان می‌تواند در دستور کار دولت قرار گیرد تدوین مدلی است که جنبه‌های معینی داشته باشد. دولت باید برای تدوین این مدل به چند مسئله توجه ویژه داشته باشد و به آنها رجوع کند؛ نخستین مورد رابطه با دنیای خارج است، دولت باید تکلیف رابطه با خارج را مشخص کند. راه‌حل این مسئله هم این نیست که وارد مجلس شوند و بگویند ما از امروز ملی‌گرایانه پیش می‌رویم، ملی‌گرایی در این دوران و به این شکل بی‌معنی است. اصلا خط ملی‌گرایی و اصول و ابزاری که در اختیار دولت قرار می‌دهد کاملا برخلاف بحث اقتصاد مقاومتی است چراکه در این مبحث به برون‌زا و درون‌نگر بودن اقتصاد ما انتقاد وارد شده و سیاست‌های ملی‌گرایانه در حوزه اقتصاد نیز دقیقا به همین موارد دامن می‌زند، پس این خط مشی کاملا در تضاد با اصولی است که در اقتصاد مقاومتی به آن تاکید شده است. صنایع ما چرا تا این حد آسیب دیده است؟ دلیلش این است که برون‌نگر نبوده و فقط واردات را جایگزین تولید کرده است. بحث برون‌نگری و درون‌زایی باید به‌درستی و به تفصیل تعریف شود؛ باید توجه داشت وقتی صحبت از درون‌زایی می‌شود منظورمان همان اقتصاد دانش‌بنیان است. برای چنین اقتصادی باید نیروی کار پرورده شود چراکه اگر وارد این طرح شویم به‌سرعت نیروی کار را بیکار خواهد کرد و ما باید به سمت تربیت نیروی کار ماهر برویم. باید از تجارب کشورهایی چون چین، کره‌جنوبی، مالزی و ویتنام به منزله نمونه‌های موفقی از اجرای برنامه‌های اقتصاد دانش‌بنیان به‌عنوان الگو استفاده کرد. این ۴ کشور برنامه مشابهی را در دستور کار قرار دادند و سرانجام در اجرای آن نیز بسیار موفق بودند، حالا نتیجه این سیاست‌ها را در اقتصاد این کشورها به‌روشنی می‌بینیم. باید توجه داشت کره‌جنوبی به پیروی از ژاپن و در اواخر دهه ۷۰ میلادی اقتصاد دانش‌بنیان را در دستور کار قرار داده، چین نیز تقریبا همزمان با کره به این روند پیوسته است. برای مثال، عبارت «دانش نیروی اصلی مولد دوران ماست» شعار کنگره حزب کمونیست چین است که نشانگر راهی است که سیاست‌گذاران چینی در پیش گرفته‌اند و همگان در جهان شاهد نتایج آن در این کشور هستند.

صمت میزان حضور و نقش دولت و بخش خصوصی در حوزه‌های مختلف اقتصاد را بررسی کرد

کفه ترازو به نفع دولت سنگینی می‌کند؟

سهند اینانلو
editor@smtnews.ir

دو طیف از اقتصاددانان ایرانی که متعلق به دو نحله فکری عمده در بین مکاتب فکری هستند، همواره بر سر اینکه آیا اقتصاد ایران دولتی است یا غیردولتی اختلاف‌نظر داشته و حتی در برخی موارد کار بالا گرفته و شاهد در گرفتن جدل‌های رسانه‌ای بین اقتصاددانان برجسته از هر دو طیف بوده‌ایم. اما مسئله اینجاست که آیا دولت‌ها در ایران در اقتصاد نقش بیشتری در مقایسه با سایر کشورهای جهان دارند یا اینکه با توجه به برون‌سپاری‌ها و خصوصی‌سازی در سال‌های اخیر کفه ترازو به نفع بخش‌های غیردولتی و خصوصی سنگین‌تر شده است؟ کارشناسان معتقدند برای درک این موضوع باید به مقوله سنجش سهم دولت در اقتصاد پرداخته شود تا اینکه مشخص شود چه مقدار از ارزش افزوده‌ای که سالانه در کشور تولید می‌شود توسط دولت بوده است. البته این دست مباحث در فضای آکادمیک ایران هیچ گاه به نتیجه مشخصی ختم نشده و معمولا منجر به تشدید شکاف‌های معرفتی بین اندیشمندان حوزه اقتصاد وطنی می‌شود. شاید این نقل از یک رند هم‌میهن بهترین توصیف از احوالات اقتصاد کشورمان باشد؛ اقتصاد ایران مانند شترمرغی است که در پاسخ به درخواست‌ها برای تخم‌گذاری شتر می‌شود و هرگاه نیاز به حمل بار باشد در قالب یک مرغ فربه و تنبل فرو می‌رود.



عکس: سامان شرف‌الدین

سهم دولت واقعا چقدر است؟

سیامک قاسمی، تحلیلگر اقتصاد با اشاره به حضور پررنگ دولت در اقتصاد ایران به صمت گفت: جایگاه دولت در اقتصاد ایران بسیار فراتر از نگاه‌های ساده‌ای است که برخی با اتکا به آن اقدام به محاسبه سهم دولت در کل اقتصاد می‌کنند. نمی‌توان تنها با در نظر گرفتن GDP و همچنین بودجه عمومی و بودجه کل کشور اقدام به تخمین زدن سهم دولت کرد و این نگاه ساده‌انگارانه و نادقیق است. وی در ادامه افزود: دولت حتی در بخش‌هایی که در ظاهر غیردولتی هستند سهم و نقش بسیار پررنگی دارد که شاید در محاسبات ذکرنشده باشد اما در عمل می‌توان گفت این دولت است که بر همه عرصه‌های اقتصادی کشور سیطره کامل دارد. قاسمی با تاکید بر وجود رد پای پررنگ دولت در شرکت‌ها و نهادهای عمومی عنوان کرد: برخی نهادهای کشور از نظر قانون تجارت، دولتی محسوب می‌شوند که از نمونه‌های آن می‌توان به شستا، ایران‌خودرو، پتروشیمی خلیج‌فارس و سایر هلدینگ‌های بزرگ اشاره کرد.



این تحلیلگر اقتصاد در ادامه بیان کرد: این مجموعه‌های فوق‌العاده مهم و بزرگ تنها به‌دلیل اینکه ردیف بودجه ندارند، خصوصی محسوب می‌شوند، در حالی که چنین امری درست نیست زیرا عملا توسط دولت اداره می‌شوند و کاملا در اختیار دولت‌ها هستند و حتی مدیران این مجموعه‌ها و هلدینگ‌ها توسط وزرای دولت گزینش می‌شوند.

سهم بخش خصوصی

این کارشناس اقتصاد با اشاره به سهم بخش خصوصی از اقتصاد ایران به صمت گفت: بخش خصوصی واقعی در اقتصاد ایران بسیار کوچک‌تر از آن چیزی است که ادعا می‌شود. البته نمی‌توان منکر وجود و فعالیت بخش خصوصی واقعی در اقتصاد ایران شد، زیرا در حوزه‌های مختلف اعم از ساختمان‌سازی، فولاد، انرژی و... شاهد فعالیت موثر شرکت‌های خصوصی هستیم که نقش و سهم بسیار موثری در تولید ارزش در کشور بازی می‌کنند.

وی در ادامه ضمن اشاره به آمار تولید ناخالص ملی در سال گذشته تصریح کرد: باید توجه داشت حدود ۴۵ درصد GDP ایران به بخش خدمات تعلق دارد که ۱۵ درصد آن مربوط به عمده‌فروشی‌ها و خرده‌فروشی‌هاست که حدود ۷۰ درصد آنها توسط بخش خصوصی واقعی اداره می‌شود.

تکلیف سهم شرکت‌ها چه می‌شود؟

این کارشناس اقتصاد با تاکید بر نقش مهم دولت در شرکت‌های مختلف یادآور شد: اگر بخواهیم سهم دولت در اقتصاد را محاسبه کنیم، قطعا نمی‌توانیم سهم شرکت‌های دولتی را از این مسئله جدا کنیم زیرا همه امورات داخلی این شرکت‌ها اعم از تصمیم‌گیری‌ها، مدیریت، عزل و نصب و... توسط دولت‌ها انجام می‌شود و طبیعتا این شرکت‌ها نیز باید در سبد دولت قرار گیرند.

وی ادامه داد: در شرکت‌هایی مانند خودروسازی‌ها، فولادی‌ها و... دولت حضوری فعال دارد و در همه حوزه‌های مربوط به این شرکت‌ها نیز تاثیرگذار است.

قاسمی در پایان با اشاره به مداخله دولت‌ها در امر مدیریت شرکت‌های صنعتی و خدماتی، خاطرنشان کرد: هرچند دولت به‌طور اسمی تنها سهام مدیریتی در این شرکت‌ها دارد و سهم حداقلی نصیبش می‌شود اما عملا بیشتر این شرکت‌ها تحت سیطره دولت‌ها هستند، زیرا سیاست‌گذاری‌های کلان، هیات‌های مدیره و سایر مدیران به‌طور کامل توسط دولت تعیین و انتخاب می‌شوند؛ از همین رو نمی‌توان این دست شرکت‌ها را از سبد دولت بیرون گذاشت.

> اگر بخواهیم سهم دولت در اقتصاد را محاسبه کنیم، قطعا نمی‌توانیم سهم شرکت‌های دولتی را از این مسئله جدا کنیم زیرا همه امورات داخلی این شرکت‌ها اعم از تصمیم‌گیری‌ها، مدیریت، عزل و نصب و... توسط دولت‌ها انجام می‌شود

سهم دولت در صنعت بانکداری ایران



حجت‌الله فرزانی، کارشناس امور بانکی با اشاره به ساختارهای اقتصاد کشورهای مختلف به صمت گفت: طبیعتا نقش دولت در صنعت بانکداری کشورهایی که از اقتصاد بازار آزاد تبعیت می‌کنند، بسیار کمتر از کشورهایی است که اقتصادی تحت نظارت داشته و دولت در حوزه‌های مختلف سهم و نقش پررنگی دارد.

وی در ادامه افزود: در ایران نیز ما شاهد حضور دولت در عرصه بانکداری بوده‌ایم و کماکان باوجود خصوصی‌سازی و ورود بخش خصوصی به این حوزه سهم دولت را نمی‌توان نادیده گرفت.

فرزانی با اشاره به میزان فعالیت دولت در صنعت بانکداری ایران عنوان کرد: باتوجه به سهم بالای دولت در اقتصاد می‌توان گفت ما نیز از ساختار نظارتی در حوزه اقتصاد پیروی می‌کنیم که به‌معنای حضور دولت در همه بخش‌های اقتصاد است. همان‌طور که گفته شد بانکداری در ایران از ابتدا توسط دولت پا گرفت و هنوز هم حضور نهاد اجرایی در صنعت بانکداری ادامه دارد.

وی ادامه داد: البته از اوایل دهه ۸۰ بانکداری خصوصی در ایران رواج یافت و در ابتدا نیز نمونه‌های موفقی از فعالیت بخش خصوصی در نظام بانکی دیده می‌شد. سرمایه‌گذارانی که از قدیم هم در این حوزه مشغول کار بودند، وارد گود شدند و بانک‌های خوبی تاسیس کردند اما در ادامه شاهد برآمدن بانک‌هایی بودیم که نام‌شان خصوصی بود اما در عمل توسط دولت‌ها اداره می‌شدند که نام خصولتی را به خود گرفتند.

این کارشناس امور بانکی با توضیح درباره نحوه مداخله دولت در صنعت بانکداری به صمت گفت: وقتی در زمینه سهامداری هم به بانک‌ها توجه می‌شود، به‌خوبی می‌توان حضور برخی نهادهای عمومی در صنعت بانکداری را مشاهده کرد، این در حالی است که قرار بود چنین بانک‌هایی تماما توسط بخش خصوصی اداره شوند اما همان‌طور که گفته شد دولت‌ها یا مستقیما در انتصاب مدیران بانک‌ها اعمال‌نظر می‌کنند یا اینکه نهادهای عمومی غیردولتی بانک‌هایی تاسیس می‌کنند که به‌صورت اسمی غیردولتی هستند اما عملا زیرمجموعه‌ای از دولت محسوب می‌شوند.

وی در ادامه یادآور شد: در نهایت باید گفت نقش حکومت و دولت در بانک‌ها بسیار زیاد است و نمی‌توان از نقش نهاد دولت در این حوزه چشم‌پوشی کرد، زیرا به‌طور پراکنده یا متمرکز در بخش صنعت بانکداری به فعالیت می‌پردازند و تنها در موارد انگشت‌شماری شاهد حضور بخش خصوصی واقعی و مستقل در نظام بانکی هستیم.

فرزانی در پایان خاطرنشان کرد: البته در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصاد ایران، بخش خصوصی نقش کم‌رنگ‌تری را در صنعت بانکداری ایفا می‌کند اما نمی‌توان منکر حضورش در این حوزه شد. البته با نگاهی به عملکرد بانک‌های خصوصی واقعی متوجه می‌شویم بازدهی و کارآمدی این مجموعه‌ها که دولت در مدیریت آنها دخالتی ندارد، به‌مراتب بالاتر از نمونه‌های دولتی است و شاید همین موضوع دلیلی برای افزایش سهم بخش خصوصی مستقل در این صنعت باشد.

سخن پایانی...

با نگاهی به نظرات صاحب‌نظران حوزه اقتصاد به‌نظر می‌رسد ایجاد شفافیت در بخش‌های مختلف و همچنین اصلاح در نظام بودجه‌ریزی کشور می‌تواند تکلیف سهم واقعی دولت به مفهوم state را از سایر بخش‌های حاکمیتی و نهادهای عمومی روشن کند. البته بسیاری از مدافعان دولتی شدن اقتصاد معتقدند تعداد نیروی کار مشغول در بخش‌های دولتی ایران در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند فرانسه و حتی امریکا به‌مراتب کمتر است؛ از همین رو نمی‌توان بودجه‌هایی را که به سایر بخش‌ها تعلق می‌یابد به پای ۳میلیون کارمند تحت امر دولت نوشت. اقتصاددانان معتقدند برای تفکیک بخش‌های مختلف اقتصاد ایران که به‌طرز عجیبی در سطوح مختلف تسهیم شده، باید دست از تدوین چندین بودجه در کشور برداشت و سازمان برنامه و بودجه باتوجه به نیازهای نیروی کار خود و سایر هزینه‌های داخلی دولت تنها یک بودجه را تنظیم و به مجلس تقدیم و طبق همان بودجه نیز سهم خود را از منابع دریافت کند. در این صورت می‌توان سهم هر یک از بخش‌های اقتصاد کشور را در مقایسه با دیگران مشخصا محاسبه و طبق همین الگو بازدهی و بهره‌وری آنها را نیز رصد کرد، اما در حال حاضر نه‌تنها هیچ یک از نهادهای عمومی پاسخگوی نحوه هزینه‌کرد منابع تخصیص‌یافته به خود نیستند، بلکه هزینه‌کرد سنگینی که دارند نیز به پای دولت نوشته می‌شود. از طرفی هم هرگاه نیاز به پویایی دولت احساس می‌شود همه این نهادها به‌قول معروف دست و پای دولت را کشیده و از حرکتش رو به جلو ممانعت می‌ورزند، این در حالی است که برای هیچ یک از حرکت‌های خود در چارچوب فعالیت‌های اقتصادی به دولت پاسخگو نیستند. تجربه نیز ثابت کرده هیچ نهاد قدرت و ثروتی در هیچ نقطه‌ای از جهان داوطلبانه خواستار شفافیت مالی و صرفه‌جویی در هزینه‌های خود نیست و از رصد و نظارت نیز استقبال نمی‌کند؛ از همین رو کارشناسان معتقدند اصلاح نظام بودجه‌ریزی یکی از اولویت‌های اصلی برای انجام یک جراحی دردآور و عمیق در اقتصاد ایران است که اگر به‌صورت دقیق و اصولی انجام شود، امکان پویایی اقتصاد ایران باتوجه به دسترسی کشور به منابع مکفی به هیچ وجه دور از تصور نیست.

باجه خبر

قدردانی از خدمات سندیکای بیمه‌گران

مدیرعامل بیمه رازی از خدمات سندیکای بیمه‌گران در زمینه واکسیناسیون کارکنان صنعت بیمه تقدیر کرد.

علی جباری، مدیرعامل بیمه رازی طی پیامی از خدمات دکتر سیدمحمد کریمی، دبیرکل سندیکای بیمه‌گران ایران در پیگیری واکسن کرونا برای کارمندان خدوم صنعت بیمه تشکر کرد.

به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل بیمه رازی، دکتر جباری در این پیام ضمن قدردانی از زحمات بی‌شائبه کادر درمان و پزشکان در راستای ارتقای سلامت جامعه و آرزوی توفیق روزافزون و بهروزی برای ایشان در تمام عرصه‌های خدمت، از پیگیری‌های مجدانه و مستمر سندیکای بیمه‌گران ایران و اخذ مجوزهای لازم از وزارت بهداشت و ستاد ملی مبارزه با کرونا برای واکسیناسیون کارکنان و فعالان صنعت بیمه در سراسر کشور و همچنین فراهم آمدن امکان دریافت آنی نوبت در سامانه تقدیر کرد و این خدمت شایسته را ارج نهاد.

پیام تبریک مدیرعامل بانک توسعه صادرات به وزیر اقتصاد

علی صالح‌آبادی، مدیرعامل بانک توسعه صادرات ایران با صدور پیامی، هفته دولت را به کارمندان و خدمتگزاران نظام اسلامی تبریک گفت.

متن پیام به شرح زیر است:

هفته اول شهریور، هفته دولت و یادآور فداکاری‌های فرزندان پاک‌نهاد روزهای پرشور انقلاب، شهدای والامقام رجایی و باهنر است.

با شهادت این دو عزیز، تقویم ایران اسلامی مزین به نام دولتی شد که نمادی ماندگار از وحدت ملت و دولت در مسیر پیشرفت و سرافرازی تاریخ پرافتخار انقلاب بوده است.

به همین مناسبت، هفته دولت و روز کارمند را به تمامی کارمندان و دولتمردان خدوم نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در مجموعه دولت تبریک گفته و توفیق تداوم خدمتگزاری را برای آنان خواستارم.

از سوی دیگر مجموعه بانک توسعه صادرات ایران رخداد مبارک همزمانی هفته دولت و انتخاب اعضای کابینه سیزدهم را به فال نیک گرفته و پیشاپیش موفقیت خدمتگزاران آتی نظام را از خداوند منان آرزو می‌کند.

بانک پاسارگاد، بانک برتر اسلامی سال ۲۰۲۱

بانک پاسارگاد آغاز هفته بانکداری اسلامی و سالروز تصویب قانون عملیات بانکی بدون‌ربا را به تمامی همکاران خدوم نظام بانکی کشور تبریک و تهنیت گفت و برای ایشان آرزوی صحت، سلامتی و توفیق روزافزون در شکوفایی اقتصادی کشور کرد.

به گزارش روابط عمومی بانک پاسارگاد، این بانک که به‌عنوان بانک برتر اسلامی سال ۲۰۲۱ ایران توسط نشریه بین‌المللی و معتبر بنکر (The Banker) برگزیده شده، ضمن اشاره به فداکاری‌ها و ایثار همکاران نظام بانکی کشور در کلیه واحدها در ایام شیوع ویروس کرونا در عرصه خدمت‌رسانی به آحاد مردم شریف ایران و نقش ایشان در تسهیل امور اقتصادی در سطوح خرد و کلان اقتصادی، فرارسیدن سالروز تصویب قانون عملیات بانکی بدون‌ربا و تایید آن در شورای نگهبان در تاریخ ۱۰ شهریور ۱۳۶۲ را تبریک و تهنیت گفت و برای ایشان آرزوی صحت و سلامتی کرد.

گفتنی است در بررسی سالانه نشریه بنکر از بانک‌های اسلامی سراسر جهان شاخص‌هایی نظیر سرمایه لایه یک بانک‌ها (Tier-1 Capital) و تغییرات آن، میزان کل دارایی‌های منطبق بر شریعت، سود خالص از محل فعالیت‌های بانکداری اسلامی، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام، نسبت هزینه به درآمدها و درصد تسهیلات غیرجاری مرتبط با عقود اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در کنار آن محصولات و خدمات خاص بانک‌ها در حوزه بانکداری اسلامی، تلاش‌های بانک برای توسعه خدمات بانکداری اسلامی برای کسب‌وکارهای نو و درنهایت نوآوری‌ها و اقدامات بانک در زمینه فناوری‌های مالی و بانکی روز و البته سرمایه‌گذاری‌های جدید برای گسترش دایره خدمات بانکداری اسلامی بررسی می‌شود. در این راستا براساس ارزیابی سال ۲۰۲۱ نشریه بنکر، بانک پاسارگاد موفق شد برای ششمین دوره، عنوان «بانک اسلامی سال ایران» را به خود اختصاص دهد.

در سایر ارزیابی‌های این موسسه معتبر و باسابقه که مستقیماً زیرمجموعه انتشارات Financial Times قرار دارد، بانک پاسارگاد در سال ۲۰۲۰ در بین هزار بانک برتر جهان، از نظر نرخ بازده سرمایه (ROC) رتبه ۱۳ جهانی و اول خاورمیانه را کسب کرده و از منظر نرخ بازده دارایی‌ها (ROA) نیز رتبه ۱۲۱ جهانی و ۱۶ خاورمیانه را در اختیار دارد. بانک پاسارگاد همچنین تنها بانک ایرانی حاضر در فهرست هزار بانک برتر جهان در رتبه‌بندی ۲۰۲۰ نشریه بنکر بوده است. به‌علاوه، بانک پاسارگاد از نظر ارزش برند تنها بانک ایرانی حاضر بین ۵۰۰ برند برتر بانکی ارزیابی شده توسط بنکر و مؤسسه برندفاینانس است و در آخرین رتبه‌بندی در سال ۲۰۲۱ موفق شد با ۸۹ پله صعود، در رتبه ۲۹۰ برترین بانک‌های جهان قرار گیرد.

صمت کم و کیف نقش شرکت‌های دولتی و نهادهای حاکمیتی در بازار سهام را بررسی کرد

ردپای عمیق دولت در بورس

سهند اینانلو
editor@smtnews.ir

نقش دولت در بازار سهام ایران همواره یکی از مباحث مورداختلاف سهامداران حقیقی و حقوقی بوده است. حقیقی‌ها معتقدند سراسر از حضور پررنگ دولت در بازار سرمایه متضرر می‌شوند اما در مقابل برخی از شرکت‌های حقوقی خصولتی و حتی دولتی اعتقاد دارند اگر قرار باشد دولت را به کلی از بازار سرمایه کنار بگذاریم، اکثریت قریب به اتفاق صنایع حاضر در بورس باید پرونده واگذاری سهام در این بازار را به کلی بسته و این حوزه را ترک کنند که در این صورت بورس تهران عملا تعطیل خواهد شد. البته عده دیگری از کارشناسان نیز معتقدند رویه کنونی باید ادامه پیدا کند اما دولت باید تا جای ممکن امور بازار را به حال خود رها کرده و اجازه دهد سازکار عرضه و تقاضا حکمفرما باشد. دولت نیز در این بین مدعی است که با اجرای اصل ۴۴ تلاش کرده تا جای ممکن نقش خود در اقتصاد را کاهش داده و مداخله حداقلی در حوزه‌های مختلف از جمله بورس داشته باشد. هرچند به‌نظر می‌رسد این ادعای دولت موردقبول کارشناسان و سهامداران نیست، زیرا به باور بیشتر فعالان بورسی شرکت‌هایی که امروز پس از طی کردن مراحل خصوصی‌سازی در بورس فعالیت دارند، عملا تحت نظارت دولت بوده و حتی در بسیاری از موارد اعضای هیات مدیره‌ها و مدیران عامل نیز با دخالت دولت‌ها انتخاب می‌شوند، از همین‌رو می‌توان گفت سهم دولت در بازاری مانند بورس که اساس آن بر حضور بخش خصوصی در اقتصاد است، بسیار پررنگ‌تر از آن مقداری است که انتظار می‌رود و بسیاری از فعالان بازار که از رانت اطلاعاتی هم برخوردار نیستند، از سایه سنگین دولت و نهادهای حاکمیتی در بورس تهران ناراضی هستند.



عکس: آیدا فریدی

با در نظر گرفتن شرکت‌های اقماری دولت، به سهم بیش از ۷۰ درصدی دولت در بازار سرمایه خواهیم رسید که در نوع خود بسیار زیاد و قابل تامل است

سهم دولت در بورس واقعا چقدر است؟

فردین آقابزرگی، کارشناس و فعال بازار سهام با اشاره به اهمیت سهم دولت در اقتصاد کشور به صمت گفت: برای درک بهتر سهم دولت در بازار سرمایه باید سهم دولت در کل اقتصاد کشور را به‌خوبی درک کنیم و بشناسیم، سپس در این زمینه اظهارنظر کنیم. برای مثال در برخی از بخش‌های اقتصاد، دولت مدعی است دخالتی ندارد اما می‌دانیم نهادهای عمومی وجود دارند که به‌نوعی بین حاکمیت و دولت قرار گرفته و از دایره بخش خصوصی خارج هستند. اگر این نهادهای عمومی را هم در سبد دولت بگذاریم، طبق گزارشات مرکز پژوهش‌های مجلس بیش از ۷۰ درصد اقتصاد ایران دولتی است که سهم بسیار بالایی به‌شمار می‌رود.

وی در ادامه افزود: دقیقا این شرایط در بورس هم وجود دارد اما برای مثال گفته می‌شود شرکت بورس خصوصی است و تنها بخشی از این بازار که با عنوان سهام عدالت شناخته می‌شود، دولتی است که فقط ۱۷ درصد از کل بازار را شامل می‌شود. اما این ادعا درست نیست. البته آمار و ارقام دقیقی از سهم و نقش دولت در بورس اوراق بهادار وجود ندارد و تنها چیزی که می‌توان گفت بالاتر بودن سهم دولت در بورس از اعداد و ارقام ادعایی است.



آمار رسمی، دقیق هستند؟

آقابزرگی ضمن اشاره به آماری که در زمینه سهم دولت در بورس منتشرشده عنوان کرد: اگر بخواهیم سایت فناوری و سپرده‌گذاری را مرجع قرار دهیم، کمتر از ۱۵ درصد ارزش بازار سرمایه ایران متعلق به دولت بوده و بقیه خصوصی است اما همان‌طور که گفته شد چنین آماری درست نیست. برای مثال، ما بانک‌های زیادی داریم که با عنوان خصوصی فعالیت می‌کنند اما در واقع تحت نظارت دولت‌ها هستند که ازجمله آنها می‌توان به بانک صادرات، تجارت و... اشاره کرد.

این کارشناس بازار سرمایه ادامه داد: گروه تامین اجتماعی که حدود ۱۴ درصد از ارزش بازار متعلق به این بخش است نیز دولتی به‌شمار نمی‌رود و در این آمار سایت فناوری و سپرده‌گذاری موردمحاسبه قرار نمی‌گیرد. وی افزود: بار دیگر تاکید می‌شود با در نظر گرفتن شرکت‌های اقماری دولت، بازهم به همان سهم بیش از ۷۰ درصدی دولت در بازار سرمایه خواهیم رسید که در نوع خود بسیار زیاد و قابل تامل است.

نهادهای اجرایی و بورس

این فعال باسابقه بازار سرمایه به اهمیت نهادهای حاکمیتی اشاره کرد و به صمت گفت: نهادها و سازمان‌هایی که در بورس دخیل هستند نیز به کلی در ید اختیار دولت هستند. برای مثال سازمان بورس، شورای‌عالی بورس، سازمان امور مالیاتی و... ازجمله این نهادها هستند که سهم زیادی در روند بازار سهام داشته و عزل و نصب مدیران آنها از سوی دولت‌ها انجام می‌شود. آقابزرگی در پایان خاطرنشان کرد: این در حالی است که اگر برنامه‌های توسعه و همچنین اصل ۴۴ قانون اساسی اجرایی می‌شد، دولت نباید به این شکل و به صورت روزافزون بزرگ می‌شد. اگر این اتفاق رخ می‌داد دولت در بازار سهام نیز سهم به‌مراتب کمتری داشت و بورس می‌توانست چابک‌تر و پویاتر به کار خود ادامه دهد.

به‌دلیل اجرایی نشدن درست و اصولی اصل ۴۴ قانون اساسی که همان مسئله خصوصی‌سازی است، اقتصاد ما درگیر مشکلاتی‌شده که بورس نیز از آنها بی‌نصیب نمانده است

خصوصی‌سازی و نقش دولت در بورس



محمدرضا آرام‌بنیار، کارشناس بازار سهام با اشاره به ایرادات سازکار عملیاتی کردن اصل ۴۴ قانون اساسی و تاثیرات آن بر بازار سهام به صمت گفت: متاسفانه به‌دلیل اجرایی نشدن درست و اصولی اصل ۴۴ قانون اساسی که همان مسئله خصوصی‌سازی است، اقتصاد ما درگیر مشکلاتی شده که بورس نیز از آنها بی‌نصیب نمانده است. وی در ادامه افزود: در تمام زمینه‌ها نیز این اتفاق رخ داده و کاستی‌های مورداشاره وجود دارد، از فولادی‌ها و بانک‌ها گرفته تا پتروشیمی و بیمه‌ها همگی از الگوی غیرمنطقی و غیراصولی خصوصی‌سازی پیروی کرده و متاسفانه نتیجه خوبی در پی نداشته است.

خصوصی‌سازی ناقص

آرام بنیار عنوان کرد: دلیل موفقیت‌آمیز نبودن این پروژه را نیز باید در نحوه اجرای آن از سوی دولت جست‌وجو کرد، متاسفانه درحال‌حاضر شاهد فعالیت شرکت‌هایی هستیم که در ظاهر خصوصی به‌شمار می‌روند اما درواقع به‌طور کامل در اختیار دولت هستند. در این زمینه هم چندین دلیل وجود دارد که چرا روند خصوصی‌سازی در بازار سرمایه به نحو درستی اجرایی نشده است؟

این کارشناس بازار سرمایه با اشاره به نحوه واگذاری سهم‌ها در بورس، بیان کرد: نخستین دلیل این است که وقتی می‌خواهیم سهام یک شرکت دولتی را واگذار کنیم، تنها بخش کوچکی از این سهم‌ها را عرضه می‌کنند و بازهم بیشترین سهم شرکت در اختیار دولت باقی می‌ماند که به معنای قدرت بیشتر در مقابل سهامداران دیگر خواهد بود.

وی ادامه داد: نکته دوم در زمینه واگذاری‌ها نیز حضور نداشتن بخش خصوصی در مرحله پایانی و نهایی سرمایه‌گذاری و به‌تبع آن بهره‌برداری است که این موضوع نیز خود به‌عنوان مسئله بسیار مهم و تاثیرگذاری در شکل‌گیری وضعیت کنونی در اقتصاد ایران موردتوجه قرار می‌گیرد.

سهام عدالت

این تحلیلگر باسابقه بازار سهام با تاکید بر نقش پررنگ دولت در زمینه شرکت‌های استانی سهام عدالت به صمت گفت: سومین دلیل هم واگذاری حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد سهام عرضه‌شده از سوی دولت در اختیار شرکت‌هایی قرار گرفته که به‌نام سهام عدالت می‌شناسیم، نحوه تعیین مدیران این بخش نیز از سوی دولت انجام می‌شود. در حالی که می‌شد این شرکت‌ها نیز در اختیار بخش خصوصی قرار بگیرند اما به هر دلیلی چنین اتفاقی رخ نداده است و شرکت‌های استانی سهام عدالت تماما توسط دولت‌ها تعیین می‌شوند.

آرام‌بنیار در پایان خاطرنشان کرد: از سویی هم کادر مدیریتی بسیاری از شرکت‌های سرمایه‌گذاری بزرگ که به‌عنوان سهامداران بزرگ بورسی هم در حال فعالیت هستند، توسط دولت‌ها (به‌طور مستقیم و غیرمستقیم) منصوب می‌شوند اما وقتی کار به محاسبه سهم دولت در این حوزه می‌رسد این نوع شرکت‌ها را در زمره بخش خصوصی دسته‌بندی می‌کنند اما متاسفانه سهامداران حقیقی و حقوقی که واقعا از بخش خصوصی هستند امکان حضور در بازار به‌گونه‌ای که این شرکت‌های خصولتی فعال هستند را ندارند.

سخن پایانی...

همان‌طور که گفته شد فلسفه وجودی بازار سهام در کشورهای توسعه‌یافته شرکت دادن جامعه مدنی و طبقه متوسط شهروندان و حتی تا حدی دهک‌های کم‌درآمد در اقتصاد است، از همین‌رو گفته می‌شود بورسی می‌تواند پویا و مولد باشد که عرصه تاخت‌وتاز دولت‌ها نشده و زمین بازی بخش خصوصی واقعی و مستقل باشد. بسیاری از کارشناسان اعتقاد دارند این فضا در بورس اوراق بهادار ایران تا به امروز ایجاد نشده و بازار به میزان قابل‌توجهی در سیطره دولت است. با نگاه به نمونه‌های موفق بورس در جهان می‌توان گفت هیچ‌یک از بازارهای سرمایه در جهان با تبعیت از الگویی که ایران در بورس اجرا می‌کند، نه وجود خارجی دارد و نه اینکه سابقه‌ای از موفقیت چنین ساختاری یا چیزی مشابه آن تاکنون در تاریخ به ثبت رسیده است. حتی در بورس شانگهای که در قلب بزرگ‌ترین نظام اقتصاد دولتی جهان فعالیت می‌کند نیز چنین الگویی از بازار سرمایه که در ایران وجود دارد، اجرا نمی‌شود با این‌وجود شاهد پافشاری و اصرار بر تداوم اجرای سیاست‌های فعلی در این حوزه از سوی دولت و حاکمیت هستیم.

تجربه چین نشان می‌دهد مداخله دولت در اقتصاد فقط به معنای حضور پررنگ و بی‌چون‌وچرای دولت در بورس نیست اما آنچه در ایران عملیاتی شده، تبلور سیاست‌های مداخله‌جویانه دولت‌ها و نهادهای عمومی در سطوح گوناگون بورس است که باعث‌شده سطح اعتماد بین سهامداران بورسی به‌مراتب کمتر از بازارهای سهام بزرگ و توسعه‌یافته جهان باشد.

یادداشت

به تغییرات اساسی نیاز داریم



امید پورمحمود
کارشناس و فعال بازار سرمایه

تعیین دامنه نوسان و حجم مبنا در بازار سرمایه ایران به‌عنوان یکی از مباحث پرچالش در طول سال‌های اخیر مطرح بوده و هنوز هم در بین سهامداران یکی از مهم‌ترین موضوع‌هاست.

بسیاری از سهامداران بر این باورند که محدودیت‌هایی مانند حجم مبنا باید به کلی از ساختار بورس تهران کنار گذاشته شوند و بازه دامنه نوسان نیز باید بازتر از آنچه درحال‌حاضر اعمال می‌شود، تعبیه شود تا دست فعالان بازار سرمایه در ایران باز شود و کسی برای انجام معامله، محدودیت‌های شدیدی که امروز وجود دارد، نداشته باشد.

البته تغییر قوانینی مانند دامنه نوسان می‌تواند تاثیراتی روی بازار داشته باشد اما باید توجه داشت که برای بهبود پایدار و رونق بخشیدن به بازار سرمایه باید اقدامات زیربنایی‌تری را در دستور کار قرار داد.

موضوع افزایش یا کاهش دامنه نوسان از مدت‌ها قبل مطرح می‌شد و طرح دوباره آن اتفاق عجیب و تازه‌ای نیست. برای تعیین دامنه نوسان باید شرایط بازار را در نظر گرفت.

در زمان‌هایی که بازار به‌اصطلاح قفل می‌شود دیگر دامنه نوسان اهمیتی ندارد که بالا یا پایین باشد، زیرا با این ابزارها نمی‌توان با را برای فعالان بازار تنگ کرده. برای مثال حتی اگر دامنه نوسان را به مثبت و منفی ۵۰ درصد هم افزایش دهیم در صورتی که حجم مبنا پر نشود می‌توانند آن سهم منفی بخورد. اما اگر دامنه نوسان همین مقدار فعلی که مثبت و منفی ۵ درصد است، باقی بماند و حجم مبنا را بردارند، بسیاری از مشکلات داخلی بازار حل می‌شود. در این صورت، ارزندگی سهم‌ها نیز به سرعت مشخص می‌شود و بازار وارد فازهای تعلیقی نمی‌شود.

از سویی هم باید دانست که وضع هرگونه قانون محدودکننده می‌تواند کار را برای بازار سهام دشوارتر کند، از همین‌رو گفته می‌شود باید به سرعت به سمت جهانی شدن بازار حرکت کنیم، در غیر این صورت نمی‌توان به رشد و توسعه بازار سهام امیدوار بود.

دولت اجازه دخالت در امور داخلی بازار سرمایه را ندارد و کسی که مثلا ۶۰ درصد اصلاح روی سهمش را تجربه کرده باید بتواند در صورت تمایل کل سرمایه خود را از بازار خارج کند.

مشکل بازار سهام این است که افرادی وارد بورس شده‌اند که جای آنها آنجا نبود. بهتر است این افراد پول‌شان را از بازار خارج کنند تا هم خیال خودشان آسوده شود و هم اینکه بازار تحت‌تاثیر هیجانات آنها قرار نگیرد. عده زیادی از تازه‌واردان نیز رفتار منطقی‌تری نسبت به اوایل دوره هجوم مردم به بورس در پیش گرفته‌اند. حتی در مواردی بسیاری از نوسهامداران به سهم خود دست نمی‌زنند و با دید بلندمدت به این سرمایه‌گذاری می‌نگرند که تصمیمی کاملا حرفه‌ای و درست است که آسیبی به بازار هم نمی‌زند.

تازه‌ترین خبر درباره جاماندگان سهام عدالت

سخنگوی کانون شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی با بیان اینکه دولت اکنون باید تکلیف ۱.۸ میلیون دارنده کارت سهام عدالت به‌عنوان جامانده را مشخص کند، گفت: حدود ۱۶ میلیون نفر دیگر از ۶ دهک کم‌درآمد، سهام عدالت نگرفته‌اند.

به گزارش اقتصادنیوز، اکبر حیدری درباره تعیین‌تکلیف ۱.۸ میلیون نفر از جاماندگان سهام عدالت که همه مراحل ثبت و شناسایی را انجام داده و حتی کارت پرس شده سهام عدالت در دست دارند اما به‌عنوان سهامدار عدالت شناخته نمی‌شوند، گفت: حداقل جاماندگان سهام عدالت ۱.۸ میلیون نفر هستند که با توجه به رویکرد دولت قبلی این افراد به صورت غیرقانونی از شمول سهامداران عدالت خارج شدند، در حالی که همه مراحل ارسال دعوتنامه، شناسایی، ثبت‌نام و کارت مهروموم‌شده سهام عدالت را در اختیار داشتند و در واقع حقوق مکتسبه آنها باید معادل سایر دارندگان سهام عدالت باشد اما دولت قبلی آنها را از فهرست سهامداران خارج کرد و مدعی شد، سامانه سازمان خصوصی‌سازی آنها را به‌عنوان سهامدار نمی‌شناسد.



وی گفت: به نظر من جاماندگان سهام عدالت دو دسته هستند؛ یک دسته کسانی که دعوتنامه سهام عدالت گرفته و مراحل نهایی را مانند سایر سهامداران طی کرده و کارت پرس‌شده سهام عدالت هم دارند و حق آنها معادل سایر سهامداران عدالت باید پرداخت شود که در این زمینه به قولی گفته می‌شود ۱.۸ میلیون نفر جا مانده‌اند و به قول دیگری ۴ میلیون نفر جا مانده هستند.

دسته دوم کسانی از ۶ دهک کم‌درآمد جامعه هستند که به هر دلیل در فرآیند شناسایی و پرداخت سهام عدالت قرار نگرفتند و اگر دولت بخواهد سهام جدیدی اختصاص دهد، باید به آنها توجه کند که این تعداد حدود ۲۰ میلیون نفر هستند که احتمال دارد ۴ میلیون از آنها کسانی باشند که کارت سهام عدالت دارند؛ بنابراین حداقل ۱۶ میلیون نفر هستند که مستحق گرفتن سهام عدالت بوده‌اند اما تاکنون سهامی دریافت نکرده‌اند.

سخنگوی کانون شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی گفت: براساس طرحی که در مجلس کنونی در دست بررسی است و در کمیسیون اقتصادی مجلس هم به تصویب رسیده و اکنون در نوبت بررسی در صحن مجلس قرار دارد باید به جاماندگان سهام عدالت، سهام دولتی اختصاص یابد درباره گروه اول یعنی ۱.۸ میلیون دارنده کارت سهام عدالت باید مانند سایر سهامداران عدالت پرداخت شود، چون دولت قبلی به صورت غیرقانونی سهام این افراد را به نفع خود مصادره کرد.

حیدری همچنین گفت: از سویی از سهام عدالت دارندگان سهام بیش از ۴۷ درصد از ارزش اسمی یک‌میلیون تومانی به بهانه اینکه اقساط ۱۰ ساله از محل سود شرکت‌ها به حد ۵۳۲ هزار تومان دریافت شده است.

بنابراین دولت بقیه این سهام یعنی ۴۷ درصد ارزش اسمی را برگرداند و در حالی که آن ۴۷ درصد سهام عدالت هم مال سهامداران بود. دولت جدید با توجه به عدالت‌محوری و شعار عدالت باید سهام عدالت مردم را به سبد دارایی‌شان برگرداند و به جاماندگانی که کارت سهام عدالت دارند، حتما سهام عدالت اختصاص دهد.

سخنگوی کانون شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی درباره این پرسش که مقامات دولت می‌گویند دولت سهام جدیدی ندارد که بخواهد به جاماندگان اختصاص دهد، گفت: اولا دارایی‌هایی که در سال ۸۵ به سهامداران عدالت اختصاص یافته بود، به حد کافی وجود دارد، ثانیا مردم سهامدار هیچ گناهی نکرده‌اند اما دولت قبلی به بهانه‌های مختلف بخشی از دارایی آنها را به صورت غیرقانونی گرفت و تصاحب کرد، چه درباره جاماندگان و چه درباره سهامداران فعلی عدالت که ۴۷ درصد سهام آنها را دولت تصاحب کرد.



شنبه
۱۳ شهریور ۱۴۰۰- ۲۶ محرم ۱۴۴۳ - ۴ سپتامبر ۲۰۲۱-شماره۱۸۷۴-پیاپی۳۱۹۲

صمت
صنعت معدن تجارت

منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه صمت: www.smtnews.ir/about.html

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «صمت»
مدیرمسئول: ناصر بزرگمهر
سردبیر:عاطفه خسروی

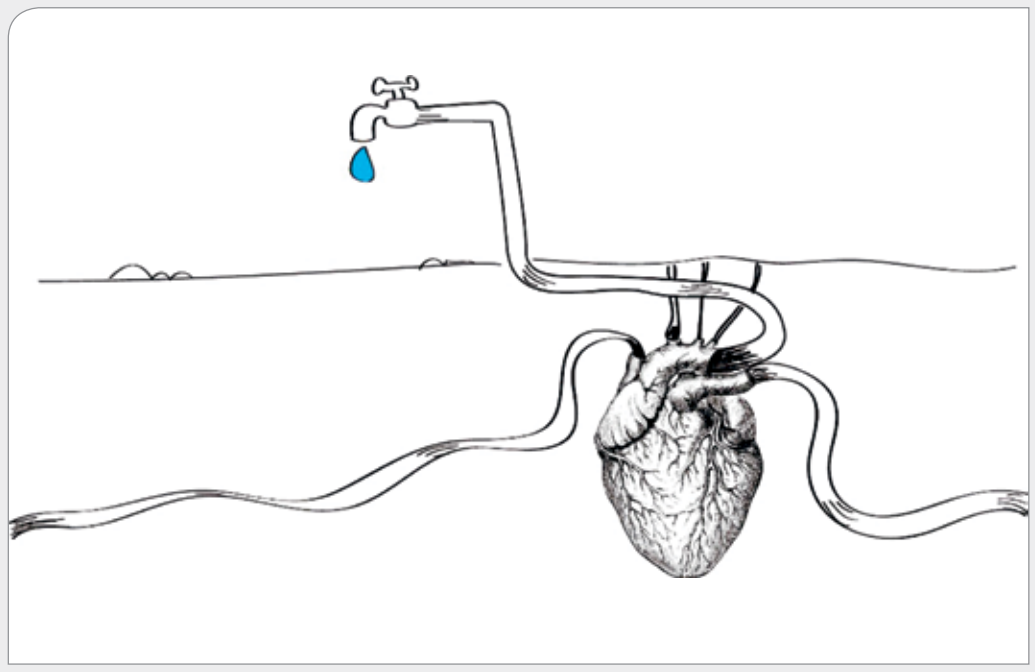
تلفن: ۸۲۱۹۰ - نمابر: ۸۸۷۱۳۷۳۰- پیامک: ۳۰۰۰۸۲۱۹۰
سازمان آگهی‌ها: ۳-۸۸۷۲۲۷۳۲ - نمابر آگهی ها: ۸۸۷۲۴۲۱۱-۰۹۱۹۱۲۵۱۴۰۶
امور مشترکین: ۸۸۷۲۲۷۳۵ - روابط عمومی: ۸۸۱۰۵۳۰۹
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۷۲۲۷۳۵
تهران، خیابان قائم‌مقام فراهانی -کوچه آزادگان شماره ۲۶ -کدپستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱
روابط عمومی: pr@smtnews.ir آگهی: ads@smtnews.ir
امور استان‌ها: ostanha@smtnews.ir
چاپخانه: شرکت چاپ رواق روشن‌مهر

info@smtnews.ir
www.smtnews.ir
instagram.com/smtnewspaper
telegram.me/smtnews
tozi.smtnews@gmail.com

روزنامه صمت با ۶۳ امتیاز رتبه ۲
در میان روزنامه های تخصصی مقام ۱
در میان روزنامه های اقتصادی مقام ۲

عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی
عضو انجمن مدیران رسانه
عضو تعاونی مطبوعات

کارتون روز



بدون شرح

طرح: حسین علیزاده

از فضای مجازی

سلطه پوپولیسم اقتصادی



امیربهداد سلامی- پژوهشگر اقتصاد: تاریخ نشان داده که پوپولیسم اقتصادی پیامدهای زیر را به بار آورده است:

کاهش رشد بلندمدت اقتصادی، کاهش درآمد سرانه و سرانه مصرف مردم، افزایش نابرابری و شدت فقر. در کل حضور پوپولیست‌ها بارها فاجعه به‌بار آورده است. آنها با استفاده از یکسری سیاست‌های مالی انبساطی رونق کوتاه‌مدت ایجاد می کنند اما عواقب منفی این اقدام‌شان تا سال‌های سال پابرجا می‌ماند و به بحران اقتصادی و سیاسی می‌انجامد و در نهایت به کاهش شدید در GDP سرانه ختم می‌شود و باوجود ادعایی که برای منافع اکثریت مردم عادی دارند، توزیع درآمد در دوران آنها بدتر هم می‌شود. به‌طور کلی پوپولیست‌ها از ۳ طریق به اقتصاد ضربه می‌زنند:

۱- ملی گرایی یا خوداتکایی و... به‌ویژه در شکل حمایت‌های تجاری از تولیدات صنعتی. پوپولیست‌ها با مرزهای باز و رقابت خارجی مشکل دارند. عموما به سازمان‌های بین‌المللی نظیر صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان جهانی تجارت و پیمان‌های بین‌المللی مشکوک هستند و به آنها حمله می کنند. آنها غالبا مخالف چندجانبه‌گرایی و همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی هستند؛ حتی در زمان‌های بحران.

۲- اعمال سیاست‌های اقتصاد کلان بی‌ثبات‌ساز و ناپایدار تورمی که باعث راه‌اندازی چرخه‌های تورم-بدهی (چاپ پول) می‌شود. از آنجا که پوپولیست‌ها به رشد کوتاه‌مدت دلخوشند و به رشد بلندمدت وقعی نمی نهند، سیاست‌های انبساطی مالی و پولی بی‌ثبات کننده را که درنهایت به افزایش بدهی عمومی و تورم خواهد انجامید، دنبال می کنند.

۳- متلاشی کردن نهادها که به تخریب بدنه کارشناسی، نظارتی و حساب‌خواهی می‌انجامد. این کار آنها به توسعه فناوری‌هایی که باواقعیت اقتصادی کشور تناسبی ندارد، سرکوب نوآوری، کاهش سرمایه‌گذاری آموزشی و کاهش انباشت سرمایه می‌انجامد که بار دیگر رشد بلندمدت را کاهش می‌دهد.

پوپولیست‌ها تمایل دارند قواعد اساسی و انتخابی را به‌نفع خود تغییر و مخالفان سیاسی خود را در مضیقه قرار دهند تا به نقطه‌ای برسند که به یک رژیم کاملا خودکامه تبدیل شوند. صحبت از «دموکراسی غیرلیبرال» می کنند و «مرکزیت مردم» را محور بحث‌ها قرار می‌دهند تا نظارت‌ها را کاهش و قدرت خود را توسعه دهند. حمله به رسانه‌ها و محدود کردن آنها نیز یکی دیگر از این حربه‌های آنهاست.

همچنین پوپولیست‌ها در اعمال سیاست‌های اقتصادی به هیچ اصولی تن نمی‌دهند. از نظر آنها نهادهای مستقل نظارتی، بانک مرکزی مستقل، کانون‌های حرفه‌ای و قیود خارجی (مثل قواعد تجارت بین‌المللی یا دریافت و پرداخت بین‌المللی نظیر FATF) گزینه‌های سیاست‌گذاری آنها را محدود می‌سازد؛ بنابراین تمایل دارند کنترل آنها را به‌دست گیرند، به آنها اجازه دخالت ندهند یا بر قدرت آنها فائق شوند و سرکوب‌شان کنند.

منبع: مجمع فعالان اقتصادی

چهره

تعداد فوتی‌های کرونایی تهران کاهش می‌یابد



رئیس ستاد مقابله با کرونا استان تهران با بیان اینکه در هفته جاری ۶ هزار و ۵۰۰ مراجعه سرپایی بیماران کرونایی به مراکز درمانی این استان داشتیم، گفت: این رقم هفته گذشته ۸ هزار و ۵۰۰ بیمار سرپایی بود که این کاهش مراجعان سرپایی سبب افزایش اکسیژن، سرم و داروهای کرونایی در داروخانه‌ها شده است.

تعداد مرگ و میرهای کرونایی این استان طی دو الی سه هفته آینده کاهش یابد.

وی درصد رعایت شیوه نامه‌های بهداشتی در استان تهران را ۶۵ درصد دانست و گفت: می‌بایست، روند افزایش رعایت شیوه نامه‌ها تداوم داشته باشد تا بتوانیم در برابر شیوع ویروس کرونا ایستادگی کنیم.

رئیس ستاد مقابله با کرونا استان تهران در آستانه روز دانش‌آموز و آغاز سال تحصیلی جدید، از برنامه‌ریزی برای بازگشایی مدارس خبر داد و گفت: بر این اساس پیش‌بینی می‌شود، فوتی‌های کرونایی تهران از ۲ هفته دیگر کاهش یابد.

علیرضا زالی در گفت‌وگو با مهر اظهارکرد: درحال‌حاضر شاهد کاهش سه درصدی مراجعه بیماران کرونایی به بیمارستان‌های استان تهران هستیم و بر همین اساس پیش‌بینی می‌شود، رئیس ستاد مقابله با کرونا استان تهران از بازگشایی مدارس در ۱۵ مهرماه خبر داد و گفت: بر این اساس پیش‌بینی می‌شود، فوتی‌های کرونایی تهران از ۲ هفته دیگر کاهش یابد.

دریچه

ساخت یک میلیون واحد مسکونی؛ هدفی رویایی

ساخت یک میلیون واحد شهری، هدفی رویایی است که تحقق آن به‌صورت مستقیم باعث بهبود رشد اقتصادی، اشتغال و پویایی سایر بخش‌ها خواهد شد.

در حال حاضر، میزان نیاز به ساخت مسکن شهری در قالب ساخت جدید و نوسازی بافت‌های فرسوده، بیش از ۵۰۰ هزار واحد مسکونی در سال است، در حالی که تولید فعلی، بسیار کمتر از این میزان است. بنا بر آمار رسمی، با اجرای پروژه عظیم مسکن مهر در دولت‌های نهم و دهم، فارغ از تمام نکات مثبت و منفی، بالاترین میزان ساخت‌وساز در کشور در سال ۱۳۹۲ انجام شد و تعداد واحدهای مسکونی تکمیل‌شده به ۸۳۴ هزار واحد رسید که در ادامه، با روی کار آمدن دولت یازدهم و در پیش گرفتن سیاست‌ها و اهداف متفاوت، سطح تولید به‌شدت کاهش یافت و برای بازگشت به سطح فعالیت حداکثری، ۲ تا ۳ سال زمان نیاز است.

باتوجه به هدف‌گذاری صورت‌گرفته و طولانی‌بودن فرآیند ساخت مسکن که از لحظه نهایی‌شدن طراحی‌ها و تجهیز کارگاه، حداقل ۱۸ ماه در پروژه‌های سریع‌سازی است، در صورت پایبندی دولت منتخب به وعده‌های خود، در گام ابتدایی، وزیر باید مقدمات شروع ساخت حداقل ۲ میلیون واحد مسکونی شهری را فراهم کند تا در سال دوم، بتواند به هدف خود برسد. این میزان فعالیت ساختمانی معادل ساخت ۶۵ درصد واحدهای مسکونی شهر تهران در دو سال است که در صورت موفقیت، فعالیتی عظیم، سخت و بی‌نظیر خواهد بود.

برای یک میلیون واحد مسکونی با متراژ متوسط ۸۰ مترمربع، با احتساب مشاعات، ساخت حدود ۱۰۰ تا ۱۱۰ میلیون مترمربع بنا موردنیاز است. حداقل زمین موردنیاز این میزان ساخت‌وساز با تراکم ۳۵۰ درصد مفید (فارغ از فضاهای زیرساختی، فرهنگی و آموزشی و...) حدود ۳۱۲۰ هکتار خواهد بود که با در نظر گرفتن مساحت ۷۳هزار هکتاری شهر تهران، شامل خیابان‌ها، پارک‌ها و... (که حداقل ۵۰ درصد این مساحت را در بر می‌گیرد)، وسعت این کارگاه حداقل معادل ۲۰ درصد شهر تهران خواهد بود و با در نظر گرفتن شروع ساخت ۲ میلیون واحد برای رسیدن به هدف اصلی، این میزان به ۴۰ درصد وسعت شهر تهران در تمام کاربری‌ها خواهد رسید.

با فرض پیشرفت فیزیکی ۴۰ درصدی این تعداد واحد مسکونی (شروع ساخت ۲ میلیون واحد)، در سال ابتدایی و با فرض اینکه هیچ‌گونه هزینه‌ای بابت ایجاد زیرساخت‌ها و سایر منابع، از جمله زمین و مجوزها لازم نباشد، با در نظر گرفتن هر مترمربع ۶میلیون تومان هزینه ساخت بابت اسکلت بتنی و تعداد طبقات محدود، نیاز به سرمایه‌گذاری حدود ۵۲۸ هزار میلیارد تومان در ۱۲ ماه ابتدایی خواهد بود که تامین آن با وضعیت اقتصادی فعلی، دور از ذهن به‌نظر می‌رسد. همچنین این میزان تولید، در سال ابتدایی به حدود ۱۱ میلیون تن میلگرد و در سال‌های بعد به ۵.۵ میلیون تن فولاد در هر سال نیاز خواهد داشت (اسکلت بتنی با حداقل نیاز به میلگرد در نظر گرفته شده است). این سطح از تقاضا در سال اول معادل ۳۶ درصد کل تولید فولاد کشور است؛ بنابراین بحث برنامه‌ریزی صحیح و تامین منابع مالی، مواد و مصالح کلیدی موردنیاز امری خطیر و حیاتی است. با نگاهی کوتاه به شاخص‌های محدود ذکرشده در بالا و باوجود اینکه در زمینه توان مهندسی و نیروی کار، کشور با هیچ کمبودی مواجه نیست، رسیدن به هدف یک میلیون واحد برای دولت لااقل در ۳۶۰ روز ابتدایی غیرممکن است.

تهیه زمین در محدوده مناسب و ایجاد زیرساخت‌ها با در نظر گرفتن محدودیت‌های زیست‌محیطی، نیاز به برنامه‌ریزی عملیاتی دقیق دارد و در زمینه تامین منابع مالی، وزیر اقتصاد مجبور به اخذ تصمیمات سخت خواهد شد. تهیه و تولید مواد و مصالح ساختمانی در صورتی که عوامل مختلف به‌صورت صحیح برنامه‌ریزی نشوند، باعث کمبود، تشکیل بازار سیاه و اثرات تورمی در کل چرخه صنعت ساختمان خواهد شد.

باتوجه به وضعیت انرژی کشور، تهیه مصالحی مانند سیمان برای تبدیل کشور به یک کارگاه عظیم ساختمانی در ۲ سال اول تقریبا ناممکن یا حداقل به‌شدت چالش‌برانگیز است.

نظرگاه

ایران در یک بحران ملی است



مسعود نیلی- اقتصاددان: نقطه‌ای که اکنون در آن قرار گرفته‌ایم نقطه سخت و حساسی است. با این منطق که برای خروج از مرحله پاندمی لازم است حداقل ۷۰ درصد جمعیت کشور واکسن زده باشند، در کشور ما باید حدود ۶۰ میلیون نفر واکسن دریافت کنند که با احتساب هر نفر ۲ دوز، در مجموع ۱۲۰ میلیون دوز واکسن برای این کار نیاز است. برابر آخرین آماری که وزارت بهداشت منتشر کرد حدود ۲۰ میلیون دوز واکسن به مردم تزریق شده؛ بنابراین همچنان ۱۰۰ میلیون دوز واکسن دیگر موردنیاز است.

اگر روزی ۵۰۰ هزار دوز واکسن (که به‌نظر رقم بالایی محسوب می‌شود) تزریق شود، به شرط تامین آن، حدود ۲۰۰ روز یا ۷ ماه طول می‌کشد تا واکسیناسیون کامل شود. حالا مسئله دیگر این است که برابر گفته‌های متخصصان، سطح آنتی‌بادی ایجادشده در نتیجه واکسیناسیون، بعد از ۶ ماه کاهش پیدا می‌کند و در نتیجه ضرورت تزریق دوز سوم هم وجود دارد.

علاوه بر این سویه‌های جدید بیماری و انواع جهش‌یافته ویروس هم در حال شیوع است، مانند نوع «دلتا» که در کشور ما هم شیوع یافته یا نوع «لامبدا» که اخیرا در حال همه‌گیری است و گفته می‌شود بسیار خطرناک‌تر از سویه‌های پیشین است. با این حساب زمانی که ما به ماه هفتم برسیم، افرادی که در ماه‌های اول واکسن زده‌اند باید دوباره واکسن دریافت کنند؛ یعنی به‌نظر می‌رسد فرآیند واکسیناسیون کامل بین ۷ تا ۱۰ ماه طول بکشد و این طولانی شدن باعث می‌شود نتوانیم از وضعیت پاندمی خارج شویم.

در نتیجه، ممکن است شرایط خاصی که اکنون مشاهده می‌کنیم، ادامه یابد.

حتی اگر نرخ مرگ‌ومیر ناشی از کرونا به نصف میزان موجود هم برسد، یعنی باز هم تعداد فوتی‌های روزانه حدود ۳۰۰ نفر خواهد بود. ممکن است بعضی‌ها فکر کنند رسیدن از نرخ ۶۵۰ تا ۷۰۰فوتی روزانه به ۳۰۰ نفر یک دستاورد است اما همه ما می‌دانیم وقتی مثلا یک هواپیما سقوط می‌کند و ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر در این حادثه کشته می‌شوند، عزای ملی اعلام می‌شود و اندوه بزرگی همه مردم را فرا می‌گیرد. اینکه هر روز در حد ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر از دنیا بروند، قطعا یک بحران ملی است.

از طرفی چون واکسیناسیون از سنین بالا و گروه‌های در خطر آغاز شده، در حال حاضر می‌بینیم که نرخ مرگ‌ومیر بیماران با سن بالا کاهش یافته و به‌جای آن نرخ مرگ‌ومیر جوان‌ها بالا رفته است. یعنی فقط کمیت مرگ نیست، کیفیت آن هم تغییر کرده است.

واقعیت این است که از نظر جامعه بسیار مهم است که این تعدادی که روزانه بر اثر بیماری فوت می‌کنند مثلا در بازه سنی ۷۵ به بالا هستند یا در بازه سنی کمتر از ۵۰. مردم هم‌اکنون با مشاهدات خود درمی‌یابند سن مردمی که فوت می‌کنند در چه بازه‌ای قرار دارد.

در مقاله‌ای که اوایل اردیبهشت امسال نوشتم، عنوان کردم که اگر به هر دلیلی دولت مستقر در موقعیتی قرار ندارد که بخواهد یک برنامه جامع واکسیناسیون اعلام کند، این بحث در انتخابات ریاست‌جمهوری مطرح شود و به‌عنوان موضوع اصلی مورد مطالبه قرار گیرد.

ما اصلا از موضوع رفاه مردم گذشتیم اما لااقل نامزدهای ریاست‌جمهوری بگویند که برای حفظ جان مردم چه خواهند کرد. در انتخابات ریاست‌جمهوری درباره همه چیز بحث شد اما درباره چگونگی گذار از این روزهای رعب‌آور بحثی نشد.

اگر قرار باشد کشور در یک بازه زمانی مثلا فراتر از ۶ ماه به این وضعیت ادامه بدهد، لطمات بسیار بزرگی برای جامعه ایجاد می‌شود و ما به یک جامعه افسرده و ماتم‌زده تبدیل خواهیم شد که اصلا معلوم نیست این جامعه چگونه خودش را بازسازی خواهد کرد.

شرایط اقتصادی خوب نیست و مردم هم در حال از دست دادن عزیزان‌شان هستند و اگر قرار باشد این وضعیت ادامه پیدا کند، وضعیت بغرنج خواهد شد. اینکه بگوییم داریم تلاش می‌کنیم، شبانه‌روز کار می‌کنیم و به‌قول معروف پای کار هستیم خیلی خوب است اما باید یک برنامه مشخص به مردم اعلام و به آنها گفته شود که این شرایط قرار است ظرف چه مدت و چگونه خاتمه یابد. این یک مطالبه بسیار ابتدایی از سیاست‌گذار است.

مترونامه

معصومیت مچاله‌شده



فاطمه امیراحمدی- روزنامه‌نگار: خلوتی آخر هفته، سفر چندساعته با مترو را لذتبخش می‌کند. با انبوهی صندلی آبی خالی، انتخاب جا برای نشستن لذتی مضاعف دارد که در پوست خود نمی‌گنجی. این را کسی می‌فهمد که ساعت ۸ صبح دنبال فضایی به اندازه ایستادن روی انگشتان پا بوده باشد. قبل کرونا اصلا جنگ تن به تن بود. سر و کله این تاجدار که پیدا شد آدم‌ها متین‌تر شدند. همه سعی می‌کنند برای رعایت فاصله اجتماعی، خود را عقب‌تر بکشند. با کرونا دیگر از آن غرورهای کاذب که جلوی در بایستی و مثل مجسمه همه را نادیده بگیری و دیگری را وادار به تنه زدن و بعضا در شلوغی هول دادن کنی، خبری نیست.

اما کیف کوک هوای خنک داخل واگن دیری نمی‌پاید. گاهی برای رسیدن به مقصد باید چند قطار عوض کنی. نرسیده به سکوی قطار بعدی، معصومیتی در دل خلوتی میانه روز دوباره تو را با خودش می‌برد. مادرش در حال درست کردن بافته طلایی دخترک بود. می‌شود عاشق کودک بود و معصومیت این دنیا را نادیده گرفت. نگاهم به دستانی بود که داشتند موهای کودک را مرتب می‌کردند. صورت مادر از پشت ماسک بسیار جوان‌تر از آن بود که کودکی داشته باشد. شکم برآمده‌اش حکایت از وجود تواهی دیگری داشت. دو جعبه کنار صندلی که زن جوان روی آن نشسته بود تداعی‌گر فقر و آرزوهای بربادرفته بود. دخترک را از پشت دیدم که جثه ریزش حکایت از کوچکی او داشت.

قطار آمد و ناخودآگاه همراه آنها وارد واگن شدم. در ردیف صندلی نشستم که زن جوان نشست. معصومیت مچاله‌شده را حالا از نزدیک می‌دیدم. از درون شکستم. صورت کوچک و معصوم دخترک سه‌ساله غم بزرگ‌تر از سنش را تحمل می‌کرد. چهره زیبای کودکی دردی می‌کشید که بند بند دلم را پاره کرد. نگاهش می‌کردم. به من چشم انداخت. لبخند زدم که به او اعتماد به‌نفس بدهم تا فضای سنگینی که به زور در آن قرارش داده بودند، بشکند. به یکباره به یاد آوردم که لبخندم پشت پرده‌ای به بزرگی قاتل زنجیره‌ای نفس‌ها محبوس شده است. روی دو مچ دستان کوچک و ظریفش که خدا برای عروسک‌بازی ساخته بود، رد دو مشمای پر از بیسکویت کرم‌دار و آدامس موزی نقاشی شده بود.

اهل هیچ کدامش نبودم. باز هم برای بیرون کشیدن آن معصومیت مچاله شده، معصومیتی که به‌زور به دنیای بزرگ‌ترها پرتابش کرده بودند تا به‌جای غم عروسک، غم نان داشته باشد، تلاش کردم. اشک‌ها پشت انبوهی از نتوانستن به زور پنهان شده بودند و تنها لرزش لب‌ها چشم‌های پر از درد را لو می‌داد. به بیسکویت‌ها اشاره کردم و گفتم «خانم کوچولو چنده اینا؟» فقط گفت «پنج». آنقدر کوچک بود برای کار که حتما در آموزش‌ها فقط عدد را به او گوشزد کرده بودند. مشمای دیگر را نشان دادم و گفتم «اینا چند؟» شانه بالا انداخت. دلم می‌خواست آنقدر نوازشش کنم و آنقدر با او بازی کنم که به او بفهمانم می‌دانم تو خیلی‌خیلی کوچک هستی و فراموش نکرده‌ام الان فصل کودکی و بازی مستانه توست. خیلی زود است که غم نان دنیای بزرگسالان را روی شانه‌های کوچکت حمل کنی.

زن جوان رشته افکارم را پاره کرد و گفت «اینها هم ۵ تومن است». رو به دخترک گفتم «۲ تا بیسکویت و ۲ تا هم آدامس». زن جوان فکر کرد واقعا مشتری هستم. به جعبه‌اش اشاره کرد و گفت «اینها هم ۵ است». در پاسخ گفتم «فقط می‌خواهم از این کوچولو خرید کنم». کارت دادم و زن جوان با دستگاه پوز کشید. مسافر همیشگی شهر زیرزمینی باشی همه داستانک‌های نهان را خواهی دانست.

ناگاه به خود آمدم و غرق در تناقض‌ها چشم به صورتی داشتم که می‌خواستم گره‌های آینده‌اش را کم کنم. به دخترک کوچک اشاره کردم کنارم بنشیند. وقتی روی صندلی روبه‌رویی نشست احساس کردم چقدر از ما بزرگ‌ترها که کودکی‌اش را به یغما برده‌ایم ناخشنود است. غم نان خانواده دست‌به‌دست می‌چرخاندش تا دستفروشی کند. برانگیخته شدن احساسات مسافران زمینه سوءاستفاده از معصومیت او را بیشتر کرده است. این را زمانی فهمیدم که زن جوان برای خودنمایی جلو مسافران به او گفت «ماسکت کو؟». لب‌های کوچک گفت «نداشتیم». پس مادرش نبود، برای همین کودک سه‌ساله سعی در دور شدن از پناهش داشت.

وقتی زن جوان بلند شد، او هم بلند شد. زن جوان به سمت ادامه واگن زنان رفت و کودک به‌سوی بلندی واگن‌های بعدی. با چشم، معصومیت را دنبال می‌کردم. سرش که کج می‌شد، نمی‌خواست واژه‌های التماس را بشنوی. زاویه سر و شانه جملات را با صدای بلند فریاد می‌زدند که چگونه دنیای کودکی در حال فرو ریختن است. پسری جوان، دستی بر سرش کشید و گفت «نمی‌خوام». جوان دیگر ۵ تومنی به دستش داد و او مشما را به طرف او گرفت، اما پسر جوان چیزی برنداشت.

کاش کنارش بودم و می‌گفتم «بگو کار می‌کنم و باید از من چیزی بخری و بعد پول بدهی». حداقل گدامنش بار نمی‌آمد. دیدم انگار زورم به کودکی می‌رسد، در حالی که باید به آن جوان می‌گفتم «رسم این است بخری، بعد پول بدهی. این رفتار، آدم‌های فردای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنی را به فنا می‌دهد. جبر روزگار او را به سمت تو پرتاب کرده؛ حداقل بد را بدتر نکنیم».

هنوز نگاهم به دختر بود. فهمیدم نگاه‌هایی هم جلب نگاهم شده‌اند. دخترک یکه و تنها در مارپیچ واگن‌ها، ایستگاه به ایستگاه گم شد. به‌جای مادرش دل‌نگران معصومیت و امنیتش شدم. صورت معصوم کودکی چرا باید در خودخواهی بزرگ‌ترها خط‌خطی شود و این خط‌خطی‌ها فردا بخشی از بزرگ‌ترهایی شود که خانواده، جامعه و نهادی را قرار است اداره کنند....

می‌نویسم که روزگار را نقاشی کنم.

